

امام محمد ^{علیه السلام}

از دیدگاه

قرآن و سنت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَعْلَمُ بِمَا تُعْمَلُونَ



قَالَ أَبُو بَكْرٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

مَنْ بَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ بَاتَ مِمَّنْ بَاتَ حَامِلًا

صَبَّ
الزَّامِ الثَّنَاءُ

یا میرا کرم فرموده: هر کس میباید در حالیکه امام زمان خود را نشناخته باشد،

همانند مردی جاهل است (در کفر و نفاق و ضلالت، از دنیا بگذرد).

دین ابوالایت علی محکم است

احمد که جهان از با همی بردا

هر کس که امام محمد خود را نشناخت

فرموده به هر کس جاهل است مرد است

مقدمه

این مجموعه نظر به اهمیت مطالبش آنرا از کتاب بسیار نفیس و پرجار
نمودیم.

لا مهدی موعود» استخراج نموده و جداگانه آنرا باین صورت اقدام به چاپ

کتاب بسیار مفید «مهدی موعود» در حقیقت ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار

علامه مجلسی قدس سره میباشد، که عالم محقق دانشمند معظم حجة الاسلام

علی دوانی آنرا با قلم شیوای خود ترجمه نمود، البته با مقدمه بسیار عالی

و شرح و اضافات محققانه، که این کتاب در تیراژ بسیار زیادی بار

تاکنون چاپ شده و هر بار هم مورد استقبال فراوان علاقمندان

به حضرت مهدی ارواحنا فداه واقع گردید، امید است مساعی و

تلاش دست اندرکاران این کتاب شریف، مورد قبول خدای تبارک و تعالی
واقع گردد.

این مجموعه که منتهی از کتاب «مهدی موعود» تنها بخاطر ترویج مندرجات
باززش آن بوده و بس، علاقمندان برای بهره بردن بیشتر به اصل کتاب

مراجعه فرمایند.
نهم ربیع الأول ۱۴۰۴، قم.

فهرست مطالب کتاب

آیاتی که در روایات اهل بیت تأویل بظهور

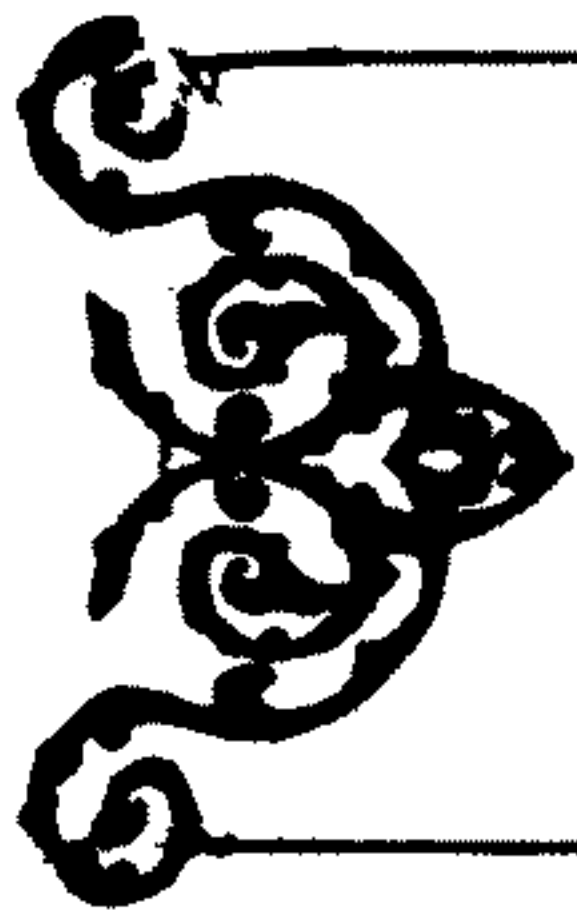
امام زمان (ع) شده است

آنچه طبرقی روایت منضل بن عمر در روز گار آنحضرت

در جهان روی میدهد

فضیلت انتظار فرج و مدح شیعیان در زمان فیت

و آنچه که شایسته است در آن زمان انجام داده شود



آیاتی که در روایات اهل بیت تأویل بظهور

امام زمان (ع) شده است

۱ - وَلَمِّنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابِ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ يَعْنِي : اگَر عَذَابِ رَا
 تَامَدت مَعِينِي (ظهور امام زمان) بِتَأخِيرِ بِيَانْدَاذِيمِ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِبُهُ بِا اسْتِهْزَاءِ
 خَوَاهِنْدَ كَسَفْتِ چِه چیز آنرا بازداشت (ومانع ظهور امام زمان چیست ؟) الْآيَوْمَ
 يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا يَهْتَكِرُونَ (۱) بِدَانِيدِ
 رُوْزِي كِه عَذَابِ مِيآيِدِ اَزْ آنْهَا بِرِداشْتِه نَمِيشُود ، بَلَكِه بِرِ آنْهَا فِرُودِ آمَدِه وَ آنْچِه رَا
 اسْتِهْزَاءِ بَانَ مِيكِرْدَنْدِ خَوَاهِنْدِيدِ .

از امیر المؤمنین روایت شده که در تأویل این آیه شریفه فرمود : أُمَّةٌ مَّعْدُودَةٌ
 اصحاب قائم آل محمد است که سیزده و سیزده نفر میباشند . (۲)
 و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق عليه السلام روایت میکند که فرمود : خداوند
 اصحاب قائم ما را در يك لحظه مانند ابرهای پراکنده فصل پائیز جمع میکند .

و در غیبت نعمانی از اسحاق بن عبد العزیز از آنحضرت روایت نموده که فرمود :
 وَلَمِّنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابِ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ ، اَيْنِ عَذَابِ قِيَامِ اِمَامِ زَمَانِ وَ اَمْتِ مَّعْدُودَةٍ
 يَارَانِ اَوْ مِيباشَنْدِ . كِه بِرِ اَبْرِ بِاسپَاهِ اسْلَامِ دَرِ جَنگِ بَدْرِ هَسْتَنْدِ (يعني ۳۱۳ تن میباشند).

۲ - وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَىٰ النُّورِ وَ

(۱) سورة هود آية ۱۰

(۲) این آیات و روایاتی را که در تأویل آنها نقل میشود و توضیحاتی که در خلال آن
 داده شده مؤلف از تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل کرده و مانیز بامختصر تلخیص و تقدیم و تأخیری
 تنظیم و ترجمه نمودیم . و هر جا مؤلف از کتاب دیگر نقل میکند متذکر میشویم تا ماخذ آن
 معلوم باشد .

ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ أَنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱) یعنی موسی را همراه آیات خود فرستادیم تا قوم خود را از ورطه ظلمانی کفر در آورده بوادی نورانی ایمان رهبری کند، و آنها را بروزهای خداوندی متذکر گرداند که در آن آیاتی است برای هر صبر کننده شکر گذاری . روزهای خداوندی (أَيَّامُ اللَّهِ) سه روز است: روز ظهور قائم صلوات الله علیه و روز مرگ و روز قیامت .

در خصال صدوق از امام باقر روایت نموده که فرمود «ایام الله» سه روز است: روز قیام قائم آل محمد ، روز رجعت و روز قیامت ، وهم صدوق در کتاب معانی الاخبار روایت مزبور را آورده است .

۳- وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ

یعنی: در تورات به بنی اسرائیل اعلام کردیم سپس خداوند خطاب با بنی اسرائیل راقطع کرده و امت پیغمبر اسلام ﷺ را مخاطب ساخته و میفرماید: لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ که شما ای امت محمد پناه بنی اسرائیل خواهید رفت و دو بار در زمین دست بفساد میزنید . مقصود فلان و فلان و اصحاب آنها و نقض عهد آنان است.

وَلَتَعْلَنَ عُلُوًّا كَبِيرًا و سرکشی بزرگ خواهید کرد . یعنی ادعای خلافت

عظمی مینمائید، فَادْجَاءَ وَعَدَاوَالَهُمْ پس چون نخستین فتنه پدید آید، یعنی جنگ

جمل بوجود آورید بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ بندگان خود را که سخت

نیرومند میباشند بر شما مسلط گردانیم، و اینان امیر المؤمنین علی عليه السلام و اصحاب آنحضرت

میباشند فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا لِّمَفْعُولٍ پس آنها شمارا هر چند بخانهها

پناه ببرید جستجو نموده بقتل رسانند تا بدانید که اراده خداوند انجام پذیر است .

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ آنگاه باز بشما دولت و غلبه میدهیم ، یعنی بنی امیه

که بر آل پیغمبر چیره میگردند وَآمَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا

واموال بسیار و فرزندان بیشمار روزی کنیم و از اندازه فزون گردانیم . یعنی یا این عده وعده خود را بر آل پیغمبر برتر یافته و با آنها بمنازعه برخاسته و بالنتیجه حسین بن علی علیهما السلام و یاران او را شهید و زنان خاندان پیغمبر را با سارت برید

ان احسنتم احسنتم لانفسکم و ان اساتم فلها فاذا جاء وعد الاخرة

اگر نیکی کنید ، نیکی بینید، و اگر بد کنید بدی یابید و چون وعده دیگر فرارسد یعنی قائم آل محمد و یارانش قیام کنند لیسوا و اوجوهکم رویهای شما سیاه گردد

ولیدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة و بایارانش بمسجد الحرام در آیند مانند روزی که پیغمبر اکرم و امیر المؤمنین و سپاه اسلام نخستین بار در آمدند و یتبروا

ما علوا یتبروا تادولت و شوکت شمارا سخت تباه گردانند : یعنی بر شما غلبه یافته همه .

تان را از دم شمشیر بگذرانند . سپس پروردگار جهان عطف توجهی بآل پیغمبر نموده و میفرماید : عسی ربکم ان یرحمکم خدای شما ترحم خواهد کرد و شما را بر دشمنانتان پیروز گرداند . آنگاه بنی امیه را مخاطب ساخته و میفرماید : وان عدتم

عدنا (۱) یعنی : اگر شما باشوکت سفیانی خروج کنید، دولت حق نیز با ظهور قائم آل محمد علیه السلام قیام خواهد کرد . در تفسیر عیاشی است که حضرت صادق علیه السلام فرمود آیه دو قضینا الی بنی اسرائیل فی الكتاب لنفسدن فی الارض مرتین، مقصود شهادت امیر المؤمنین و مسموم کردن امام حسن مجتبی «ولنعن علوا کبیرا» یعنی کشتن امام حسین علیه السلام «فاذا جاء وعدا ولیهما» یعنی چون زمان خونخواهی آن حضرت فرارسد «بعثنا علیکم عبادنا اولی بأس شدید فجا سوا خلال الدیار» خداوند مردمی را پیش از ظهور قائم آل محمد برانگیزد که هر جا دشمنی از دشمنان و ظالمین آل پیغمبر پیدا کنند نابود نمایند «و کان وعداً مفعولاً» و این کاری است که قبل از قیام قائم شدنی است «ثم رددنا لکم الكرة علیهم و امددنا کم باموال و بنین و جعلنا کم اکثر

تغیر آء :

آنگاه حضرت امام حسین علیه السلام با هفتاد نفر از یاران جانبازش که در کربلا با وی شهید شدند رجعت مینمایند . در حالی که لباس سفید پوشیده اند و بمردم اعلان کنند که امام حسین با یارانش قیام نموده اند تا اهل ایمان تردید نمایند و بدانند که او دجال و شیطان نیست ، بلکه او امامی است که در دسترس مردم است ، و چون یقین کردند او امام حسین علیه السلام میباشد تردید نخواهند کرد .

پس از جانب امام حسین علیه السلام امام زمان به مردم معرفی میگردد و اهل ایمان نیز آن حضرت را تصدیق میکنند . چون امام زمان وفات نماید ، حضرت امام حسین علیه السلام او را غسل داده و کفن و حنوط کرده دفن میکند . چنانکه در روایت است که متصدی امر امام باید امام جانشین او باشد . و در خبر است که امام حسین علیه السلام چندان سلطنت میکند که ابرویش جلو چشم مبارکش را میگیرد .

در تفسیر مزبور از حمران بن اعین از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت میکند که این آیه را میخواند « وبعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید » و میفرمود : این بندگان خدا ، قائم ما و یاران او هستند که سخت نیرومند میباشند .

هم در آن تفسیر از امیر المؤمنین علیه السلام روایت نموده که در یکی از خطبه هایش فرمود : ای مردم ! **سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي** : پیش از آنکه از میان شما بروم هر چه میخواهید از من پرسید . چه در گنجینه سینه من علوم بسیاری نهفته است . پس آنچه خواهید از من پرسید ، پیش از آنکه فتنه ای پدید آید و شراره آن بالا گیرد ، و سرپرست و رئیس و اداره کنندگان آن حتی آنها که از آن دوری گزینند در آتش آن بسوزند .

بسیاری می خواهند از آن ورطه بکنار روند و از هول آن فتنه فریادها کشند مع الوصف در آن افتند و کسی هم بداد آنها نرسد ، آنگاه چون زمانهای متمادی بدینگونه بگذرد ، خواهید گفت : مهدی مرده یا کشته شده و اگر هست

بکدام بیابان رفته؟ در آن موقع انتظار فرج بکشید. و اینست تأویل آیه «ثم رددنا لکم الكرة...»

سوگند بخداوندی که دانه را شکافت و آدمی را بیا فرید که در آن عصر پادشاهان در نعمت و شوکت بسر برند و مردی از آنان از دنیا نرود جز این که هزار فرزند ذکور از او بمانند و از هر بدعت و آفتی در امان باشند، **عَامِلِينَ بَكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ رَسُولِهِ** همه عمل بکتاب خدا (قرآن) و سنت پیغمبر میکنند و آفتها و تردیدها از حریم آنان بر طرف گردد.

مؤلف : بنا بر این تفسیر آیه مزبور باین معنی است: وحی فرستادیم به بنی اسرائیل که شما امت محمد چنین و چنان خواهید کرد، و احتمال دارد روایتی که علی بن ابراهیم تفسیر این آیه را از آن گرفته، همان است که پیغمبر خبر داده که آنچه در بنی اسرائیل بوده در این امت نیز هست و این وقایع از جمله آنهاست.

۴- **أَوْ يُعَدِّثَ لَهُمْ ذِكْرًا (۱)** یعنی... یا پدید آورد برای آنها ذکر را.

یعنی ذکر ظهور قائم آل محمد و خروج سفیانی.

۵- **فَلَمَّا أَحْسَبُوا أَنَّهَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ** یعنی چون (بنی امیه) عذاب ما را

(که بوسیله ظهور قائم آل محمد بر آنها فرو فرستیم) احساس کنند، از آن میگریزند **لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أَنْتُمْ فِيهِ وَمَا كُنْتُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْلَوْنَ**. فرار نکنید و باز گردید تا شمارا از آن نعمتها و جایگاهها که بخوشگذرانی سرگرم بودید باز-خواست کنند.

در حدیث است که چون امام زمان ظهور کند، بنی امیه از ترس بروم میگریزند حضرت آنها را از روم بیرون میآورد و گنجهایی که پنهان کرده اند از آنها طلب میکند **قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَا لَهُمْ حَصِيدًا**

عَامِلِينَ (۳)

بنی امیه میگویند : وای بر ما که قومی ستمکار بودیم. پس همچنان بدین سخن تکلم کنند تا آنکه (بوسیله قائم آل محمد و سپاه او) همه را درو کنیم و از دم شمشیر بگذرانیم !

این آیات هر چند لفظش ماضی است ولی در معنی مستقبل است و این از آیاتی است که چنانکه گفتیم تأویلش بعد از نزول میباشد (۱)

۶- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا بَادِيَ الصَّالِحِينَ (۲)

یعنی در زبور (حضرت داود پیغمبر) بعد از کتب آسمانی سابق نوشتیم که : زمین را بندگان صالح ما بارش میبرند . و اینان قائم آل محمد و یاران او میباشند .

مؤلف : علی بن ابراهیم «ذکر» را تمام کتب آسمانی میداند و بنا بر این معنی آیه این است که : قبل از زبور نیز در کتب آسمانی نوشتیم ، مفسرین دیگر گفته اند : «ذکر» تورات است . و گفته شده که زبور «نوع کتب آسمانی» و «ذکر» لوح محفوظ است .

۷- اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير (۳)

یعنی : بآنان که ستم دیده اند اگر پیکار کنند ، اجازه جنگ داده شده

و خداوند قدرت بر یاری آنها دارد .

ابن ابی عمیر از عبدالله بن مسکان از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود : اهل تسنن میگویند این آیه در باره پیغمبر نازل شده ، در موقعیکه کفار قریش حضرتش را از مکه بیرون کردند . ولی او قائم آل محمد است که برای خون - خواهی حسین علیه السلام قیام میکند .

و در غیبت نعمانی از اثبات الوصیه مسعودی از آنحضرت روایت میکند که فرمود : «آیه اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير» در باره قائم

(۱) گفته علی بن ابراهیم است . (۲) انبیاء : ۱۰۵ (۳) حج ۴۰

ماویاران او نازل شدہ است ۔

۸ - وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَهُ اللَّهُ (۱) یعنی : کسیکہ

(پیغمبر اکرم) عقوبت کند مانند عقوبتی کہ دیدہ ؛ سپس مورد ظلم و ستم قرار گیرد ، خداوند اورا (بوسیله قائم کہ از اولاد اوست) نصرت دہد ، وذیل آیہ کہ میفرماید :

الَّذِينَ انْمَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

یعنی : کسانیکہ اگر آنہارا در زمین ساکن نمودیم نماز پیدادارند و زکوٰۃ دہند و امر بمعروف و نہی از منکر کنند ۔ امام محمد باقر علیہ السلام فرمود : این آیہ متعلق بآل محمد است ۔ یعنی دوازده امام و شخص مہدی موعود و یاران او کہ خداوند آنان را در شرق و غرب جہان جای دہد ، ودین اسلام را غالب گرداند و ہر بدعت و باطلی را بوسیله او و یارانش محو کند ہمانطور کہ سفیہان حق را از میان بردہ باشند و آنچنان عالم در آسایش بسر برد کہ اثر ظلم در جائی دیدہ نشود ۔

۹ - اِنْ نَّشَأْنِ نَزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (۱)

یعنی : اگر بخواہیم میتوانیم علامتی بر آنہا از آسمان فرود فرستیم تا بیدانوسیله گردنہاشان خاضع گردد ۔ از امام صادق علیہ السلام روایت است کہ فرمود : مقصود بنی امیہ ہستند کہ بایک صدای آسمانی بنام قائم آل محمد گردنہاشان در پیشگاہ آنحضرت خاضع میشود ۔

۱۰ - اَمِنْ يَجِيبِ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْاَرْضِ (۲)

یعنی : ... یا آنکہ چون گرفتاری اورا بخواند ، اجابت کند و گرفتاری اورا بر طرف گرداند ؟ از حضرت صادق علیہ السلام روایت شدہ کہ فرمود : این آیہ در بارہ قائم آل محمد نازل شدہ ^(۱) بخدا قسم «مضطر» اوست کہ دو رکعت نماز در مقام

(۱) سورہ حج آیہ ۶۰ (۲) شعراء: ۲ (۳) نمل: ۶۲ : آنحضرت پروردگاری بآب ۳۲ سطر ہنرہ شدہ ۔

(۴) این آیہ شریفہ را فرقہ بہائم سرور و ہتھارہ قرار دادہ سہ ، پنج سطر ہنرہ شدہ ۔

حضرت ابراهیم بگذار دو خدا را بخواند ، پرورد گار نیز اجابت کند و گرفتاری او را بر طرف سازد و آنها را در زمین خلیفه خود گرداند .

۱۱ - وَلَمَّا جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ يَعْنِي هُرْ كَاهُ مِنْ جَانِبِ خَدَايْتِ نَصْرَتِي (قَائِمِ آلِ

محمد) رسد لِيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ (۱)

خواهند گفت ما نیز باشما بودیم . آیا خداوند از آنچه در سینه‌های اهل عالم میگذرد آگاه نیست؟!

۱۲ - وَلَمَّا أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ أَبُو حَمَزَةَ ثَمَالِيٌّ مِنْ أَمَامِ بَنِي نَجْمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتٌ مِيكَدُ

که فرمود : آنکس که انتقام میگیرد بعد از آن که بوی ظلم شده قائم آل محمد و یاران او هستند . فَأُولَئِكَ أَهْلُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ وَ كَسَى رَايِرًا يَشَانُ رَاهِي نَيْسْت . وَ فَرَمُود : چُون

قَائِمٌ قِيَامٌ كُنْدُ خُودِوِيَارَانِشِ از بنی امیه و دروغگویان و دشمنان اعلیبت انتقام میگیرند

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲) این انتقام را از کسانی میگیرند که بر مردم ستم میکنند و بی-

جهت در زمین بیدادگری پیشه سازند . آنها کیفری دردناک خواهند داشت . در تفسیر فرات بن ابراهیم نیز این روایت از جابر جعفی از امام محمد باقر عليه السلام نقل شده .

۱۳ - أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ (۳) روایت شده که مقصود ساعت قیام قائم آل محمد است

۱۴ - مَدَّ هَامَتَانُ (۴) یونس بن ظبیان از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روایت نموده که در

تفسیر این آیه فرمود: در دولت امام زمان راه میان مکه و مدینه با درخت خرما اتصال یابد !

۱۵ - يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

(۵) یعنی : میخواهند با دهانهایشان نور خدا را خاموش نمایند ، ولی خداوند نور خود را با قائم آل محمد تمام میکند در آن زمان که ظهور کند تا خداوند او را

(۱) عنکبوت ۹ (۲) شوری آیات ۳۹-۴۰ (۳) قمر : ۱ (۴) الرحمن ۶۳ (۵) صافات ۸

بر همه مذاهب باطله غلبه دهد بطوریکه جز خدای یگانه پرستی نشود . و این است
معنی «یملأ الارض تسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً» .

هم در کنز الفوائد است که امام پنجم آیه شریفه «یریدون لیطفئوا نور الله
بافواههم . . . » را تلاوت نمود و فرمود اگر شما از نور خدا روی بتابید خداوند
آنها پایدار خواهد داشت .

و نیز در آن کتاب است که ثقة جلیل القدر محمد بن فضیل از حضرت موسی بن
جعفر علیه السلام معنی آیه « یریدون لیطفئوا نور الله » را پرسید ، حضرت فرمود : مقصود
دوستی امیر المؤمنین علیه السلام است «والله متم نوره» یعنی خداوند امامت را بآخر میرساند
بدلیل آیه شریفه : «الذین آمنوا بالله ورسوله والنور الذی انزلنا» ، که مقصود از
نور همان امام است . محمد بن فضیل میگوید : عرض کردم : «هو الذی ارسل رسوله
بالهدی و دین الحق» یعنی چه ؟ فرمود : یعنی خداوند به پیغمبرش دستور داد که
لزوم دوستی جانشین خود « امیر المؤمنین » را ب مردم اعلام کند ، و دوستی وصی
پیغمبر « دین حق » است .

عرض کردم « لیظهره علی الدین کله » چیست ؟ فرمود : یعنی خداوند بهنگام ظهور
قائم مادی حق را بر همه ادیان باطله پیروز میگرداند . چنانکه خود فرموده : «والله متم
نوره» یعنی خداوند نور خود را با ولایت قائم آل محمد تمام میکند «ولو کره الکافرون»
یعنی هر چند دشمنان علی این را نخواهند . عرض کردم : اینک میفرمائی تنزیل و ظاهر معنی
قرآن است ! فرمود : آری آنچه که گفتم تنزیل و ظاهر معنی قرآن است و غیر
آن تأویل میباشد .

۱۶ - وَأَخْرَىٰ تَحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ (۱) یعنی : و دیگری که

دوست میدارید يك پیروزی از جانب خدا و فتح نزدیکی است . یعنی فتح قائم آل
محمد در دنیا .

۱۷ - حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعَفَ نَاصِرًا وَأَقَلَّ عَدَدًا

(۱) یعنی تا آنکه وقتی آنچه بآنها وعده داده‌اند به بینند (مقصود قائم آل محمد و امیر المؤمنین علیهما السلام است)، خواهند دانست که چه کسی یاورش ضعیف‌تر و در شماره اندک است.

۱۸ - إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا (۲) یعنی : آنها : فسونگری پیشه

سازند و من نیز بخوبی آنها را چاره کنم فَصَهْلُ الْكٰفِرِيْنَ اَمِهْلِيْهِمْ رُوِيْدًا یعنی : ای محمد پس آنها را مهلتی ده ! که چون قائم قیام کند برای من از ستمگران و سرکشان قریش و بنی‌امیه و سائر بیدینان انتقام گیرد.

۱۹ - وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ یعنی : قسم بشب هنگامی که پوشیده‌دارد . محمد بن

مسلم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که فرمود : مقصود امیر المؤمنین علیه السلام است که در دولت باطل مستور گشت و ناگزیر بصبر گردید . وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ

(۳) یعنی : قسم بروز هنگامیکه بدرخشد . فرمود : این روز روشن قائم ما اهل بیت است که چون قیام کند بر دولت باطل پیروز گردد . خداوند در قرآن برای مردم مثلها زده و پیغمبرش و مائمه را مخاطب بآن ساخته و جز ما کسی عالم بتأویل آن نیست .

۲۰ - قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ (۴)

یعنی : ای پیغمبر ! ب مردم بگو : بمن بگوئید : اگر آبی که در دسترس دارید در زمین فرو رود کیست که آب روان برای شما بیاورد ؟ . در این آیه امام زمان تعبیر بآب شده (که موجب حیات همه اشیاء است) و تأویل آیه اینست : بگو اگر امام شما از نظرها غائب گردد کیست که آن امام ظاهر را بیاورد ؟ از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که فرمود : «مائکم» یعنی (ابوابکم) که ائمه هستند و ائمه ابواب (و

(۱) جن ۲۴ (۲) طارق آیه ۱۵

(۳) سورة واللیل آیه ۱-۲ (۴) تبارک ۳۰ .

درہای رحمت الہی) میباشند «فمن یأتیکم بماء معین» یعنی کیست کہ علم امام را برای شما بیاورد؟ (و آن درہارا بروی شما بگشاید)؟

این روایت در کافی و غیبت نعمانی و کمال الدین صدوق از حضرت موسی کاظم علیہ السلام نیز نقل شدہ: و عبارت کمال الدین اینست: **ان اصبح امامکم غایباً عنکم لا تدرون این ہو ف من یأتیکم بامام ظاہر یأتیکم باخبار السماء والارض وحلال اللہ جل وعز و حرامہ .**

سپس فرمود: بخدا تاویل این آیہ ہنوز نیامدہ و البتہ خواہد آمد.

۲۱- **هُوَ الَّذِي ارْسَل رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ**

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۱) یعنی: خدا فرستادہ خود را با ہدایت و دین حق فرستاد

تا بر ہمہ دینہا غالب شود. ہر چند مشرکین نخواہند. این آیہ نیز در بارہ قائم آل محمد است و او امامی است کہ خداوند او را بر ہمہ کیشہا غالب گرداند و او زمین را از عدل و داد پر کند همچنانکہ از ظلم و ستم پر شدہ باشد. این آیہ نیز از آیاتی است کہ گفتیم تاویلش بعد از تنزیل میباشد.

و نیز در آن کتاب از ابو بصیر روایت نمودہ کہ گفت از امام ہشتم از آیہ «هُوَ الَّذِي ارْسَل رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ...» سؤال کردم. فرمود ہنوز موقع تاویل این آیہ نرسبده است گفتم: قربانت کردم! کی موقع آن فرامیرسد؟ فرمود: انشاء اللہ ہنگامیکہ قائم قیام کند و چون قیام کند ہر جا کافر و مشرکی باشد، ظہور او را ناخوش دارد تا جائیکہ اگر کافر یا مشرک سنگی پنهان شود سنک صدا میزند ای مؤمن! کافر یا مشرکی درمن پنهان شدہ او را بکش. خداوند او را بیرون میآورد و یاران قائم او را بقتل میرسانند. در تفسیر فرات بن ابراہیم (۲) مانند این روایت را آورده و میگوید: **آن سنک**

(۱) صف آیہ ۹

(۲) فرات ابن ابراہیم کوفی - در سفینۃ البحار مینویسد: وی از استادان علی بن بابویہ

قمی است. او راست تفسیری کہ بزبان اخبار نوشته و بیشتر آن در بارہ ائمہ طاہرین علیہم السلام است. ←

صد امیزند ای مؤمن مشر کی در من پنهان شده ، مرا بشکن و او را بکش .

و نیز در کنز الفوائد از عبایه ربعی نقل میکند که: وی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شنیده که حضرت در آیه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق ..» راقرائت نمود و فرمود : خدا این رسول و فرستاده خود را بعد از این ظاهر خواهد کرد بخدائی که جان من بدست اوست در زمان ظهور او قریه ای نیست که صبح و شام بانك «اشهدان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله» در آن بلند نشود .

و هم در آن کتاب از ابن عباس روایت نموده که وی درباره آیه « لیظهره علی الدین کله ولو کره المشر کون» گفت : این در زمانی است که تمام یهودیان و نصاری و پیروان هر کیشی بدین حنیف اسلام بگروند و گرگ و میش و گا و و شیر و انسان و مار از جان خود ایمن باشند ، موقعیکه دیگر موش انبانی را پاره نمیکند و قتیکه حکم جزیه گرفتن از اهل کتاب ساقط میشود و هر جا صایبی است شکسته میگردد و خو گناه معدوم میشود و این بهنگام قیام قائم آل محمد خواهد بود .

۴۴ - هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ يَعْنِي: آیا داستان آن فرو گیرنده بتو رسیده است ؟ شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از محمد بن سلیمان از پدرش روایت میکند که گفت از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم «هل أتيتك حديث الغاشية» یعنی چه؟ فرمود : مقصود قائم ماست که اهل باطل را باشمیر فرو میگیرد . گفتتم وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ «صورت های آنها در آن روز خاضع است» یعنی چه ؟ فرمود آنها برخلاف دستور خدا

→ علامه مجلسی در فصل دوم جلد اول بحار الانوار مینویسد: و اگر چه دانشمندان ما فرات ابن ابراهیم را مورد مدح و ذم قرار نداده اند ، ولی اخباری که وی در تفسیر خود نقل کرده و موافق روایات معتبره ایست که به ما رسیده و حسن ضبطی که در نقل آنها بکار برده طوری است که موجب وثوق و حسن ظن نسبت به مؤلف آن : فرات بن ابراهیم میباشد .

شیخ صدوق بتوسط حسن بن محمد بن سعید هاشمی روایاتی از وی نقل نموده ؛ و هم حاکم ابوالقاسم حسکانی در شواهد التنزیل، و غیره از وی روایت میکند .

عمل میکنند و والیان جورمنسوب میدارند گفتیم : **تَصَلُّوا نَارَ أَحَامِيَةَ (۱)** در آتش سوزنده بیفتند، یعنی چه؟ فرمود: موقع ظهور قائم ما در آتش جنگ بسوزند و در سرای دیگر بدوزخ درافتند.

۲۳- يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ (۲)

یعنی: روزی که بیاید یکی از آیات پروردگارت، ایمان کسانی که قبلا ایمان نیاورده اند سودی نبخشد. صدوق در کمال الدین و ثواب الاعمال از حضرت صادق روایت نموده که فرمود: آیات ائمه هستند. و بعضی آیات قائم آل محمد است.

۲۴- فَلَا أَسْمُ بِالْغُنَسِ الْجَوَارِ الْكُنَسِ (۳) یعنی: قسم بستارگانی که حرکت

کرده و پنهان میشوند! در کمال الدین از امام محمد باقر (ع) روایت میکند که در جواب امهانی راجع باین آیه فرمود: مقصود امامی است که سال ۲۶۰ هجری غائب میشود آنگاه چون ستاره تابان آشکار میشود اگر او را به بینی دید گانت روشن گردد (۴) در غیبت شیخ طوسی و نعمانی نیز بمانند آن روایت شده است.

۲۵- أَلَمْ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَآرِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (۵)

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: هر کس اقرار بظهور امام زمان کند، ایمان بغیب آورده است. و نیز در کتاب مزبور از یحیی بن ابوالقاسم روایت نموده که گفت: تفسیر این آیه را از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم فرمود: «متقین» در این آیه شیعیان علی علیه السلام هستند و «غیب» حجت غایب میباشد. دلیل این معنی آیه «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لَلَّهِ فَانظُرُوا أَنِي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ» است (۶) یعنی: ای پیغمبر بگو غیب مال خداست؛ پس منتظر باشید که من نیز باشم از منتظران هستم.

(۱) - سوره غاشیه (۲) انعام ۱۵۸ (۳) تکویر ۱۵-۱۶

(۴) این آیه و روایتی که از امهانی در تفسیر آن نقل شده، مورد دستبرد فرقه (بهائی) واقع گردیده و بنفع ادعای میرزا علی محمد باب سوء استفاده کرده اند. رجوع کنید بپاورقیها ذیل حدیث امهانی در باب دهم. (۵) سوره بقره - آیه ۲۰۱ و (۶) یونس - ۲۰

۳۶- وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ فُورَبِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا
 أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ (۱) یعنی روزی شما و آنچه بشما وعده داده شده در آسمان است : پس

بخدای آسمان و زمین که او بر حق است (و خواهد آمد) مانند تکلم کردن شما با یکدیگر
 در غیبت شیخ از ابن عباس نقل می کند که گفت : مقصود قیام قائم آل محمد است (۲).

۳۷- اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا. قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

یعنی : بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده میگرداند . ما آیات
 خود را برای شما بیان کردیم تا در آن باره تعقل کنید . در غیبت شیخ از ابن عباس
 روایت نموده که در تفسیر این آیه گفت : خداوند زمین مرده را بعد از بیداد گری
 اهلش ، با ظهور قائم آل محمد اصلاح می کند .

و « آیات » و علائمی که خدا برای مردم بیان کرده نیز آنحضرت است و این
 آیه در باره او نازل شده .

در کمال الدین در تفسیر این آیه روایت کرده که امام پنجم فرمود: خداوند
 زمین را با ظهور قائم زنده میگرداند از آن پس که با کفر اهلش مرده باشد (۴)

۳۸- وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ

مِنْ بَعْدِ خُرُوجِهِمْ إِمْنَا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا (۵) یعنی خداوند بکسانی-

که از شما ایمان آورده و عمل صالح پیشه خواهند و وعده داده که آنها را در زمین
 نماینده خود گرداند چنانکه همانند آنها را سابقاً خلیفه کرد . و ثابت میدارد دین

(۱) ذاریات ۲۲-۲۳ (۲) در پایان این باب نیز روایتی در تفسیر این آیه نقل میشود.

(۳) حدید ۲۶. این آیه تفسیر آن بزرگترین دلیل است که مهدی موعود (ع) هنوز نیامده است

(۴) و در کافی از ابوبصیر نقل شده که امام محمد باقر فرمود **يَحْيِي الْأَرْضَ بِالْعَدْلِ**

بَعْدَ مَوْتِهَا بِالْجَوْرِ (۵) نور ۵

آنها را که برای آنان بر گزید ، ترس آنها را تبدیل بامن کنیم و اینان هیچگاه بمن شرک نیاورند .

درغیبت شیخ روایت میکند که این آیه نیز در باره مهدی موعود و یاران او

نازل شده . در کفر الفوائد نیز بطریق دیگر این روایت نقل شده است .

۲۹ - وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً

وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۱) درغیبت شیخ از امیر المؤمنین علیه السلام روایت میکند که در

تفسیر این آیه فرمود : اینان که در زمین ضعیف گشته اند آل پیغمبرند که خداوند مهدی آنها را بر انگیزد تا آنان را عزیز و دشمنان شان را ذلیل گرداند .

۳۰ - وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ

قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲) یعنی : مانند آنها نباشید که از پیش کتاب

بآنان داده شد ، ولی زمان بر آنها طولانی گشت ؛ پس دلهاشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق میباشند . صدوق در کمال الدین از امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که این آیه درباره قائم آل محمد نازل شده است .

۳۱ - وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ (۳) یعنی : این روزها را میان مردم

میگردانیم . در تفسیر عیاشی از زراره روایت میکند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود :

از زمان خلقت آدم همیشه دولتی از خدا و دولتی از شیطان بوده ، پس در این زمان

دولت خدا کو ؟ آگاه باشید که صاحب دولت خدا قائم آل محمد (ع) است .

۳۲ - الْيَوْمَ يَكْفُرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ (۴)

یعنی : امروز کسانی که راه کفر پیش گرفته اند از دین شما نومید شدند ، پس از آنها نترسید بلکه از قهر من بترسید .

در تفسیر عیاشی از امام محمد باقر (ع) نقل میکند که در تفسیر این آیه فرمود :

(۱) ترجمه و شرح آن در صفحه ۱۸۵ گذشت (۲) حدید ۱۵

(۳) آل عمران ۱۳۴ (۴) مائده ۴

آنروز ، روز ظهور قائم آل محمد است که بنی امیه نوید میشوند و آنها هستند که کافر گشته و از آل محمد نوید میباشند .

۴۳ - **وَإِذْ نَادَىٰ مِنَ اللَّهِ رَسُوْلَهُ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ**

الْمُشْرِكِينَ وَرَسُوْلَهُ (۱) یعنی : در روز حج بزرگ از جانب خدا و رسول بمردم

اعلان میشود . در تفسیر عیاشی از امام پنجم و ششم روایت شده که فرمودند : (حج بزرگ) ظهور قائم است و (اعلان) دعوت مردم است .

مؤلف: البته این معنی باطن آیه است .

۴۴ - **وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ**

(۲) یعنی با همه مشرکین پیکار کنید ، چنانکه آنها (اگر دسترسی پیدا کنند) با شما نبرد کنند ، و بدانید که خداوند با پرهیز کارانست . در تفسیر عیاشی از زراره روایت نموده که گفت : امام صادق علیه السلام فرمود : راجع باین آیه از پدرم سؤال شد پدرم فرمود : هنوز تأویل آن نیامده است . اگر قائم ما قیام کند ، آنکس که او را می بیند تأویل آنرا بخوبی خواهد دید . با ظهور او شعاع دین پیغمبر چنان بالا گیرد که در روی زمین شرك و بیدینی نماند . چنانکه خداوند فرمود : **وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ (۳)** یعنی با آنها پیکار کنید تا فتنه ای نباشد و تمام دین از آن خداوند باشد .

۴۵ - **أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ**

مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۴)

یعنی : آیا کسانی که اعمال بد انجام دادند ، از این که خداوند آنها را در زمین فروبرد ، یا بدون این که متوجه باشند عذاب بر آنها فرستد ، ایمن هستند ؟ . در تفسیر عیاشی از امام پنجم نقل میکند که فرمود : عهد و پیمان پیغمبر (ص) بعد از حضرت اباعبدالله علیه السلام بعلی بن الحسین رسید ، سپس از آنحضرت بمحمد بن

علی منتقل گشت . آنگاه خداوند آنچه خواهد میکند . وقتی ائمه طاهرین در صحنه دنیا محکوم (دشمنان) شدند مردی از آنها قیام میکند که سبزد و سیزده مرد فداکار با او باشند و بیرق پیغمبر باوی است . و بطرف مدینه رهسپار میگردد ، تا اینکه از «پیدا» میگذرد و میگوید : این است محل قومیکه خداوند آنها را در زمین فرو میبرد . در تفسیر مزبور از امام ششم روایت نموده که فرمود : آن قوم دشمنان خدا میباشند که بزمین فروروند .

۳۶- **فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (۱)** یعنی : پس چون دمیده شود در صور . در

غیبت نعمانی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت میکند که چون تفسیر این آیه را از حضرتش پرسیدند ، فرمود : امامی از ما غایب میشود ، پس چون خداوند اراده کند که او را آشکار گرداند ، علامتی در دل وی پدید آید و دو بدینگونه با مر پروردگار ظاهر میگردد .

۳۷- **وَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِنَّمَا تَكُونُوا يَاتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ**

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲) یعنی : پیشی گیرید اعمال نیک را ، هر جا که باشید خدا همه شما

را خواهد آورد . چه خداوند بهر چیزی تواناست ، غیبت نعمانی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود : این آیه درباره قائم آل محمد و یاران او نازل شده و آنها پیش از آنکه موقع آمدنشان معلوم گردد ، اجتماع میکنند .

۳۸- **يَعْرِفُ الْمَجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ (۳)** یعنی گناهکاران از سیمایشان شناخته میشوند .

و نیز در کتاب مزبور از آنحضرت وارد شده که فرمود : آیه «يعرف المجرمون بسيماهم» البته خداوند مجرمین را میشناسد ولی این آیه در باره قائم ما نازل شده که هنگام ظهورش مجرمین را از سیمایشان شناخته و با یارانش آنها را از دم شمشیر میگذرانند .

(۱) سوره مدثر - آیه ۸۰

(۲) سوره بقره - آیه ۱۴۳

(۳) سوره الرحمن آیه ۴۱

۳۹ - وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱)

یعنی: پیش از عذاب بزرگتر بآنها عذاب نزدیکتر می‌چشانیم شاید برگردند .
در کنز الفوائد از مفضل بن عمر نقل میکند که گفت از حضرت صادق علیه السلام
این آیه را پرسیدم . فرمود : عذاب نزدیکتر گرانی نرخوا و عذاب بزرگتر قیام
مهدی موعود باشمشیر است . و نیز در کنز الفوائد از آنحضرت روایت نموده که
فرمود: چون قائم ما ظهور کند بمسجد الحرام در آید و در حالیکه روبکعبه و پشت
بمقام نموده دور کعت نماز میگزارد . آنگاه برخاسته و میگوید : ای مردم ! من
از هر کس بآدم ابوالبشر و ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح و محمد پیغمبر اکرم
نزدیکترم . سپس دست بدعا بلند می‌کند و آنقدر بدر گاه خدا مینالد که غش کرده
روی زمین میافتد . چنانکه خداوند میفرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاؤُهُ يَكْشِفُ
السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مَّا تَدَّكُرُونَ» .

وهم از محمد بن مسلم روایت نموده که امام پنجم فرمود : آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ»
در باره قائم ما نازل شده . هنگامیکه قیام میکند عمامه بر سر مینهد و جنب مقام ابراهیم
نماز میگزارد و بدر گاه الهی تضرع مینماید ، و از آن موقع پرچم او در اهتزاز خواهد بود
۴۰ - إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲) یعنی هنگامیکه آیات ما بر او
خوانده میشود میگوید . افسانه‌های پیشینیان است . در کنز الفوائد از امام ششم نقل
کرده که فرمود : بیدینیان چون خبر ظهور قائم را بشنوند افسانه میپندارند و هنگامی
که او را ببینند میگویند ما تورانمی شناسیم و تو از فرزندان فاطمه علیها السلام نیستی
چنانکه مشرکین اینگونه سخنان به پیغمبر میگفتند .

۴۱ - كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ الْأَصْحَابُ الْيَمِينِ هُرْ كَسْ دَرْ گَرُو آنچه کسب

کرده میباشد جز اصحاب یمین (دست راست) در تفسیر فرات کوفی است که امام

محمد باقر علیه السلام فرمود: اصحاب یمین ما و شیعیان مامی باشیم و فرمود: شیعیان ما فی جنات یتسائلون عن المجرمین ما سلكکم فی سقر قالوا لم نکت من المصلین در بهشت از مجرمین (که بیرون بهشت هستند) میپرسند چه چیز شما را بدوزخ افکند آنها میگویند ما نماز گزار نبودیم . یعنی از شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام نبودند و باز میگویند و لم نکت نطعم المسکین و کنا نخوض مع الغائصین بدرماندگان غذا نمیدادیم و پیوسته با مردم گزاف گوی بیهوده بسر میبردیم .

و این در روز ظهور قائم ماست که « یوم الدین » میباشد چنانکه میفرماید: وَ سَنَّا تَكْذِبُ یَوْمَ الدِّینِ حَتَّىٰ اَتَانَا لَیْقِنُ مَا یَوْمَ الدِّینِ (روز ظهور قائم آل محمد) را تکذیب میکردیم تا امروز که یقین پیدا کرده ایم فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِینَ (۱) پس شفاعت هیچکس بحال آنها سود ندارد و پیغمبر هم در روز رستاخیز از آنان شفاعت نخواهد کرد (۲) .

۴۲ - قُلْ لَا اِلهَ اِلاَّ هُوَ عَلَّمَ عَلَیْهِ مِنْ اَجْرِهِ مَا اَنَّا مِنَ الْمُتَكَلِّفِینَ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِینَ وَ لَتَعْلَمَنَّ نَبَاَهُ بَعْدَ حِجْرٍ یعنی: ای پیغمبر بگو بخاطر آن پاداشی از شما طلب نمیکنم و این امر دشوار را نمیپذیرم . این فقط برای یادآوری جهانیان است و خبر آنرا بعد از گذشت زمانی خواهید دانست . در کتاب کافی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که فرمود: مقصود از « ذکر » امیر المؤمنین علیه السلام است وَ لَتَعْلَمَنَّ نَبَاَهُ بَعْدَ حِجْرٍ یعنی: و خبر آنرا بعد از گذشت زمانی خواهید دانست ، این زمان ، موقع ظهور قائم ماست

۴۳ - وَ لَقَدْ اٰتٰنَا مُوسٰی الْكِتٰبَ فَاٰخْتَلَفَ فِیْهِ . یعنی ما کتاب تورات را

(۱) مدثر آیات ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ .

(۲) باید دانست که « یوم الدین » در قرآن مجید بمعنی روز قیامت استعمال شده مانند

« مالک یوم الدین » ، و البته باروز ظهور امام زمان علیه السلام که در این روایت و روایات دیگر امام معنی کرده منافات ندارد .

بموسی دادیم پس از آن بنی اسرائیل درباره آن اختلاف نمودند . امام باقر علیه السلام فرمود : این امت نیز مانند بنی اسرائیل درباره معانی قرآن اختلاف پیدا کردند چنانکه درباره کتابی که باقائم ما است و برای آنها میآورد نیز اختلاف نظر خواهند داشت بطوریکه بسیاری از مردم آنرا انکار میکنند و قائم هم گردن آنها رامیزند .
وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَأَنْتَهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مِرْيَبٍ (۱) یعنی :
 اگر بملاحظه آنچه خدا درباره آنها فرموده نمیبود ، میان آنها حکم جاری میشد .
 ولی آنها همواره بحالت تردید وشک بسر میبرند . امام فرمود : اگر بملاحظه مشیت حق نبود قائم یکن از این گروه رازنده نمیگذاشت .

۴۴- وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۲) در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت

میکند که فرمود : یعنی کسانی که روز ظهور قائم ما را تصدیق و باوردارند .

۴۵- قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (۳) یعنی : گفتند والله بخدا قسم ما مشرک

نبودیم . در کافی روایت میکند که امام پنجم میفرماید : یعنی آنها هنگام ظهور امام زمان میگویند ما منکر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام نبودیم .

۴۶- قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۴) یعنی حق

آمد و باطل از میان رفت ، بدرستی که باطل رفتنی است ! در کافی روایت نموده که حضرت باقر فرمود : **إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ** چون قائم مظهر کند دولت باطل از میان میرود *

۴۷- سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ (۵)

(۱) هود-۱۱۲ فصلت-۴۵ .
 در بعضی کتب در کتاب فرائد خود این آیه را بزرگترین دلیل بر امامی امام زمانه میدانند .
 (۲) معارج-۲۶ .
 (۳) انعام-۲۳ آیه بعد اینست : **أَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ** .
 یعنی : بین چگونه دروغ بر خود بستند و آنچه افترا می بستند فراموش کردند ؟ .
 (۴) اسراء-۸۴ .
 (۵) فصلت-۵۳ .

یعنی زود باشد که آیات خودمان را در آفاق و در وجود آنها بآنان نشان دهیم تا یقین بدانند که خداوندی هست .

کلینی در کافی از ابو بصیر روایت میکند که گفت از حضرت صادق علیه السلام راجع باین آیه سؤال کردم ، فرمود : خداوند باهل باطل نشان میدهد که چگونه مسخ میشوند و آفاق بر آنها تنگی میگیرد، پس در آنوقت قدرت پروردگار را در خود و آفاق خواهند دید . عرض کردم: حتی یتبین لهم انه الحق یعنی چه؟ فرمود ظهور قائم آل محمد بامر خداوند حتمی است، خدا او را ظاهر گرداند تا همه مردم او را ببینند .

۴۸- حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ أَمَّا الْعَذَابُ وَأَمَّا السَّاعَةُ فَمَن لَّمْ يَسْعَلْهُنَّ مِنْ هُوَ

شَرِّمَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا (۱) .

یعنی : تا زمانی که ببینند آنچه را که بآنها وعده کرده بودیم: یا عذاب را و یا ساعت حساس! پس بزودی خواهند دانست چه کسی بدترین جای دارد و نیروی او ضعیف تر است؟

نیز در کافی از ابو بصیر از امام ششم نقل کرده که فرمود: «اذا رأوا ما یوعدون» قیام قائم ماست و آن ساعتی است که پیروان باطل خواهند دید، و عذاب خدا را بدست توانای قائم آل محمد خواهند چشید، و اینست معنی (من هو شرمکاناً) یعنی آنها خواهند دید که در پیشگاه امام زمان چه جایگاه بدی دارند و چقدر ناتوانند .

۴۹- مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ

الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَالَ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَّصِيبٍ (۲) یعنی هر کس میخواهد برای

آخرت چیزی بیاورد ما نیز اندوخته او را زیاد گردانیم و هر کس طالب اندوخته دنیوی است بدانها نیز میدهیم . ولی در آخرت دیگر نصیبی ندارد! در کافی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود : اندوخته آخرت یعنی شناسائی امیر المؤمنین و

ائمه طاهرین علیهم السلام که خداوند از برکت دولت آنها ، دوستان آنان را نیز بهره مند گرداند، ولی آنکس که چشم باندوخته دنیوی دوخته ، در دولت حق و ظهور قائم آل محمد بهره ای نخواهد داشت .

مؤلف : سید علی بن عبد الحمید (۱) در کتاب «الانوار المضيئه» از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت نموده که فرمود : کسانی را که خداوند در قرآن مجید

(۱) سید اجل ، علم الدین علی بن عبد الحمید بن فخار بن معد موسوی اسناد شهید اول ، قتیبی بزرگ و محدثی مطلع است کتاب «الانوار المضيئه» درباره شخصیت حضرت امام زمان مهدی موعود عجل الله فرجه از تألیفات اوست .

باید دانست که بهاء الدین سید علی بن عبد الکریم بن عبد الحمید حسینی نیلی نیز کتابی دارد بنام «الانوار المضيئه» در پنج مجلد و مشتمل بر اصول و فروع دین است . جلد اول آن نزد محدث بزرگوار حاج میرزا حسین نوری نورالله مرقده بوده که تاریخ فهرست آن سنه ۷۷۷ است . محدث مزبور در مقدمه کتاب «نجم الثاقب» مینویسد : «آنچه شیخ حرّ عاملی در «أمل - الأمل» در احوال سید مذکور فرموده که از تصانیف او «الانوار المضيئه» است در احوال مهدی (ع) اشتباه است . چه (الانوار المضيئه فی الحکمة الشرعیة) از کتبی است که ظیّر ندارد و مشتمل است بر جمیع مسائل اصول دین و مذهب و ابواب فقه و اخلاق و ادعیه و غیرها ؛ اگرچه احوال آنجناب را در مجلد اول در ضمن حالات سایر ائمه (ع) بسطی داده و لکن کتاب اختصاصی ندارد .»

علامه طهرانی دام بقائه در «الذریعه» آن را بدین گونه حل کرده که بهاء الدین سید علی بن عبد الکریم دو کتاب بنام الانوار المضيئه دارد ؛ یکی بزرگ و همان است که محدث نوری فرموده و دیگر کوچک که منتخب الانوار المضيئه فخار موسوی است و معروف به «غیبت» است بنا بر این آنچه در «أمل الآمل» نوشته صحیح ، و اشتباه برخی از دانشمندان ناشی از اتحاد نام این دو دانشمند و نام پدر یکی و نیای دیگری که هر دو عبد الحمید بوده و موضوع هر دو کتاب نیز در پیرامون احوال و غیبت امام زمان ارواحنا فداء است .

«مستضعف» در زمین خوانده و خواسته است آنها امامان و سفرای او باشند ، ما اهل بیت عصمت هستیم . پروردگار عالم « مهدی » ما را برانگیزد تا اهل بیت را سر بلند کند و دشمنان ما را سر شکسته و خوار گرداند .

و نیز سید جلیل نامبرده در کتاب مزبور از عبدالله بن عباس روایت میکند که گفت : مقصود از آیه : « وفي السماء رزقكم وما توعدون » ؛ ظهور مهدی موعود است .
 ۵۰ - **وَاسْبِغْ عَلَیْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً** : (۱) یعنی ؛ خدا بشما روزی کرد

نعمتهای ظاهری و باطنی خود را . در کتاب مذکور از سید هبة الله راوندی (۲) و او از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده که فرمود : نعمت ظاهری ، امام ظاهر ، و نعمت باطنی امام غائب است که از دیدگان مردم پنهان میشود ؛ و گنجهای زمین برای او آشکار گردد ؛ و هر چیز دوری برایش نزدیک باشد .

مؤلف : روایتی بخط شیخ محمد بن علی جبائی دیده ام که نوشته بود روایتی بخط شهید اول نورالله ضریحه یافتم که صفوانی (۳) در کتابش از صفوان نقل کرده که چون

(۱) لقمان - ۱۹

(۲) در میان علمای شیعه دو تن معروف به «راوندی» میباشند نخست سعید بن هبة الله قطب .

الدین راوندی، متوفی ۵۷۳ - و دیگر ابوالرضا ضیاء الدین سید فضل الله راوندی که هر دو معاصر و از مشاهیر علمای شیعه میباشند در اینجا کلمه سید از نفر اخیر و هبة الله پدر نفر نخست اسم واحدی را تشکیل داده که البته اشتباه میباشد و مقصود یکی از آنهاست ، و بنظر میرسد که مقصود قطب الدین راوندی باشد و سید هبة الله در اصل سعید بن هبة الله بوده است .

(۳) صفوانی - محمد بن احمد بن عبدالله بن قضاة بن صفوان بن مهران جمال است .

وی از بزرگان دانشمندان ماست ، و شاگرد علی بن ابراهیم قمی و استاد شیخ مفید و احمد بن علی بن نوح و هارون بن موسی تلکبری است . صفوانی روزی در مجلس سلطان سیف الدوله حمدانی با قاضی موصل که مرد سنی متعصبی بود ، مناظره کرد و چون قاضی بحجت از وی فروماند و از درانکار درآمد ، با وی مباحله نمود یعنی طرفین در باره یکدیگر نفرین کردند که هر کدام راه باطل میروند ، دچار عذاب الهی گردد . سپس دست بهم دادند و مباحله کردند و از یکدیگر جدا گشتند . ←

منصور خلیفه عباسی امام جعفر صادق علیه السلام را خواست ، حضرت وضو گرفت و دو رکعت نماز گزارد سپس سجده شکر نمود و فرمود : پروردگارا بتوسط پیغمبرت محمد ﷺ ب ما اهل بیت وعده پیروزی دادی که ما را از هر گونه هراسی ایمنی بخشی . پروردگارا آنچه ب ما وعده کرده ای ب ما موهبت کن ، چه میدانیم که وعده ات خلاف پذیر نیست . صفوان میگوید عرض کردم : آقا ! وعده خداوند کدام است که بشما داده است ؟ فرمود : این آیه شریفه : «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض ...» .

وهم روایت شده که وقتی در حضور آن بزرگوار آیه «ونریدان من علی الذین استضعفوا فی الارض ...» خوانده شد ، اشک از دیدگان حضرت جاری گشت و فرمود : بخدا قسم آنها که در زمین تضعیف شده اند ، ما اهل بیت پیغمبر هستیم و در نهج البلاغه است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ضمن خطبه ای فرمود : دنیا نسبت ب ما مدارا و مهربانی خواهد کرد ، بعد از آنکه سخت کجمداری کرده باشد سپس آیه «ونریدان من علی الذین استضعفوا ...» را تلاوت فرمود (۱) .

→ قاضی فی الحال تب کرد و همان دستی که ب صفوانی داده بود دورم کرد و سیاه شد و روز بعد بهلاکت رسید . و این موجب مزید اعتبار صفوانی در نزد سلطان و سایرین گشت .
ابن ندیم در فهرست میگوید : صفوانی درس نخوانده بود و چیز نمی نوشت . من او را در سنه ۳۴۶ ملاقات کردم . مردی بلندقد ، تنومند و خوش لباس بود .
شیخ طوسی نیز در فهرست مینویسد : صفوانی دانشمندی حافظ ، و دارای علمی بسیار ، و نیکو زبان بود .

گویند : درس نخوانده بود و چیز نمی نوشت با این وصف کتبی چند از وی در دست است که او املا کرده و دیگری نوشته است . (سفینه البحار)

(۱) آیاتی که تأویل بظهور امام زمان ارواحنا فدا شده و در آن از حضوت و اصلاح جهان بوسیله او یاران فداکار و دشمنان آن سرور اشاره رفته است ، بیش از اینهاست در

منابع شبه روایاتی در تفسیر آیات دیگر آمده است که حتی مورد قبول برخی از دانشمندان اهل تسنن نیز واقع شده است .

شیخ سلیمان حنفی در کتاب « بتایب الموده » باب (۷۱) بهلاوه آنچه مؤلف نقل کرده آیاتی دیگر از کتاب (المحجة فیما نزل فی القائم المجة) تألیف دانشمند بزرگوار مشهور سید هاشم بحرینی نقل کرده است . که قسمی از آن ذیلاً ذکر میشود :

۵۱- **وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ**

الثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ (۱) یعنی : شمارا امتحان میکنیم چیزی از ترس و گرسنگی و کاستن مال و خطر جانی و ثمرات زندگی ، و زده بده بآنها که ثابت قدم هستید . محمد بن مسلم از امام جعفر صادق (ع) روایت نموده که فرمود : قبل از آمدن قائم ، علاماتی برای امتحان مؤمنین خواهد بود . عرض کردم : آنها چیست ؟ فرمود : این امتحان که خدا میفرماید : چیزی از ترس ؛ این ترس بیماریهای گوناگون است ؛ گرسنگی ، بالا رفتن قیمتها است ، کاستن مال ، قحطی است ؛ خطر جانی ؛ مرگه شایع و زیاد است . و نقص ثمرات زندگی ، نیامدن باران است . پس در آن موقع بآنها که در عقیده پمانا ثابت میمانند ؛ زده بده . آنگاه فرمود : ای محمد ! این تأویل آیه است ، و هیچکس جز آنها که راسخ در علم هستند ، تأویل قرآن را نمیداند ؛ و ما تمیم راسخین در علم .

۵۲- **وَلَهُ اسْمٌ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً (۲)** یعنی : آنها

که در آسمانها و زمین هستند از روی میل یا اکراه تسلیم خدا میشوند . رقاعه بن موسی گفت : شنیدم امام صادق (ع) میفرمود : تأویل آن اینست که موقع ظهور قائم ما ، زمینی نیست که در آن **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ** گفته نشود .

۵۳- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا (۳)** یعنی : ای کسانی که

ایمان آورده اید ، شکبایی پیشه سازید ، صبر کنید ، و مواظب باشید . یزید بن معاویه بجای از امام محمد باقر (ع) نقل کرده که فرمود : تأویل آیه اینست : شکبیا باشید بر انجام فرائض

(۱) سوره بقره آیه ۱۵۰ .

(۲) سوره آل عمران آیه ۷۷ (۳) سوره آل عمران آیه ۲۰۰ .

دینی ؛ وصبر کنید بر آزار دشمنان ؛ ومواظب ظهور امام خود مهدی منتظر باشید !

۵۴ - وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ ، فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ

(۱) یعنی ؛ و از کسانی که گفتند ؛ ما نصرانی هستیم . پیمان آنها را گرفتیم ؛ ولی آنها فراموش کردند بهره ای را که با آنها یاد آوری شده بود ، ولی آنها بزودی متذکر خواهند شد .

ابو ربیع شامی از امام جعفر صادق (ع) روایت نموده که فرمود ؛ نصارا آن بهره را بیاد خواهند آورد ؛ و گروهی از آنها همراه قائم ماقیام خواهند کرد .

۵۵ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ

وَيُحِبُّونَهُ ، أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۲) یعنی ؛ ای کسانی که ایمان

آورده اید ، هر کدام از شما از دین خود برگردد ، بدانند که - بزودی خدا گروهی را می آورد که دوستشان دارد ، و آنها نیز خدا را دوست دارند ، آنها نزد اهل ایمان خود را ناچیز شمرند ولی در مقابل کفار نیرومند باشند .

سایمان بن هارون عجلای گفت ؛ شنیدم که ؛ امام جعفر صادق (ع) میفرمود ؛ صاحب الامر در پناه خدا محفوظ است ، اگر همه مردم از بین بروند ؛ خداوند یاران او را خواهد آورد ، و آنها کسانی هستند که خدا درباره شان فرموده است ؛

۵۶ - فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ (۳) یعنی ؛ اگر

اینان با د کفر ورزند ، بجای آنها قومی را می آوریم که با د کفر نورزند .

۵۷ - قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ . قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ

الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۴) یعنی ؛ شیطان گفت ؛ خدایا بمن مهلت ده تا روزی که مردم برانگیخته

میشوند ؛ خدا فرمود ؛ بتو مهلت داده شده تا روزی که وقت آن معلوم است ؛

وهب بن جمع گفت ؛ از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم ؛ این روز کدام روز است ؟

فرمود ؛ ای وهب روزی است که پیغمبر شیطان را بقتل میرساند . و این بعد از قیام قائم ما

(۱) سوره مائده آیه ۱۷

(۲) « « « « « (۲)

(۳) « « انعام « « ۸۹

(۴) « « « « « (۴)

مهدی است .

۵۸ - وَيَوْمَ نَذِيقُ رَحْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ نَبِّئِ اللَّهُ (۱) آنروزه مؤمنین با پیروزی حق خشنود

میگردند ، ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل میکند که فرمود : در موقع قیام قائم اهل ایمان از پیروزی خدا خشنود خواهند شد .

۵۹ - قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا اِيْمَانُهُمْ وَلَا يَنْظُرُونَ (۲) یعنی : بگو

در روز پیروزی ایمان آنها که کافر گشتند ، سودی بحال آنها ندارد ؛ و مهلت داده نمی شوند .

جمیل بن درآج روایت کرده که امام ششم فرمود : این روز فتح و پیروزی ؛ فتح جهان بوسیله قائم ما است . اگر کسی قبل از آن روز ایمان نیاورده باشد ؛ ایمان آنروزش که میخواهد بتأم نزدیک شود نفی بحال وی ندارد ؛ ولی آنکس که پیش از این فتح و پیروزی عقیده بامامت اوداشته و منتظر ظهور او بوده ، ایمانش نافع بحال او است . خداوند مقام او را نزد قائم بزرگ میگرداند ، و آن مرد از دوستان اهل بیت پیغمبر است .

۹۰ - هَبْ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ . اِنَّا نَزَّلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبَارَكَةٍ . اِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيمَا يَفْرُقُ

كُلَّ اَمْرٍ حَكِيمٍ (۳) یعنی : قسم بکتاب مبین (قرآن) که آنرا در یکشب پربرکت نازل کردیم که ما خلق را از نا فرمانی خود بر حذر میداریم و هر امر محکمی ؛ از هم جدا میگردد .

عبدالله بن مسکان از حضرت باقر ، و صادق و کاظم علیهم السلام روایت کرده که هر سه امام فرموده اند ؛ خداوند تمام قرآن را در « لیلۃ القدر » به بیت المعمور نازل کرد . سپس در مدت بیست و سه سال بر پیغمبر (ص) نازل نمود . خداوند در آن شب هر کار حق و باطلی و آنچه را در آن سال روی میدهد ، تقدیر فرموده ، و بداه و مشیت الهی در آن راه دارد ، آنچه خواهد مقدم میدارد و هر چه خواهد بتأخیر میاندازد ، از سر نوشتها ، روزیها ، امنیت و صلح و سلامت و غیره .

پیغمبر آنرا با امیر المؤمنین تلقین فرمود ، و آنحضرت هم به ائمه طاهرین از اولاد خود رسانید تا آنکه نوبت به صاحب الزمان مهدی علیه السلام برسد .

(۱) - سوره روم آیه ۲ (۲) - سجده آیه ۹

(۳) - سوره دخان . آیه ۱-۴

آنچه طبق روایت منضل بن عمر در روز گار آنحضرت

در جهان روی میدهد

در یکی از تالیفات علمای شیعه بسلسله سند از منضل بن عمر (۱) روایت شده است که گفت : از آقایم حضرت صادق علیه السلام پرسیدم : آیا اموریت مهدی منتظر وقت معینی دارد که باید مردم بدانند کی خواهد بود ؟ فرمود : حاشا که خداوند وقت ظهور او را طوری معین کند که شیعیان ما آنرا بدانند. عرض کردم : آقا برای چه؟ فرمود : زیرا وقت ظهور او همان ساعتی است که خداوند میفرماید :

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ؛ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا
بِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً (۲)

(۱) منضل بن عمر کوفی - از اصحاب حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام است . روایات بسیاری از آن دو امام عالی مقام شنیده و روایت کرده است ، و هم از وکلای آنان بوده است . حدیث منضل و معروف وی از حضرت صادق درباره خداشناسی که مشهور به «توحید منضل» است ، دلیل روشنی بر اهمیت و شخصیت وی نزد حضرت صادق است ، همین روایت منضل که علامه مجلسی در این باب نقل می کند نیز بر فرض که صحت آن مسلم باشد ، دلیل بارزی بر مقام بزرگ آن مرد دینی است .

موسی بن بکر میگوید : چون خبر مرگ منضل بحضرت موسی کاظم (ع) رسید ، فرمود : خدا او را رحمت کند که پدری بود بعد از پدر و راحت شد .

بعضی از دانشمندان ما نظر پاره ای از روایات که در آن از منضل نکوهش شده است ، او را مورد قدح قرار داده و به نیکی یاد نکرده اند . ولی اغلب محققین ، نظر موافق دارند ، و میگویند آن روایات یا مجمول و یا در مورد تقیه و برای حفظ منضل از دشمنان بوده است که او را از اصحاب خاص الیه ندانند ؛ و قصد سوئی نسبت بوی نکنند .

(۲) سوره اعراف آیه ۱۸۶

و نیز این همان ساعتی است که خدا فرموده: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا (۱)** و هم فرموده: **إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ (۲)** یعنی: علم آن وقت فقط در نزد خداست و در آیه دیگر فرمود: **هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا (۳)** و نیز فرمود: **دَاقَتِ رَبَّتِ السَّاعَةَ وَأَنْشَقَ الْقَمَرُ، وَهِيَ فَرَمُودُ: « مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَ يَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ إِلَّا الَّذِينَ يُمارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۴)**.

عرض کردم: معنی «یمارون»، چیست؟ فرمود: یعنی مردم میگویند قائم کی متولد شده و کی اورا دیده، و حالا کجاست و چه وقت آشکار میشود؟ اینها همه عجله در امر خدا و شك در قضای الهی و دخالت در قدرت اوست اینان کسانی هستند که در دنیا زیان می برند و پایان بد از آن کافران است.

عرض کردم: آیا وقتی برای آن تعیین نشده؟ فرمود: ای مفضل! نه من وقتی بر آن معین میکنم و نه هم وقتی برای آن تعیین شده است! هر کس برای ظهور مهدی ما وقت تعیین کند، خود را در عام خداوند شریک دانسته و (بناحق) ادعا کرده که توانسته است بر اسرار خدا آگاهی یابد! در صورتیکه خداوند هر سری دارد برای این مخلوق که از خدا و اولیاء خدا برگشته اند واقع شده است، هر خیری خدا داشته باشد اختصاص به بندگانش دارد که باید بآن برسند. زیرا که خدا همه وقت بایندگانش است. آن اسرار که بآنها میدهد برای این است که بر آنها حجت باشد.

فَقُلْتُ فَكَيْفَ يَا مَوْلَايَ فِي ظُهُورِهِ؟ فَقَالَ يَظْهَرُ فِي شِبْهِ لَيْسْتَبِينَ أَمْرُهُ وَيُعَلَى ذِكْرُهُ.

مفضل گفت: در وقت ظهورش چگونه است؟ فرمود: ای مفضل! او در وضع شبه ناکی آشکار میشود، تا اینکه امرش روشن شود (۱) و نامش بالارود و کارش آشکار گردد، و نام و کنیه و نسبش برده

(۱) سوره النازمات آیه ۴۲

(۲) لقمان ۳۴، (۳) سوره محمد آیه ۲۰.

(۴) سوره شوری آیه ۱۶

(۴) یکی از شواهد رسوایی حسینعلی مازندرانی پینمبریهائی و ابوالفضل گلپایگانی =

شود ، و آوازه او در زبان پیروان حق و باطل و موافقین و مخالفین زیاد

عَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :
 وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا
 إِلَيَّ رُؤَاةَ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي
 عَلَيْكُمْ . « از توفیق شریف ج ۲ احتجاج طبرسی »

در پیشامدهائی که برای شما رخ
 میدهد رجوع کنید به روایان
 احادیث ما پس همانا آنان از طرف
 من بر شما حجت اند .

برده میشود؛ تا اینکه بواسطه شناختن او حجت بر مردم تمام شود. بعلاوه ماداستان ظهور او را برای مردم نقل کرده ایم و نشان داده ایم و نام و نسب و کنیه او را برده و گفته ایم که: او همان جدش پیغمبر خدا و هم کنیه اوست تا مبادا مردم بگویند اسم و کنیه و نسب او را شناختیم، بخدا سوگند کار او بواسطه روشن شدن نام و نسب و کنیه اش که بر زبانهای مردم بالا گرفته، متحقق میشود. بطوریکه آنرا برای یکدیگر بازگو میکنند. همه اینها برای اتمام حجت بر آنهاست. آنگاه همانطور که جدش وعده داده، خداوند او را ظاهر می گرداند قوله تعالی: **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** (۱) یعنی: خداوند نماینده خود را با هدایت و دین حق میفرستد تا او را بر تمام ادیان غالب گرداند هر چند مشرکان نخواهند.

دینی مهدی دین اسلام است

مفضل گفت آقا تاویل «لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» چیست؟ (یعنی چگونه امام زمان بر همه ادیان غالب میشود) حضرت فرمود: تاویل آن این آیه است: **وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ** یعنی: چندان از مشرکان بکشید که دیگر فتنه ای در میان مردم نباشد و همه دین برای خدا باشد.

ای مفضل بخدا قسم! اختلاف را از میان ملل و ادیان بر میدارد و همه دینها یکی میشود چنانکه خدا فرموده: **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ** (۲) و هم فرموده: **وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ** (۳) یعنی هر کس دینی جز دین اسلام را بپذیرد هر گز از وی پذیرفته نمیشود و او در عالم آخرت از زیانکاران خواهد بود.

مفضل گفت: آقا! آیا دینی که پدران او ابراهیم و نوح و موسی و عیسی و محمد داشتند، همان دین اسلام بود؟ فرمود: آری همین دین اسلام بود، نه غیر آن! عرض کردم: دلیلی از قرآن بر این مطلب دارید؟ فرمود: آری از اول تا آخر قرآن پر از

دلیل است . از جمله آیه : ان الدین عند الله الاسلام میباشد . و دیگر این آیه :
مِلَّةَ اَبِيكُمْ اِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ (۱) یعنی اسلام دین پدر شما ابراهیم است و اوست
 که شمارا مسلمان نامید . و دیگر آیه ایست که خداوند در داستان ابراهیم و اسماعیل
 از زبان آنها نقل میکند که گفتند : **وَاَجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا اُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ**
 (۲) یعنی : خدایا ما دو نفر را دو تن مسلمان و تسلیم شده خود قرار ده ، و از اولاد
 مانیز مردمی مسلمان بیرون آور . و دیگر این آیه در داستان فرعون است که
 میفرماید :

**حَتَّىٰ اِذَا اَدْرَاكَهُ الْغَرْقُ قَالَ اٰمَنْتُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِي اٰمَنْتُ بِهِ بَنُوۤا۟ اِسْرٰٓئِیْلُ
 وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیۡنَ** (۳) یعنی : وقتی فرعون میخواست غرق شود ، گفت : ایمان
 آوردم که جز خداوند یگانه‌ای که بنی اسرائیل باو ایمان آوردند ، خدائی نیست
 و اینک من از مسلمانان هستم .

و در داستان سلیمان و بلقیس ملکه سبا میفرماید : **وَ اتُونِیْ مُسْلِمِیۡنَ** یعنی :
 در حالیکه تسلیم شده‌اید ، نزد من بیایید ، و چون بلقیس بنزد سلیمان آمد گفت :
اَسَلَمْتُ مَعَ سُلَیْمٰنَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیۡنَ یعنی من با سلیمان در پیشگاه خداوند جهانیان
 اسلام آوردم و از زبان عیسی بن مریم علیهما السلام میفرماید :

مَنْ اَنْصَارِیْ اِلَیَّ اللّٰهِ یعنی عیسی گفت : کسانی که میخواهند با پذیرش دین
 خدا مرایاری نمایند کیستند؟ **قَالَ الْحَوَارِیُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَاَشْهَدُ
 بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ** (۴) یعنی حواریون گفتند : ما یاوران دینی تو هستیم ما ایمان بخدا
 آوردم و شاهد باش که ما مسلمان هستیم ! و در آیه دیگر میفرماید :

وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَاَلْاَرْضِ طَوْعًا وَّكَرْهًا (۵) یعنی : آنچه در آسمانها

(۱) سوره حج آیه ۷۷ (۲) بقره آیه ۱۲۱

(۳) سوره یونس آیه ۹۰

(۴) سوره آل عمران آیه ۴۵

(۵) سوره آل عمران آیه ۷۷

وزمین است بامیل و بی میلی اسلام آوردند و در داستان لوط میفرماید: **فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ** (۱) یعنی: مادر آنجا بیشتر از يك خانه از مسلمانان نیافتیم و در آیه دیگر میفرماید: **وَقُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا . . . لَا تَفَرَّقْ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ** (۲) یعنی بگوئید: ایمان آوردیم بخدا و آنچه از طرف خدا برای ما نازل شده و بین هیچیک از پیغمبران فرق نمیگذاریم و ما برای او اسلام آوردیم.

و در آیه دیگر میفرماید: **أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِلَى قَوْلِهِ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ** (۳) یعنی: آیا شما حاضر بودید هنگامیکه مرگ یعقوب فرارسید تا آنجا که فرمود: و ما همه برای او اسلام آوردیم.

مفضل عرض کرد: آقا! ادیان چند تا است؟ فرمود: چهار دین است و هر کدام دین جدا گانه ایست عرض کردم: چرا مجوس را مجوس می گویند؟ فرمود: برای اینکه در سریانی خود را مجوسی نامیدند و دعوی کردند که حضرت آدم و شیث هبه الله ازدواج با مادران و خواهران و دختران و خالهها و عمه ها و سایر محارم را برای آنها حلال کردند و ادعا می کنند که آدم و شیث با آنها دستور داده اند که در وسط روز آفتاب را سجده کنند و وقتی برای نماز آنها قرار نداده اند، در صورتیکه این ادعا افتراء بر خدا و دروغ بستن بر آدم و شیث است.

مفضل گفت: آقا! چرا قوم موسی را یهود می گویند؟ فرمود: برای اینکه خداوند از زبان آنها نقل کرده که گفتند: **إِنَّا هَدَانَا إِلَيْكَ**، یعنی ما بسوی تو رجوع کرده ایم. عرض کردم: چرا نصاری را نصرانی می گویند؟ فرمود: بخاطر این آیه است که به عیسی گفتند: **نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ** ما یاوران خدائیم، و دین خدا را نصرت می دهیم. **مفضل** گفت: آقا! چرا صابئین را بدین نام می نامند؟ فرمود: برای اینکه

(۱) سوره الذاریات آیه ۳۶

(۲) سوره بقره آیه ۱۳۰

(۳) . . . ۱۲۷

آنها معتقد شدند که وجود پیغمبران و فرستادگان الهی و ادیان و شرایع آسمانی بیهوده است و هر چه انبیا گفته‌اند باطل است و از این راه یگانگی خداوند و نبوت پیغمبران و رسالت فرستادگان الهی و جانشینی جانشینان آنها را انکار نمودند و میگویند: نه دینی و نه کتابی و نه پیغمبری است و با اعتقاد آنها جهان آفرینش هیچگونه رابطی بامبدء وجود و مدبر عالم ندارد و خود سری میگردد.

عرض کرد: سبحان الله! چقدر این اطلاعات مهم است؟ حضرت فرمود: آری ای مفضل آنچه گفتم بشیعیان ما برسان تا در امر دین خود شك نکنند.

مفضل گفت: آقا! مهدی در کدام سرزمین ظهور میکند؟ فرمود: هنگام ظهورش هیچکس او را نمی‌بیند هر کس جز این بشما بگوید او را دروغ گوید بدانید. عرض کردم: آقا! آیا مهدی هنگام ولادتش دیده نمیشود؟ فرمود: چرا بخدا قسم از لحظه ولادت تا موقع وفات پدرش که دو سال و نه ماه است دیده می‌شود. اول ولادتش موقع فجر شب جمعه هشتم ماه شعبان سال ۲۵۷ تا روز جمعه هشتم ربیع الاول سال دویست و شصت روز وفات پدرش (۱) در شهری واقع در کنار شط دجله که آنرا شخص متکبر جبار گمراهی بنام جعفر ملقب بمتوکل ملعون بنامی کند.

آن شهر را «سرمین رأی» مینامند (سرمین رأی یعنی مسرور میشود هر کس آنرا ببیند) ولی هر کس آنرا ببیند گرفته میشود در سال دویست و شصت هر شخص با ایمان و با حقیقتی او را در سامر می‌بیند ولی کسیکه دلش آلوده بشك و تردید است او را نمی‌بیند امر ونهی او در آن شهر نفوذ میکند و در همانجا غائب میشود و در قصری بنام (صابر) در جنب مدینه در حرم جدش رسول خدا ظاهر میشود و هر کس سعادت دیدار او را داشته باشد در آنجا او را می‌بیند آنگاه در آخر روز سال دویست و شصت و شش از نظرها غائب می‌گردد و دیگر هیچکس او را نمی‌بیند تا موقعیکه همه چشمها بجمالش

روشن گردد .

مفضل گفت : در طول غیبت با کی انس میگیرد و با کی گفتگو میکند و کی با او سخن می گوید؟ فرمود : فرشتگان خدا و افراد با ایمان طائفه جن با وی سخن میگویند و دستورات و (توقیعات) او برای موثقین و نمایندگان او و کلایش صادر میشود .

و همان روز که وی در صابر غائب میشود ، حمد بن نصیر نمیری ، خود را باب او (و رابط میان او و شیعیان) معرفی میکند ، آنگاه (بعد از غیبت طولانی) در مکه آشکار میگردد .

ای مفضل ! گویا او را می بینم که وارد شهر مکه شده و لباس پیغمبر را پوشیده و عمامه زردی بر سر گذاشته است ، و نعلین وصله شده پیغمبر را پیا کرده و عصای آن حضرت را بدست گرفته چند بز لاغر را جلو انداخته و بدین گونه بطرف خانه خدا میرود بدون اینکه کسی او را بشناسد و بسن جوانی آشکار میگردد .

مفضل گفت : آیا بصورت جوان بر میگردد یا با حالت پیری ظهور میکند فرمود : سبحان الله مگر از حالا کسی میداند ؟ وقتی خدا فرمان ظهورش را صادر کند هر طور او بخواهد و به صورتی که او صلاح بداند ظاهر میشود .

مفضل گفت : آقا! از کجا ظاهر میشود و چگونه آشکار میگردد؟ فرمود : ای مفضل او به تنهایی آشکار می گردد و تنها بطرف خانه خدایا آید و تنها داخل کعبه میشود و چون شب فرارسد همچنان تنهاست ، وقتی چشمها بخواب رفت و شب کاملاً تاریک شد جبرئیل و میکائیل و دسته دسته فرشتگان بروی فرود میآیند و در آن میان جبرئیل بوی می گوید : ای آقای من هر چه بفرمائی پذیرفته است و فرمانت رواست . او (قائم) هم دست بر رخسارش میکشد و میگوید :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ
فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ یعنی : خدا را سپاس میگذارم که وعده‌اش درباره ما راست در آمد
و زمین را بما وا گذار کرد و هر جای بهشت را بخواهیم منزل می کنیم، چه نیکوست
پاداش عمل کنندگان بفرمان الهی !

آنگاه در بین رکن و مقام می ایستد و با صدای رسا می گوید : ای تقبا
و مردمی که بمن نزدیک هستید ، و ای کسانی که خداوند شما را پیش از
ظهور من در روی زمین برای یاری من ذخیره کرده است ، برای اطاعت از من
بسوی من بیایید !

صدای او باین افراد میرسد و آنها در شرق و غرب عالم بعضی در محراب عبادت و
گروهی خوابیده اند ، و باین وصف بایک صدا که میشوند و بایک چشم بهم زدن در
بین رکن و مقام نزدا خواهند بود .

هنگامیکه قائم در مکه ظهور میکند

سپس خداوند بنور دستور میدهد که بصورت عمودی از زمین تا آسمان جلوه کند
و هر که ساکن زمین است، از آن نور استضاء نماید و نور از میان خانه‌اش بروی بدرخشد
و از این نور دل‌های مؤمنین مسرور گردد ، در حالیکه هنوز آنها نمی دانند که قائم ما
اهلیت ظهور کرده است . ولی چون صبح شود همه در برابر قائم خواهند بود و آنها
سیرصد و سیزده مرده به تعداد لشکر پیغمبر در روز جنگ بدر هستند .

مفضل گفت : آقا ! آیا آن هفتاد و دو نفر که با امام حسین علیه السلام در کربلا شهید
شدند هم با آنها ظهور می کنند ؟ فرمود : فقط اباعبدالله حسین بن علی علیه السلام بادوازده
هزار نفر از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در حالیکه حضرتش عمامه سیاه پوشیده است
ظهور میکند . (۱)

عرض کردم : آقا ! آیا مردم بغیر روش و سنت قائم علیه السلام قبل از ظهور و قیامش با

(۱) رجوع کنید بگفتار مؤلف در آخر این باب

امام حسین علیه السلام بیعت میکنند؟ فرمود: ای مفضل! هر بیعتی قبل از ظهور قائم کفر و نفاق و نیرنگ است، خداوند بیعت کننده و بیعت گیرندگان آنرا لعنت کند. بلکه ای مفضل! تکیه بخانه خدا میدهد و دستش را دراز می کند و نوری از آن میجهد و میگوید: این دست خدا و از جانب خدا و بامر خداست پس این آیه را میخواند: **ان الذین یبایعونک انما یبایعون اللہ فواللہ فوالق ایدیهیم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه (۱)** یعنی: کسانی که با تو بیعت میکنند، در حقیقت با خدا بیعت مینمایند، دست خدا بالای دستهای آنهاست، پس هر کس آن بیعت را بشکند، کاری بزیان خود کرده است.

اول کسی که دست او را میبوسد، جبرئیل است، و سپس سایر فرشتگان و نجباء جن و بعد از آنها نقباء باوی متابعت می کنند. مردم در مکه فریاد میزنند و میگویند: این مرد کیست و این جماعت که با او هستند کیانند و این علامت که دیشب دیدیم و نظیرش دیده نشده چیست؟

بعضی به بعضی دیگر میگویند: این مرد همان صاحب بزهاست! عده دیگر میگویند: نگاه کنید ببینید کسی از همراهان او را می شناسید؟ مردم می گویند ما جز چهار نفر از مردم مکه و چهار نفر که از اهل مدینه هستند و فلانی و فلانی میباشند هیچکدام آنها را نمی شناسیم.

این واقعه در آغاز طلوع آفتاب آن روز خواهد بود، موقعی که آفتاب طالع شد گوینده ای از چشمه خورشید بزبان عربی فصیحی بانگی میزند که اهل آسمانها و زمین آنرا میشوند، و میگویند: ای مردم عالم! این مهدی آل محمد است و او را بنام و کنیه جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواند و پدرش حسن علیه السلام امام یازدهم تا حسین بن علی صلوات الله علیهم اجمعین نسبت میدهد.

آنگاه گوینده میگوید: باوی بیعت کنید که رستگار میشوید و مخالفت امر او ننمائید که گمراه خواهید شد. سپس به ترتیب فرشتگان و جن و نقباء دست او را

میپوسند و میگویند : شنیدیم و اطاعت میکنیم ، هیچ صاحب روحی در میان مخلوق خدا نمیمانند جز اینکه آن صدارا میشوند . کسانی که در جای دور و نزدیک و دریا و خشکی میباشند ، میآیند و برای یکدیگر نقل میکنند که ما با گوش خود چنین صدائی را شنیدیم .

هنگامیکه آفتاب خواست غروب کند ! کسی از سمت مغرب زمین فریاد میزند ای مردم دنیا ! خداوند شما در بیابان خشکی از سر زمین فلسطین بنام « عثمان بن عنبه » اموی از اولاد یزید بن معاویه ظهور کرده ، بروید و با او بیعت کنید تا رستگار شوید . و با وی سر بمخالفت بر ندارید که گمراه میشوید ، در آنوقت فرشتگان و جن و نقبا گفته او را رد کرده تکذیب میکنند و بان گوینده میگویند : شنیدیم و نافرمانی میکنیم ! هر کس شك و تردیدی بدش راه یافته باشد و منافق و کافری ، با این صدای دوم گمراه میگردد .

در آنوقت آقای ماقائم تکیه بخانه خدا میدهد و میگوید : الا ای اهل عالم ! هر کس میخواهد آدم و شیث را ببیند ، بداند که من همان آدم و شیث هستم ، هر کس میخواهد نوح و پسرش سام را ببیند بداند که من همان نوح و سام میباشم ، هر کس میخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند ، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل هستم . هر کس میخواهد موسی و یوشع را ببیند بداند که من همان موسی و یوشع هستم . هر کس میخواهد عیسی و شمعون را ببیند ، بداند که من همان عیسی و شمعون هستم . هر کس میخواهد محمد ﷺ و امیر المؤمنین صلوات الله علیهمارا ببیند ، بداند که من همان محمد و علی هستم ، هر کس میخواهد حسن و حسین را ببیند ، بداند که من همان حسن و حسین میباشم . هر کس میخواهد امامان اولاد حسین را ببیند ، بداند که من همان ائمه اطهار هستم دعوت مرا بپذیرید و بنزد من جمع شوید که هر چه خواهید بشما اطلاع دهم .

هر کس کتابهای آسمانی و صحف الهی را خوانده است اینك از من میشوند آنگاه شروع میکند بقرائت صحفی که خداوند بر آدم و شیث علیهما السلام نازل

فرمود پیروان آدم و شیث میگویند: بخدا قسم! این صحف حقیقی آدم و شیث است این مرد آنچه را ما از صحف آدم و شیث نمیدانستیم و بر ما پوشیده بود، و یا از آن حذف و یا تبدیل و تحریف شده بود، بمایاد داد.

سپس صحف نوح و ابراهیم و تورات و انجیل و زبور را میخواند. پیروان تورات و انجیل و زبور میگویند: بخدا قسم! این همان صحف حقیقی نوح و ابراهیم است که چیزی از آن سقط نشده و تبدیل و تحریف نگردیده، بخدا قسم! تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل همین است و این بیش از کتبی است که آنرا خوانده ایم سپس قرآن میخواند مسلمانان میگویند: بخدا قسم! این همان قرآن حقیقی است که خداوند بر پیغمبر نازل کرده، چیزی از آن کم نشده و تحریف و تبدیل نگردیده است.

آنگاه «آبَةُ الْأَرْضِ» در بین رکن و مقام ظاهر میشود و در صورت مؤمنین کلمه «مؤمن» و در صورت کافران کلمه «کافر» را می نویسد. سپس مردی که صورتش بعقب و پشتش بسینه برگشته است، بنزد قائم آمده جزواومیایستد و میگوید: آقا! من بشر هستم یکی از فرشتگان بمن دستور داده که بخدمت شما برسم و نابودی لشکر سفیانی را در بیابان «بیداء» بشما اطلاع دهم.

ماجرای فرود رفتن لشکر سفیانی

در زمین بیداء

قائم بوی میگوید: داستان خود و برادرت را شرح بده. آن مرد میگوید: من با برادرم در لشکر سفیانی بودیم، از دمشق تا زوراء هر جا آبادی بود ویران ساختیم و بحال خراب گذاشتیم، سپس کسوفه و مدینه را نیز خراب کردیم و منبر پیغمبر را شکستیم و قاطران خود را در مسجد بستیم.

آنگاه از آنجا خارج شدیم در حالیکه نفرات ما سیصد هزار لشکر بود و میخواستیم بمکه بیائیم و خانه خدا را ویران سازیم و اهل مکه را بقتل رسانیم؛ ولی

چون بر زمین «بیداء» رسیدیم در آنجا منزل کردیم، ناگه صدائی شنیدیم که گفت ای بیابان این ظالمان را در کام خود فرو بر ! با این صدا زمین شکاف برداشت و تمام لشکر را بلعید !

بخدا قسم از تمام آن لشکر جز من و برادرم حتی بندی که با آن زانوی شتر را می بندند، باقی نماند. در آن هنگام فرشته‌ای را دیدیم که سیلی بصورت مازدو رویهای ما پشت پرگشت چنانکه می بینی !

پس آن فرشته به برادرم گفت : برو بشام نزد سفیانی ملعون و او را از ظهور مهدی آل محمد بترسان و بوی اطلاع بده که خداوند لشکر او را در سرزمین (بیداء) نابود گردانید .

آنگاه بمن گفت : تو هم برو بمکه و قائم را بنا بودی ستمگران بشارت بده و بردست وی توبه کن که او توبه تورا قبول میکند قائم هم دست روی صورت او میکشد و بصورت نخست برمی گرداند و با وی بیعت نموده و همراه او میماند .

مفضل گفت : آقا : آیا جن و فرشتگان برای بشر آشکار میگردند؟ فرمود: آری والله آشکار می شوند و با آنها سخن میگویند، مانند یکتفر آدمی که با بستگان خود سخن بگوید . عرض کردم : آقا ! آیا فرشتگان و طایفه جن همه جا همراه قائم میروند؟ فرمود : آری والله . آنها در زمین هجرت واقع در کوفه و نجف فرود می آیند ، و عدد یاران او در آن موقع چهل و شش هزار نفر فرشته و شش هزار جن است (در روایت دیگر فرمود چهل و شش هزار هم از جن) خداوند قائم را پیروز می گرداند .

قائم (ع) در مکه چه میکند ؟

و مردم با او چه خواهند کرد؟

مفضل عرض کرد: قائم با اهل مکه چه میکند؟ فرمود : آنها را دعوت بحکمت و موعظه حسنه می کند آنها هم از وی اطاعت می کنند . قائم مردی از خاندان خود را در آنجا بنیابت خود منصوب داشته و مکه را بقصد مدینه ترک می گوید .

مفضل عرض کرد: آقا! با خانه خدا چه می کند؟ فرمود: آن را میشکند و بر همان پایه‌ای که روز نخست در عهد حضرت آدم برای مردم بنا شده و ابراهیم و اسماعیل بالا برده بودند، بر پای میدارد. و آنچه که بعد از آن در مسجد الحرام تعمیر شده که پیغمبری و جانشین پیغمبری آنرا نساخته است، آنطور که خدا میخواهد آنرا میسازد. و هر آثاری که در مکه و مدینه و عراق و سایر جاها از ستمگران باقی مانده باشد همه را ویران میکند. مسجد کوفه را نیز خراب کرده و بر اساس اولی آن بنا میکند. و همچنین قصر عتیق را نیز ویران میکند. خدا لعنت کند سازنده آن را، خدا لعنت کند او را.

مفضل عرض کرد: آقا! آیا قائم در مکه اقامت میکند؟ فرمود: نه! بلکه نائب خود را در آنجا میگذارد، ولی چون اهل مکه دیدند قائم از میان آنها رفته است، هجوم میآورند نائب او را میکشند. قائم بسوی آنها بر میگردد و آنها بطور سرشکسته و ذلیل و گریه کنان نزد وی می آیند و التماس میکنند و میگویند: ای مهدی آل محمد! توبه کردیم توبه کردیم. قائم آنها را موعظه میکند و از غضب خداه بترساند و شخصی از اهل مکه را به نیابت خود انتخاب میکند و از مکه خارج میشود.

این بار نیز اهل مکه هجوم می آورند و نائب او را میکشند. قائم هم یاوران خود از طایفه جن را بسوی مکه فرستاده و سفارش می کند که جز افراد باایمان یکتفر از آنها را باقی نگذارید. اگر بملاحظه رحمت پروردگار نبود که همه اشیاء را گرفته و مظهر رحمتش نیز من می باشم، خودم با شما بسوی آنها باز میگشتم. زیرا آنها بکلی از خداوند و من فاصله گرفته و هر گونه پیوندی را قطع کرده اند. لشکر مهدی هم بسوی اهل مکه باز میگردند. بخدا قسم از هر صد نفر آنها بلکه از هر هزار نفر آنان یکتفر را باقی نمیگذارند.

مهر قائم (ع) هنگام ظهور کجاست؟

مفضل گفت: آقا خانه مهدی در کجا خواهد بود و مؤمنین در کجا جمع

شوند؟ فرمود: مقر سلطنت وی شهر کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه و بیت المال و محل تقسیم غنائمش مسجد سهله واقع در زمینهای صاف و مسطح و روشن نجف و کوفه است.

عرض کرد: آقا همه اهل ایمان در کوفه خواهند بود؟ فرمود: آری والله. در آنروز تمام مؤمنین یا در کوفه و یا در حوالی کوفه می باشند، زمین آن به مساحت جولانگاه اسبی بدو هزار درهم میرسد. اکثر مردم آرزو دارند که کاش میتوانستند يك وجب از زمین «سبع» را بيك وجب شمش طلا بخرند، و «سبع» از مضافات همدان است (۱).

در آنروز طول شهر کوفه به پنجاه و چهار میل میرسد بطوریکه کاخهای آن مجاور کربلا است. خداوند در آنروز کربلا را محل آمدورفت فرشتگان و مؤمنین خواهد نمود! و در آنروز ارزشی بسزا دارد، چنان برکت بآن روی میآورد که اگر مؤمنی از روی حقیقت در آنجا بایستد و یکدفعه از خداوند طلب روزی کند؛ خداوند هزار برابر دنیا باو عطا میفرماید (۲).

آنگاه حضرت صادق علیه السلام آهی کشید و فرمود: ای مفضل! تمام اماکن روی زمین بر یکدیگر فخر می کردند. از جمله کعبه در مسجد الحرام بر زمین کربلا فخر نمود. خداوند وحی فرستاد که ای کعبه ساکت باش! و بر کربلا فخر مکن! زیرا کربلا بقعه مبارکی است که در آنجا از جانب خداوند بوسیله درخت به موسی بن عمران وحی شد.

(۱) همدان. بکون ميم بروزن قندان است و با همدان شهر معروف ایران اشتباه نشود همدان قبیله ای از یمین بودند که در خلافت امیر مؤمنان در حوالی کوفه سکونت ورزیدند و مردم آن در محبت بمولای متقیان و سابقه تشیع و فداکاری در راه آنحضرت و فرزندان او مشهور بودند (۲) ناگفته معلوم است که اینگونه عدد ها که در روایات ذکر شده مجاز است و کنایه از زیادی مطلب مربوط بحديث میباشد در این جا نیز کنایه از وفور نعمت و برکت و توجه خداوند بمؤمنین ساکن آن ارض اقدس و تربت مقدس میباشد.

و همان تلی است که مریم و عیسی منزل کردند و محلی است که سر حسین علیه السلام را در آن شستشودادند و مریم عیسی را شست و خودش هم بعد از ولادت وی غسل کرد. کربلا بهترین سرزمینهاست. پیغمبر هنگام غیبتش از آنجا با آسمان بالا رفت و آنجا تا موقع ظهور قائم خیر و برکت زیادی برای شیعیان مادارد.

مهدی (ع) در مدینه

مفضل گفت: آقا! سپس مهدی بکجا میرود؟ فرمود: میرود بمدینه جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله. وقتی بمدینه در آمد مقامی بس عجیب خواهد داشت که باعث مسرت مؤمنین و نعت کفار می باشد.

مفضل گفت: آقا! آن مقام عجیب چیست؟ فرمود: می آید کنار قبر پیغمبر و صد امیزند: ای مردم! آیا این قبر جدمن است؟ مردم میگویند: ای مهدی آل محمد آری این قبر پیغمبر جد تو است. می پرسد: چه کسانی باوی در اینجا مدفون هستند؟ میگویند: دو نفر از اصحاب و انیس او.

با اینکه او از هر کس بهتر آن دو نفر را می شناسد، در حالیکه مردم همه گوش میدهند، سؤال میکند: آنها کیانند؟ چطور شد که در میان تمام مردم فقط این دو نفر با جد من پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در اینجا دفن شدند، شاید کسانی دیگر مدفون باشند. مردم میگویند: ای مهدی آل محمد! کسی غیر از این دو نفر در اینجا مدفون نیست از این جهت در اینجا دفن شدند که خلیفه پیغمبر و پدر زن او هستند، مهدی سه بار این سؤال را تکرار میکند، سپس دستور میدهد که آن دو نفر را از قبر بیرون بیاورند. مردم هم آنها را بیرون می آورند در حالیکه بدنشان تروتازه است و اصلا نپوسیده و تغییر نکرده اند.

سپس مهدی می پرسد: آیا کسی در میان شما هست که اینان را بشناسد؟ مردم میگویند: ما آنها را باوصافشان می شناسیم. اینان انیس جد شما هستند. می پرسد: آیا در میان شما کسی هست که جز این بگوید یا درباره اینان شك کند؟ مردم میگویند

نه ! مهدی سه روز بیرون آوردن آنها را بتأخیر می اندازد و این خبر در میان مردم منتشر می شود .

سپس مهدی بآنجا آمده و روی قبرهای آنها را بر میدارد و به نقبای خود میگوید: قبرهای اینان را بشکافید و آنها را جستجو کنید . نقباهم بادیستهای خود آنها را جستجو کرده تا آنکه تروتازه مانند روز نخست بیرون می آورند . دستور میدهد کفنهای آنها را بیرون آوردند بر درخت پوسیده و خشکی بردار کشند ، فی الحال درخت سرسبز و پرشاخ و برک و خرم میشود !

بامشاهده این وضع عجیب دوستداران آنها ، میگویند : بخدا قسم این شرافت حقیقی است که اینها دارند ، و ما هم بدوستی اینان فائز شدیم هر کس جزئی محبتی از آنها در دل داشته باشد ، می آید و آن منظره را مینگرد و بادیدن آن فریفته میگردد . در این هنگام جارچی مهدی صدا میزند : هر کس دو صحابه پیغمبر و انیس او را دوست میدارد در یک سمت بایستد . مردم دورسته می شوند : يك دسته دوست آنها و دسته ای دشمن آنان . مهدی بدوستان آن دو نفر دستور میدهد که از آنها بیزاری جویند . آنها هم میگویند : ای مهدی آل پیغمبر ! ما پیش از آنکه بدانیم اینان در نزد خدا و تو چنین مقامی دارند از آنها بیزاری نجستیم ، اکنون که فضل و مقام آنها برای ما ظاهر شده ، چگونه بادیدن بدن تروتازه آنها و سبز شدن درخت پوسیده از آنان بیزاری بجوئیم ؟

بلکه بخدا قسم ما از تو و کسانی که عقیده بتو دارند و آنها که باینان ایمان ندارند و آنها را بردار زدند ، و از قبر بیرون آوردند ، بیزاری میجوئیم ، در این وقت مهدی بامر خداوند دستور میدهد بادسیاهی بر آنها بوزد و آنان را مانند ریشه های پوسیده درخت نخل از میان میبرد .

سپس دستور میدهد آنها را از بالای دار پائین بیاورند ، و بامر خداوند زنده میگرداند و دستور میدهد تمام مردم جمع شوند . آنگاه اعمال آنها را در هر کوره

و دوره‌ای شرح میدهد ، تا آنکه داستان کشته شدن هابیل فرزند آدم و برافروختن آتش برای ابراهیم و انداختن یوسف در چاه و زندانی شدن یونس در شکم ماهی و قتل یحیی و دار کشیدن عیسی و شکنجه دادن جرجیس و دانیال پیغمبر و زدن سلمان فارسی ، و آتش زدن در خانه امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام و تازیانه زدن بیازوی صدیقه کبری فاطمه زهرا و دربه پهلوی او زدن ، و سقط شدن محسن بچه او و سم دادن با امام حسن و کشتن امام حسین و اطفال و عموزادگان و یاوران آنحضرت و اسیر کردن فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و ریختن خون آل محمد ، و هر خونی که بناحق ریخته شده ، و هر زنی که مورد تجاوز قرار گرفته ، و هر خیانت و اعمال زشت و گناه و ظلم و ستم که از زمان حضرت آدم تا موقع قیام قائم از بنی آدم سرزده همه و همه را بگردن اولی و دومی انداخته و بر آنها ثابت نموده و ملزم میگرداند و آنها هم اعتراف میکنند .

آنگاه دستور میدهد هر کس حاضر است و از آنها ظلمی دیده قصاص کند . آنها هم قصاص میکنند . سپس آنها را دوباره بر همان درخت بدار میکشد ، و امر میکند آتشی از زمین بیرون آمده آنها را باد درخت میسوزاند آنگاه بیاد دستور میدهد تا خاکسترشان را بآب دریاها پاشد .

مفضل عرض کرد : آقا این عذاب آخر آنهاست ؟ فرمود : نه ! نه ! ای مفضل بخدا قسم فردای قیامت هر مؤمن و کافری بصحرای محشر می آیند و آقای بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و صدیق اکبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه اطهار نیز حاضر میشوند و همه آنها از آن دو نفر قصاص میکنند . تا جائیکه آن دو نفر را در هر شبانه روز هزار بار میکشند و باز بامر خداوند بصورت اول بر میگردند تا باز عذاب شوند .

بغداد آن روز

سپس مهدی از مدینه بکوفه میرود و در بین کوفه و نجف فرود میآید در آن روز

یارانش چهل و شش هزار فرشته و شش هزار نفر جن و سیصد و سیزده تن تقیب میباشند
مفضل عرض کرد: آقا! در آنروز دارالفاسقین (بغداد) چه وضعی دارد؟
فرمود: مشمول لعنت و غضب خداوند است. فتنه‌ها و آشوبها آنرا ویران میسازد و
بکلی متروک میماند. ای وای بر بغداد و مردم آن از خطر لشکری که با پرچمهای
زرد، و لشکری که با پرچمهای خود از مغرب زمین میایند و کسیکه جزیره را
جلب میکند و لشکری که ازدور و نزدیک بانجا میروند.

بخدا قسم همه گونه عذاب که بر اmentهای متمرّد و سرکش از اول خلقت تا آخر
عالم رسیده بر بغداد فرود میاید. عذابهایی به بغداد میرسد که هیچ چشمی ندیده و
هیچ گوشی نشنیده است طوفان شمشیر، آنها را فرو گیرد. وای بر کسیکه آنجا را
مسکن خود قرار دهد، زیرا هر کس در آنجا مقیم شود باحالات شقاوت باقی میماند
و هر کس هجرت کند در پرتو خدا بسربرد. بخدا مردم بغداد چنان غرق در ناز و
نعمت و عیش و نوش میشوند که میگویند: زندگی حقیقی دنیا همین و خانه‌ها و
کاخهای آن، قصرهای بهشت است و دختران آن (در زیبایی) حورالعین و جوانان
آن جوانان بهشت است. و چنین پندارند که خداوند تمام روزی بندگانش را به
بغداد ارزانی داشته است!

افتراء بخداوند و پیغمبر ﷺ و حکم کردن برخلاف قرآن و شهادت دروغ
و شرابخواری و زنا کاری و خوردن پلیدی‌ها، و خونریزی، چنان در بغداد شیوع یابد
که فجایع تمام دنیا پای آن نرسد. آنگاه خداوند همین بغداد را بوسیله آن آشوبها
و آن لشکرها چنان ویران میسازد که وقتی رهگذری از آنجا میگذرد؛ میگوید:
شهر بغداد در اینجا بوده است!!

سید حسنی و مردان طالقان

آنگاه سید حسنی آن جوان زیبا از طرف سر زمین دیلم خروج کرده و بسا
صدای رسا صدامیزند: ای آل احمد! دعوت آنکس را که از غیبتش متأسف بودید

اجابت کنید این صدا از ناحیه ضریح پیغمبر ﷺ بلند می شود پس گنجهای خدا از طالقان اورا پذیره میشوند. آنها گنجهایی هستند اما چه گنجی که نه طلا و نه نقره است بلکه مردانی هستند که ایمانی فولادین دارند ، و بر اسبهای چابک سوار و اسلحه بدست گرفته و پی در پی ستمگران را کشته تا آنکه وارد کوفه میشوند و در آن موقع اکثر روی زمین را از لوث وجود بیدینان صاف کرده اند . آنها کوفه را محل اقامت خود قرار میدهند .

چون خبر ظهور مهدی ﷺ با او (سید حسنی) و اصحابش میرسد ، اصحابش با او میگویند : ای پسر پیغمبر ! این کیست که در قلمرو ما فرود آمده ؟ سید حسنی میگوید : بامن بیائید تا ببینم او کیست و چه می خواهد . بخدا قسم سید حسنی میداند که او مهدی است و او را می شناسد ، ولی برای این میگوید که با اصحابش بشناساند که او کیست .

سید حسنی بیرون می آید تا بمهدی میرسد و از وی می پرسد : اگر تو مهدی آل محمد هستی عصای جدت پیغمبر ﷺ و انگشتر و پیراغن و زرهش موسوم به «فاضل» و عمامه مبارکش بنام «سحاب» و اسبش «یربوع» و «غضباء» شترش و «دلدل» قاطرش و «یعفور» الاغ آن سرور و اسب اصلیش «براق» و قرآنی که امیر المؤمنین جمع آوری کرده کجاست؟ (۱)

مهدی ﷺ تمام اینها را بیرون آورده به سید حسنی نشان میدهد آنگاه عصای پیغمبر را گرفته و بسنگ سختی میزند ، فی الحال سنگ مانند درخت سبز میشود ؛ و شاخ و برگ در می آورد . مقصود سید حسنی اینست که بزرگواری مهدی ﷺ را باصحاب خود نشان دهد تا حاضر شوند با وی بیعت کنند . آنگاه سید حسنی عرض میکند : الله اکبر ! یا بن رسول الله ! دست مبارکت را بده تا با شما بیعت کنیم ، مهدی هم دستش را دراز کرده و حسنی نخست خود و سپس سایر لشکریانش با وی بیعت می کنند ، مگر چهل هزار نفر که قرآنها با خود دارند و معروف به «زیدیه»

(۱) در باره این قرآن در آینده سخن خواهیم گفت

می باشند که از بیعت کردن امتناع میورزند .

آنها می گویند این کار چیزی جز يك سحر بزرگ نیست و با این حرف دو لشکر بجان هم می افتند ، مهدی علیه السلام بطرف طائفه زیدیه آمده و سه روز آنها را موعظه می نماید و دعوت بآرامش و پذیرش خودش میکند ، ولی آنها بر سر کشی و کیفر خود میافزایند مهدی علیه السلام هم ناچار دستور قتل آنها را صادر نموده همه را از دم شمشیر میگذرانند . سپس مهدی علیه السلام با صاحب خود میگوید : قرآنهای آنها را نگیرید بگذارید تا باعث حسرت آنها گردد ؛ همانطور که آنها تبدیل کرده و تغییر دادند و مطابق آنچه در آن بود عمل نکردند (۱)

مفضل عرض کرد : آقا ! بعداً مهدی چه می کند ؟ فرمود : لشکری برای دستگیری سفیانی بدمشق میفرستد ؛ او را گرفته و روی سنگی سر می برند . آنگاه حسین علیه السلام بادوازده هزار صدیق و هفتاد و در تفری که در کربلا از یاران او بودند و با وی شهید شدند ، آشکار میشود . ای خوش آن رجعت نوری (۲) سپس صدیق اکبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ظهور میکند و خیمه ای که بر چهار پایه استوار باشد در نجف برای وی بر سر پا میکنند . يك پایه آن در نجف و پایه ای در حجر اسماعیل و پایه ای در صفا و پایه ای در زمین مدینه است .

گویا چراغهای آنها می بینم که مانند انوار مهر و ماه در آسمان وزمین میدرخشد . در آن موقع باطن هر کس آشکار میشود ، و زنان شیرده از وحشت بچه های خود رارها میکنند . آنگاه آقای بزرگ محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله با انصار و مهاجرین و آنها که با او ایمان آوردند ، و نبوت او را تصدیق کردند و در رکاب وی شهید شدند ، ظهور میکند .

(۱) می بینید در همین حدیث مفضل که فرقه بهائی هم قبول دارد؛ صحبت از وجود قرآن در عصر امام زمان (ع) است .

(۲) در اینجا از رجعت بعنوان رجعت نوری، سخن رفته است . برای توضیح بیشتر رجوع کنید به پاورقی مفصل مادر باب «رجعت»

با ظهور حضرتش کسانی که دعوت آنحضرت را تکذیب کردند و در باره پیغمبریش شك نمودند و اعتنا بگفتار وی نکردند و کسانی که گفتند او ساحر و کاهن و دیوانه است و از روی هوای نفس سخن میگوید و آنها که با وی جنگ کردند حاضر میکنند تا از روی حق و عدالت انتقام اعمالی را که از بعثت آنحضرت تا موقع ظهور مهدی باهر امامی و در هر وقتی از اوقات مرتکب شده اند از آنها بگیرد. اینست تاویل حقیقی آیه شریفه **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكَلِّمُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ (۱)**

مفضل عرض کرد: آقا فرعون و هامان در آنوقت کیستند؟ فرمود: اولی و دومی است. عرض کرد آقا آیا پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ باقائم خواهند بود؟ فرمود: آری و الله پیغمبر و علی ناگزیر میباید قدم روی زمین بگذارند آری بخدا آنها همه جاحتی به پشت کوه قاف و ظلمات و قعر دریاها هم میروند تا آنجا که جائی نمی ماند جز اینکه پیغمبر و علی علیهما السلام رفته و آثار واجب دین خدا را در آنجا برپا میدارند (۲)

ای مفضل! گویا می بینم که ما ائمه آنموقع جلو پیغمبر جمع شده و بان حضرت شکایت می کنیم که امت بعد از وی چه بروز ما آوردند، و می گوئیم امت ما را تکذیب کردند و بی اعتنائی و نفرین و لعنت و تهدید بقتل نمودند، و ایان ستمگر آنها ما را از وطن بیرون آورده بپایتخت خود بردند و جمعی از ما را با سم و حبس کشتند. در این وقت پیغمبر سخت گریه میکند و میفرماید ای فرزندان من! هر چه بشما رسید بیشتر بجد شمارسید.

داد خواهی حضرت زهرا (ع)

آنگاه فاطمه زهراء علیها السلام میآید و از ظلم اولی و دومی و غصب فدک

(۱) ترجمه این آیه در چند جا از جمله صفحه ۲۸۰ گذشت.

(۲) اگر وسائل کنونی تا امروز هم باشد و تکمیل شود، رفتن به تمام این اماکن و نقاط عادی

بنظر می رسد تا چه رسد که جنبه اعجاز داشته باشد.

ملك خود توسط آنها ، و رفتن بمیان مهاجرین و انصار و ایراد خطبه اش در خصوص غصب فدك ، و جوابی که خلیفه در رداو گفت که : پیغمبران ارث نمی گذارند ، و استدلال زهرا بگفته زکریا و یحیی و داستان داود و سلیمان و اینکه دومی باو گفت. آن طوماری را که پدرت برای تونوشت بمن نشان بده و او در آورد و نشان داد و او آنرا گرفته پیش روی قریش و مهاجرین و انصار و سایرین پاره کرد و گریستن زهرا (ع) و بر گشتن بطرف قبر پدرش رسول خدا ﷺ در حالیکه میگریست و محزون بود و بخداوند و پدرش پیغمبر ﷺ پناه آورده و باشعار رقیه دختر صغری تمثیل جست شکایت میکند که گفت :

لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ يَكْبِرِ الْخَطْبُ	قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَ هَيْبَةٌ
وَ اخْتَلَّ أَهْلُكَ فَأَشْهَدُهُمْ فَقَدْ لَعَبُوا	إِن شَاقَّةً دَنَاكَ فَقَدْ الْأَرْضُ وَ آبَايَا
لَمَّا نَأَيْتُ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْحُجُبُ	أَبَدْتُمْ رِجَالٌ لَنَا فَحَوَى صُدُورَهُمْ
عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَدْنَى مُقْتَرَبُ	لِكُلِّ قَوْمٍ لَهُمْ قُرْبٌ وَ مَنْزِلَةٌ
أَمَلُوا وَ أَنْاسُ فَنَازُوا بِالَّذِي طَلَبُوا	يَأَلَيْتُ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ حَلًّا بِنَا

سپس داستان اولی را نقل میکند که چگونه خالد بن ولید وقتقد و عمر بن الخطاب و جمعی را فرستاد تا امیر المؤمنین را از خانه خود برای بیعت گرفتن درستیغه بنی ساعده ببرند ، و امیر المؤمنین بعد از آنحضرت مشغول جمع آوری قرآن گردید ، و قرض حضرتش را که هشتاد هزار درهم بود ، با فروش دارائی خود، همه آنها را پرداخت .

و هم نقل میکند که چگونه عمر گفت یا علی بیرون بیا و در آنچه مسلمانان شرکت کرده اند تو نیز شرکت کن و گرنه گردنت را می زنیم ، فضا گفت : امیر المؤمنین مشغول کاری است که اگر انصاف داشته باشید ، خواهید دانست که او از آمدن معذور است ، ولی آنها گوش نگرفتند و هیزم آوردند تا درب خانه ای را که امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین و زینب و ام کلثوم و فضا در آن بودند آتش بزنند ، و بالاخره ، آن در راهم آتش زدند . فاطمه آمد پشت دروازه مانجا صدا زد : ای عمر و ای

بر تو چگونه بر خدا و پیغمبر جسارت ورزیدی که با اینکار میخواهی نسل پیغمبر را از روی زمین براندازی و او را از میان ببری و نور خدا را خاموش کنی، با اینکه خدا نمیگذارد که نورش خاموش شود.

عمر گفت: ای فاطمه! فعلا نه محمد حاضر است و نه فرشتگان از جانب خدا برای امر و نهی و ترساندن میآیند، و علی هم مانند یکتگر از مسلمین است، اگر میخواهی بگو بیرون بیاید و با ابوبکر بیعت کند و گرنه همه شما را آتش میزنم فاطمه در حالیکه میگریست گفت: پروردگارا! شکایت فقدان پیغمبر و رسول بر گزیده‌ات و ارتداد امت و ممانعتی را که از رسیدن حقی که تو در کتاب خود برای ما قرار داده‌ای بعمل آوردند، بتومیکنم.

عمر گفت: ای فاطمه این حرفهای زنانه را کنار بگذار. خدا نبوت و خلافت را یکجا برای شما جمع نمیکند. سپس هیزم را آتش زد و قنفذ ملعون دستش را داخل نمود تا در را بگشاید، و عمر با تازیانه به بازوی فاطمه (ع) زد بطوریکه بازویش همچون بازو بند سیاهی ورم کرد، و طوری با پا بدرنیم سوخته زد که بشکم دختر پیغمبر خورد و او که حامله بود محسن ششماهه خود را سقط کرد (۱)

عمر و قنفذ و خالد بن ولید هجوم آوردند بدرون خانه. فاطمه با صدای بلند گریه میکرد و میگفت: ای پدر! ای پیغمبر خدا! دخترت را دروغگو میدانند و میزنند! و بچه‌اش را کشتند!! سپس امیر المؤمنین در حالیکه چشمش از شدت غضب سرخ شده بود از داخل خانه بیرون آمد و عبایش را در آورد و روی فاطمه کدش کرده بود انداخت و او را بسینه چسباند.

و بوی گفت: ای دختر پیغمبر خدا! میدانی که خداوند پدر بزرگوارت را برای هدایت جهانیان برانگیخت. مبادا مقنعه خود را از سر برداری و نفرین کنی! ای فاطمه بخدا قسم اگر چنین کنی یکتگر در روی زمین نمیماند که بگوید محمد و

(۱) برای اطلاع از چگونگی امر رجوع کنید بکتاب القدر تا به ببینید که

موضوع سوزاندن در خانه دختر پیغمبر (ص) در کتب معتبر اهل تسنن هم آمده است.

موسی و عیسی و ابراهیم و نوح و آدم پیغمبر خداست هر جنبنده‌ای که در روی زمین است و هر پرنده‌ای که در آسمان است خداوند آنرا نابود میکند .

آنگاه بعمر گفت : ای پسر خطاب وای بر تواز این کار که امروز نمودی و از عواقب آن . از خانه من بیرون برو پیش از آنکه شمشیرم را بکشم و امت جفاجوی را بکشم عمر هم با خالد بن ولید و قنفذ و عبدالرحمن بن ابی بیرون رفتند .

امیر مؤمنان فضا را صدا زد و فرمود : ای فضا بانوی خود زهرا را در یاب که دچار درد زائیدن شده است . چون فضا بکار آن مخدره پرداخت . بچه‌ای که پیش از ولادت نام او را محسن گذاشته بودند سقط گردید! امیر المؤمنین فرمود : این بچه بنزد جدش رسول خدا میرود و بوی شکایت می کند .

امیر المؤمنین در تاریکی شب زهرا را برداشته با اتفاق حسن و حسین و زینب و ام کلثوم بدر خانه مهاجر و انصار میرفت ، و آنها را بیاد خدا و پیغمبر و بیعت و پیمانی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود در چهار جا برای وی گرفت و در هر مورد مسلمانان او را امیر المؤمنین (ع) دانستند می‌آورد و همه وعده میدادند که فردای آن شب بیازی وی قیام کنند ولی چون صبح میشد هیچکس حرکتی از خود نشان نمیداد .

داد خواهی امیر المؤمنین (ع)

سپس امیر المؤمنین علیه السلام محنتهای عظیمی را که بعد از پیغمبر ر دید و با آن امتحان خود را داد ، بآنحضرت شکایت می کند . میگوید : یا رسول الله داستان من مانند داستان هارون است و من بشما همان را میگویم که هارون بموسی گفت :
يَا بْنَ اُمَّ اِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَ كَادُوْا يَقْتُلُوْنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيْ الْاَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ (۱) یعنی : فرزند مادرم مردم مرا تنها گذاشتند و نزدیک بود مرا بکشند پس تو کاری نکن که دشمن بمن سر زنش کند ، و مرا با مردم ظالم

قرار داده من هم صبر کردم و تسلیم حوادث شدم و راضی برضای خدا گشتم و با مخالفتی که بامن نمودند و نقض عهد خود که با آنها درباره من معاهده نمودی، حجت بر آنها تمام گشت.

یا رسول الله! من متحمل رنجها و گرفتاریهای شدم که هیچ جانشین پیغمبری در هیچ امتی متحمل نگشت، تا جائیکه با ضربت عبدالرحمن بن ملجم مرا بقتل رساندند، و خداوند شاهد بچگونگی نقض بیعت من است.

طلحه و زبیر عایشه را به بهانه ادای مراسم حج و عمره بمکه بردند ولی او را گردش داده به بصره آوردند. من هم ناچار برای جلوگیری از بلوای آنها بسیج کردم و خدا و شما را بیاد آنها آوردم، ولی آنها بر نگشتند تا اینکه خداوند مرا بر آنها پیروز گردانید و خون بیست هزار نفر از مسلمانان ریخته و هفتاد دست که میخواست مهارشتر عایشه را نگهدارد بریده شد.

یا رسول الله: آنچه در جنگهای شما و جنگهای بعد از شما دیدم از جنگ جمل بر من دشوارتر نبود (۱) زیرا آن جنگ از سخت ترین و هول انگیزترین و بزرگترین جنگهای بود که من دیدم. همانطور که مرا بار آوردی و باین آیه:

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرْنَا وَلَوْ الْعَزْمُ مِنَ الرَّسُولِ : وَايَةُ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ مِنْ نِيزِ صَبْرِ كَرْدَم .

یا رسول الله: بخدا قسم تاویل این آیه **وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (۱)** واقعاً بعد از شما تحقق یافت که خدا میفرماید: محمد هم پیغمبری است که پیش از او هم پیغمبران بودند آ! اگر او مرد یا کشته شد شما بطریقه (جاهلیت سابق) خود باز می گردید؟ (این را بدانید که) هر کس

(۱) صدق ولی الله الاعظم والصدیق الاکبر علیه وعلی ابن عمه المصطفی واولاده الطاهرین

الاف التحية والثناء

(۱) سورة آل عمران آیه ۱۴۴

(بعد از پذیرفتن اسلام) بطریقه سابق خود برگردد ، هیچگونه ضرری نمیتواند بخدا برساند .

داد خواهی حضرت امام حسن (ع)

ای مفضل ! آنکاه حسن رضی الله عنه برخاسته و خطاب به پیغمبر می گوید : ای جد بزرگوار! من هنگام آمدن پدرم امیرالمؤمنین بکوفه باحضرتش بودم تا اینکه بضربت عبدالرحمن بن ماجم ملعون شهید شد . همانطور که شما باو وصیت کرده بودید پدرم نیز بمن وصیت فرمود . چون معاویه ملعون از شهادت پدرم مطلع شد ، زیادزنازاده را بادویست و پنجاه هزار سر باز بکوفه فرستاد و بوی دستور داد که من و برادرم حسین و سایر برادران و بستگان و شیعیان و دوستان مرا گرفتار سازد و از ما برای معاویه بیعت بگیرد .

هر کدام از ما حاضر نشدند گردنش رازدند ، و سراورا برای معاویه فرستادند چون من این را دیدم از خانه بیرون آمدم ، بمسجد جامع کوفه رفتم تا نماز بگزارم . بعد از نماز بمنبر رفتم و بعد از حمد و ثنای الهی گفتم : ای مردم ! اوضاع دنیا عوض شده و آثار دین از بین رفته ، و برد بازی کم شده امروز دیگر از تحریکات شیطانی و حکم خائین کسی آسایش ندارد .

بخدا قسم دایلهای محکمی برای آنها آورده شد ، و علائم زیادی برایشان روشن گردید ، و مشکلاتشان آشکار گشت ، و هر لحظه منتظر بودیم که تأویل این آیه : « و ماه حمدا لارسل قدخلت ... » تحقق یابد . ای مردم ! بخدا قسم جدم رحلت کرد و پدرم شهید شد و سواس خناس در دلهای مردم تخم و سوسه پاشید و فتنه جویان برای ایجاد فتنه عربده ها کشیدند و برخلاف سنت رفتار کردند .

ای وای بر آن فتنه کرو کور که صدای کسانی که مردم را براه راست میخوانند و برای پذیرش حق و حقیقت سلامیزنند ، شنیده نمیشود . در آن فتنه است که سخن نفاق آمیز آشکار می گردد و باطن تفرقه اندازان معلوم میشود و دولشکر خارجی شام و

عراق بجان هم میافتند. خدا شمارا رحمت کند بشتابید بسوی گشایش و نور آشکارو پرچم بزرگ و چراغی که هیچگاه خاموش نمیشود و حقی که مخفی نمی گردد. ای مردم! از خواب غفلت بیدار شوید و از تاریکی گمراهی که شما را احاطه کرده بدرائید. بخدائی که دانه را شکافت و انسان را آفرید و ردای عظمت پوشانید، قسم یاد میکنم جمعی از شما که دارای دلپائی صاف و نیتپائی خالص باشند، بدون اینکه آمیخته بتفاق و قصد افتراق باشند برخاسته بامن بیعت کنید، تامن بتوانم باشمشیر قیام کنم و اطراف کار را بر دشمن تنگ بگیرم و با نیزه ها و سمهای اسب لشکر آنها را از میان برارم، ای مردم! خدا شمارا رحمت کند سخن بگوئید و بمن جواب بدهید!

یا رسول الله! مثل اینکه مهر سکوت بدهان آنها زده بودند، زیرا جز بیست نفر کسی دیگر بمن جواب نداد! آنها برخاستند و گفتند: ای پسر پیغمبر! ما با شمشیرهای خود تا پای جان برای نصرت تو ایستاده ایم. فرمانبردار توئیم و هر کاری بکنی ته دیق میکنیم، هر امری داری بفرما.

من بچپ و راست خود نگاه کردم دیدم جز آن بیست نفر کسی دیگر نمانده است. در آن هنگام پیش خود گفتم: من هم از جدم پیروی میکنم. چه او وقتی سی و نه نفر معتقد داشت در پنهانی خدا را پرستش نمود. چون خداوند او را بسن چهل سالگی رسانید با جماعت بیشتر امر خدا را آشکار کرد. اگر آن عده بامن بودند بهترین وجه در راه خدا جهاد میکردم، آنگاه سر بآسمان برداشتم و عرض کردم: خداوندا! من مردم را به راه راست دعوت کردم و از عذاب تو ترساندم و امر و نهی کردم، ولی آنها پاسخ مثبت بمن ندادند و از یاری من سر باز زدند، آنها از اجابت دعوت داعی حق غافل بودند و از یاری وی خودداری کردند و در پیروی از او تقصیر نمودند و بکمک دشمنان او رفتند.

پروردگارا! عذاب و بلای خود را که برستمگران همیشه میفرستی بر اینان نیز فرو فرست. این را گفتم و از منبر بزیر آمدم و از کوفه کوچ کرده رهسپار مدینه

شدم ادر کوفه دسته‌دسته مردم (خون مرده) می‌آمدند و میگفتند : معاویه دسته‌دسته سپاه خود را بشهر انبار و کوفه گسیل داشته و آنها هم دست بغارت و قتل مردم و زنان و اطفال آنها زدند ؛ من هم بآنها فهماندم که وفا ندارند ، لشکری فراهم آوردم ، و بآنها گفتم که شما بطرف معاویه خواهید رفت و پیمان و بیعت خود را با من میشکنید ، و همانطور هم که گفته بودم ، تحقق پذیرفت .

دادخواهی حضرت امام حسین (ع)

آنگاه امام حسین علیه السلام با بدنی آغشته بخون ، خود و یارانش که باوی کشته شدند ، در جلو پیغمبر میایستد . چون پیغمبر او را مینگرد زار زار میگرید . از گریه او اهل آسمان و زمین نیز گریه میکنند . فاطمه زهراء (ع) هم ناله جانکاه ازدل پرالم بر میآورد . از ناله و شیون و گریه وزاری آنحضرت زمین و اهل زمین متزلزل می‌گردند .

سپس امیر المؤمنین و امام حسن در سمت راست پیغمبر و فاطمه زهرا در سمت چپ آنحضرت قرار میگیرند . پیغمبر او را در آغوش می‌گیرد و می‌گوید : یا حسین فدایت کردم ؛ دید گانت روشن باد و دیدگان من هم روشن باشد سپس حمزه سید الشهداء عموی پیغمبر در سمت راست آنحضرت میایستد و در سمت چپ جعفر بن ابیطالب (طیار) قرار میگیرد . ناگاه خدیجه کبری و فاطمه دختر اسد (مادر امیر المؤمنین) محسن سقط شده فاطمه زهراء را بدست گرفته ناله کنان بنزد پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌آیند و مادرش فاطمه علیها السلام این آیه قرآن را میخواند : هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ، يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَّمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا (۱) یعنی : اینست آنروزی که بشما وعده شده بود . امروز هر کس کار نیکی کرده یا عمل بدی نموده ، کرده خود را خواهد یافت ، امروز هر کس آرزو میکند که کاش میان او و عمل بدش زمان متمادی فاصله بود .

گفتار حضرت صادق (ع)

مفضل گفت : در این وقت حضرت صادق علیه السلام چنان گریست که محاسن مبارکش از سیلاب اشک ترشد ! سپس فرمود : روشن مباد چشمی که با این گفته نگرید !! مفضل هم بسیار گریست و آنگاه عرض کرد : آقا این گریه چقدر ثواب دارد ؟ فرمود : وقتی از روی حقیقت باشد ، بشماره نمی آید !

سپس مفضل عرض کرد : آقا چه میفرمائید در باره این آیه : **وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ** (۱) یعنی : روز قیامت از کسیکه بنخاک سپرده شده سؤال میشود بچه جرمی کشته شده است؟ فرمود : ای مفضل بخدا قسم این «موؤوده» و بنخاک سپرده شده ، محسن بچه فاطمه (ع) است . زیرا مقصود از این آیه مائیم و هر کس جز این بگوید او را تکذیب کنید .

مفضل عرض کرد : آقا آنگاه چه میشود ؟ فرمود : فاطمه زهراء بر خاسته و عرض میکند : خدایا ! آن روزی که بمن وعده فرمودی از کسانی که بمن ظلم کرده اند و حق مرا غصب نمودند و مرا زدند و اولاد مرا بگریه آوردند ، انتقام بگیر ! بوعده خود وفا کن . در این وقت فرشتگان هفت آسمان و حاملین عرش الهی و ساکنان هوا و اهل دنیا و آنها که در زیر طبقات زمین هستند ، باناله و فریاد میگریزند و بخدا شکایت میکنند .

در آن روز تمام قاتلان و ظالمان بما و آنها که از آنچه بر سر ما آمده ، راضی بودند هزار بار بقتل میرسند ، نه مثل کشته شدن آنها که در راه خدا شهید میشوند زیرا شهیدان در حقیقت نمی میرند چنانکه خدا فرمود : **وَلَا تَحْزَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ** فرحین بما آتاهم الله من فضله **وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ** (۲) یعنی : گمان مکن آنها که در راه خدا کشته شدند مرده اند . نه ! آنها زنده و

در نزد خدایشان روزی میبرند ، آنها از آنچه خداوند از فضل خودش بآنان روزی داشته است خوشحالند ، وهم از آنانکه هنوز بآنها ملحق نشده و از پشت سر آنها میآیند، مسرورند و شادند ، که ترسی بر آنها نیست و آنها غمگین نمیباشند .

مفضل عرض کرد : آقا! بعضی از شیعیان شما عقیده بر جعت شما ندارند فرمود :

آیا آنها سخن جدی پیغمبر خدا و گفته ما ائمه را نشنیده اند که میگوئیم :

وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱) یعنی :

بجای عذاب بزرگتر ، عذاب نزدیکتر بآنها می چشانیم تا شاید برگردند. ای مفضل

عذاب نزدیکتر رجعت آل محمد و عذاب بزرگتر عذاب روز قیامت است که خدا

میفرماید : **يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۲)**

یعنی : قیامت روزی است که اوضاع زمین و آسمان مادگرگون میگردد وهمه در

پیشگاه خداوند حاضر میشوند .

شناسائی ائمه طاهرین از زبان قرآن

مفضل گفت : آقا! ما میدانیم که شما برگزیده خدا هستید بدلیل اینکه خداوند

میفرماید : **نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّنْ نَّشَاءُ** و این آیه : **اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ** و این آیه

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا

(۱) سوره سجده آیه ۲۱

(۲) ، ، ابراهیم ، ۱۴۹ میرزا حسینعلی بهاء دره ایقان، و به پیروی او گلپایگانی

در فرائد این آیه و آیه شریفه اذا السماء انفطرت را که بمقتده تمام مذاهب اسلامی و سیاق خود

آیه شریفه مربوط بروز قیامت و عالم آخرت است ؛ تاویل بظهور باب و بهاء کرده اند ؛

میرزا بهاء قیامت را موهوم میدانند، و میگویند و اذا قام القائم قامت القيامة، بنابراین روزی

که سر و کله علی محمد باب پیدا شد ، قیامت هم بر پاشد ؛ ؛ دیگر نه حسابی و نه کتابی

و نه جزائی فقط ظهور جناب بهاء میماند که آنها حریت و آزادی مطلق برای اهل بهاء و جمیع

دنیاست . هر کس هر کاری کرد کسی را با کسی کاری نباشد .

مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱) ترجمه آیات به ترتیب اینست : مقام هر کس را بخواهیم بالامی بریم . خداوند بهتر میداند رسالت خود را در کجا قرار دهد خداوند آدم و نوح و اولاد ابراهیم و فرزندان عمران را بر جهانیان برگزید . آنها از يك نسل هستند ، بعضی از بعضی دیگر ، و خداوند شنوا و داناست .

حضرت فرمود : ای مفضل مادر این آیه کجا ذکر شده ایم ؟ عرض کرد : بخدا قسم اینکه خدا میفرماید : **إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ** (۲) یعنی : نزدیکترین مردم با ابراهیم کسانی هستند که از وی پیروی کردند ، و این پیغمبر (محمد) و آنها که بوی ایمان آوردند و خدا ولی مؤمنین است و این آیه : **مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ مَشَاكُمُ الْمُسْلِمِينَ** (۳) دین پدرتان ابراهیم است ، خداوند شما را مسلمان نامید ، و این آیه **دَوَّاجِبُنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ** (۴) یعنی : ابراهیم گفت خدا یا مرا و فرزندانم را از پرستش بنهار حذر بدار ، شما هستید .

و میدانیم که پیغمبر و امیر المؤمنین علیهما السلام نه بت و نه صنمی را پرستش نکردند و باندازه يك چشم بهم زدن بخدا شرك نیاوردند و این آیه **وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ** (۵)

عهدی که در این آیه ذکر شده منصب امامت است که بظالمین نمیرسد حضرت فرمود : ای مفضل از کجا دانستی که ظالم بعهد خدا و منصب امامت نمیرسد ؟ عرض کرد : آقا مرا بچیزی که طاقت آن ندارم امتحان فرمائید زیرا آنچه تا کنون آموختم از علم شما بوده ، و از فضیلتی که خدا بشما عطا فرموده استفاده کرده ام

(۲) > آل عمران - ۶۱

(۱) - سوره آل عمران آیه ۳۰

(۳) > حج - ۷۷

(۴) > ابراهیم - ۳۸

حضرت فرمود: ای مفضل! راست گفتی اگر اعتراف به نعمت خداوند که بتوروزی نموده نمی کردی، چنین نبودی ای مفضل: آیا میدانی کدام آیات قرآن است که کافر را ظالم دانسته؟ عرض کرد: آری این آیه است **الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ** کسیکه کافر و فاسق و ظالم باشد، خدا او را پیشوای مردم قرار نمیدهد.

حضرت فرمود: احسنت ای مفضل! رجعت ما را از کجا دانستی اینکه مقصران از شیعیان ما میگویند: معنی رجعت اینست که خداوند سلطنت دنیا را بما برمیگرداند و آنرا برای مهدی مقرر می دهد. وای بر آن شیعیان قاصر که چنین گمان کرده اند که خدا سلطنت را از ما گرفت تا آنرا بما برگرداند؟!

مفضل گفت: نه بخدا سلطنت خدائی از شما سلب نگردیده و سلب نخواهد شد. زیرا آن سلطنت، سلطنت نبوت و پیغمبری و جانشینی پیغمبر و منصب امامت است. **حضرت فرمود:** اگر آنها در قرآن مجید تدبر میکردند؛ فضل و مقام ما را بخوبی می دانستند آیا آنها نشنیدند که خداوند عزوجل میفرماید: **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً (۱)**.

ای مفضل! بخدا قسم! این آیه درباره بنی اسرائیل نازل شده ولی تاویل آن درباره ماست، و این فرعون و هامان همان تیم و عدی (یعنی اولی و دومی) است.

داوخی اهی سائر ائمه (ع) و مهدی آل محمد

آنگاه جدم علی بن الحسین و پدرم امام محمد باقر علیه السلام بر خاسته و آنچه را از امت جفا کار دیده اند بجد بزرگوارشان رسول خدا شکایت میکنند. سپس من بر میخیزم و از ظلم منصور خلیفه عباسی شکایت میکنم، بعد از من فرزندم موسی بن جعفر از هارون و بعد از او علی بن موسی از مأمون و بعد از وی فرزندش محمد بن علی از معتصم و بعد از وی فرزندش علی بن محمد از متوکل و بعد از وی فرزندش حسن بن علی از ظلم

(۱) ترجمه و شرح این آیه مکرر گذشت

«معتز» شکایت میکنند .

آنگاه مهدی همانا جدم رسول خدا در حالیکه پیراهن آن حضرت را که آغشته بخون پیشانی و دندان پاکش میباشد پوشیده ، و فرشتگان اطراف او را گرفته اند ، آمده و جلو پیغمبر میایستد ، و میگوید : ای جد بزرگوار ، شما مرا باوصافی معرفی فرمودی که مردم مرا از روی آن اوصاف بشناسند. و نام و نسب و کنیه ام را ذکر فرمودی. مع هذا امت منکر وجود من شدند و متمرّد گشتند و گفتند : مهدی متولد نشده و اصلا نبوده . اگر هست کجاست و کی می آید ؟ پدرش مرده و اولاد نداشته است و اگر او موجود و سالم میبود خدا آمدن او را تا این موقع بتأخیر نمی انداخت ، من هم تا کنون صبر کردم و اینک بفرمان الهی ظاهر گشتم .

پیغمبر میفرماید : خدا را شکر میکنیم که وعده خود را در باره ما عملی ساخت ، و ما را وارث زمین گردانید ، و در بهشت هر جا بخواهیم مسکن میکنیم ، چه خوب است پاداش عمل کنندگان و هم میفرماید : «موقع نصرت و پیروزی خدا فرا رسید . و آیه هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۱)» امروز مصداق پیدا کرد ، و تأویل شد . سپس این آیه را میخواند **إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا (۳)**

(۱) رجوع کنید به صفحه ۶

(۲) سوره فتح آیه ۱ - ۳ در حقیقت فتح مبین در این آیه و غلبه دین حق که بنسب این آیه همان دین مقدس اسلام است یکی از بهترین شواهد ما برای ظهور امام مهدی موعود جهان و قیام آل محمد (ص) است . زیرا چنین فتح مبین و پیروزی آشکار که تمام گناهان گذشته و آینده امت پیغمبر بخشیده شود ، و همه براه راست بروند ، و غلبه کامل پیدا کنند ، و دین آنها تمام ادیان باطله را منکوب کند ؛ هنوز تحقق پیدا نکرده . و این درست در زمان قیام مهدی موعود (ع) عملی است که شیطان بقتل میرسد ، و عدل مهدی جهان را پر میکند و دینی جز دین مقدس اسلام نمی ماند .

یعنی : مافتحی آشکار برای تو نمودیم . تا خداوند گناهان گذشته و آینده تورا به بخشد ، و نعمت خود را درباره تو تمام کند و تورا براه راست هدایت نماید و خداوند تورا پیروز مند گرداند .

مفضل عرض کرد : آقا ؛ پیغمبر چه گناهی کرده بود ؟ (که خدا میفرماید : گناهان گذشته و آینده تورا به بخشد) فرمودند : ای مفضل پیغمبر عرض کرد : خدایا گناهان گذشته و آینده شیعیان بر ادرم (علی بن ابیطالب) و اولادم که جانشینان منند تا روز قیامت بمن واگذار کن . و مرا میان پیغمبران و انبیاء از کرده پیروانم رسوا مگردان . خداهم گناهان آنها را واگذار به پیغمبر کرد و همه آنان را بخشید . مفضل میگوید : در این وقت من سخت گریستم ، و عرض کردم : آقا ، این از موهبت خداوند است که به برکت وجود شما به ما رسیده است .

حضرت فرمود : ای مفضل ! شیعیانی که پیغمبر گناهان آنها را بگردن گرفت تو و امثال تو هستی . ای مفضل این حدیث را برای بعضی از شیعیان ما که در امر دین لا ابالی هستند مگو . زیرا با اعتماد این فضیلت ، عمل با حکام دین را ترک می گویند و در نتیجه از رحمت الهی محروم میگردند . خداوند درباره آنها فرمود :

لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ عَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ (۱) یعنی : اهلبیت پیغمبر شفاعت نمیکنند مگر برای کسانی که خدا آنها را دوست بدارد ، و آنها نیز از خوف و خشیت الهی سرورند .

مفضل گفت : آقا ! پیغمبر در موقع برانگیخته شدنش بر تمام ادیان باطله غلبه نیافت (پس چگونه خداوند میفرماید : او هنگام رجعت بر تمام ادیان غلبه می یابد؟) فرمود : ای مفضل اگر پیغمبر بعد از بعثتش بر تمام ادیان غالب شده بود ، دیگر نه مجوسی و نه یهودی و نه صابئیان و نه نصرانی و هیچ تفرقه و اختلاف و شك و شرك و بت پرستی و اوثنان و لات و عزی و پرستش آفتاب و ماه و ستارگان آتش سنگ بود ، پس لیظهره علی الدین كله تاویلش امروز است . اینک این مهدی و این هم

رجعت است که خداوند میفرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ» یعنی: بیدینان را بکشید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و تمام دین از آن خدا باشد. مفضل گفت: گواهی میدهم که از علم خداوند استفاده کرده‌اید و با قدرت و اقتدار او توانا گشته‌اید و با حکم او تکلم میکنید و بامر او عمل مینمائید.

مهدی موعود جهان در کوفه مقرر خود

سپس حضرت فرمود: مهدی بکوفه بر میگردد و آسمان ملخهای طلائی بر آنها میبارد، همان طور که خداوند در بنی اسرائیل برای یوب پیغمبر نیز فرود آورد و یقسم علی اصحابه کنوز الارض تبرها ولجینها و جوهرها گنجهای طلا و نقره و گوهر زمین را بیارانش تقسیم می‌کند (۱)

(۱) در روایات شیعه و سنی چه در این کتاب و چه در کتابهای دیگر، این معانی با این الفاظ

آمده است که «وَتَخْرِجُ الْأَرْضَ كُنُوزَهَا يَا وَتَخْرِجُ الْأَرْضَ أَفْلَاحًا كَبِدَهَا» یعنی: زمین گنجهای خود را بیرون میدهد یا زمین پاره‌های جگر خود را در زمان دولت قائم (ع) بیرون میدهد. چنانکه مکرر گذشت در اینجا نیز بصورت روشنتری آمده است.

این موضوع بضمیمه قرائن و شواهد دیگر؛ میرساند که حضرت ولی عصر (ع) در زمان خود معادن کشف نشده را، استخراج می‌کند و چنانکه اصحاب خود را بکار و فعالیت و عمران و آبادی جهان وامیدارد، که همه مرفه و ثروتمند و سالم و با نشاط در کمال عدل و آزادی زندگی می‌کنند.

گنج زمین، یا پاره‌های جگر زمین چیزی جز معادن گوناگون که خداوند عالم در دل زمین برای بهره‌برداری بندگانش بودیمت نهاده است نیست.

ملخهای طلائی کنایه از باران پربرکت و بموقع است که زمینها را از رخیز می‌کند، و انواع گیاهان در تمام نقاط سطح زمین را می‌پوشاند و از آسمان و زمین برکت بحد و فور در دسترس مسلمانان قرار می‌گیرد.

مفضل گفت : اگر یکی از شیعیان بمیرد و قرضی از برادران دینی یا بیدینان در گردن داشته باشد، چه می شود ؟ فرمود : کاری که مهدی می کند اینست که در تمام دنیا اعلام میکند : هر کس طلبی از یکی از شیعیان داشته باشد ، بیاید و بگوید . حتی اگر سیر یا خشخاش هم در گردن یکی از شیعیان باشد ، مهدی آنرا بصاحبش رد می کند ، تاچه رسد جواهرات گرانبهای طلا و نقره و املاک .

مفضل عرض کرد : آقا! آنگاه چه می شود ؟ فرمود : مهدی بعد از گردش در شرق و غرب بکوفه می آید و وارد مسجد کوفه می شود ، و مسجدی را که یزید بن معاویه بعد از شهادت امام حسین علیه السلام بنا کرده خراب می کند ، همچنین هر مسجدی را که برای خدا ساخته نشده ویران می سازد . خدا لعنت کند بانی آنرا (۱) .

عرض کرد : آقا ! مدت سلطنت مهدی چند سال است ؟ فرمود : خدا می فرماید :

(۱) در صفحه ۱۲۱ گفتم مسجد یا مساجدی که امام زمان (ع) دستور میدهد ویران میکنند ، شاید مساجدی باشد که بعد از شهادت امام حسین ، جنایتکاران بنی امیه بشکرانه کشتن آنحضرت ساختند ، هر چند امروز اثری از آن نیست ولی بعید بنظر نمی رسد که چون در آخر الزمان بار دیگر دولت بنی امیه روی کاره بیاید، آن مساجد را هم تجدید بنا کنند ؛ در اینجا حضرت صادق (ع) صریحاً می فرماید مساجدی را که یزید ساخته است ؛ ویران میکند ؛ این دلیل روشنی بر صدق حدس است .

به علاوه اگر در بعضی روایات گذشت یا در سایر منابع وجود دارد ؛ که مهدی موعود شیعه ، هنگام ظهور مساجد و بعضی از اماکن دینی و غیر دینی را خراب میکند ، بی جهت نیست و چنانکه در بعضی از روایات گذشته بود (صفحه ۱۱۳۸) یا بر خلاف شرع یا بمنظور مبارزه با اسلام ساخته شده ، و یا در ملک مردم و غصب ، و قبله آن منحرف بوده و مردم اطلاع نداشته اند . ولی آن امام عالی مقام که از باطن هر چیزی مطلع و از طرف خداوند ملهم میشود ، آنرا ویران می سازد ، یا بر اساس صحیح و مشروع تجدید بنا می کند مانند مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه که در صفحه ۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۳۱ گذشت و در صفحات ۱۱۳۴-۱۱۱۶-۱۱۱۷ گذشت که آنحضرت در اطراف کوفه چهار مسجد می سازد، و یک مسجد بزرگ بنا میکند .

فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ . فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَمِنَ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زُفِيرٌ وَشَهيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ . وَأَمَّا الَّذِينَ سُعدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُوذٍ (۱)

یعنی : روز قیامت مردم دودسته می شوند : یکدسته شقی و یکدسته سعید . آنها که شقی هستند در آتش (جهنم) میباشند و در آن آتش ناله و فریاد می کنند و تا آسمانها و زمین برقرار است ، در آنجا میمانند ، مگر اینکه خداوند بخواهد آنها را از آتش درآورد ، و خدای توهر کاری بخواهد میکند .

و آنها که سعادتمند هستند ، در بهشت جای دارند و در آنجا همیشه میمانند تا گاهی که آسمانها و زمین برقرار است . مگر اینکه خداوند بخواهد (از بهشت بیرون روند ، که البته بیرون میروند) . این عطای دائمی خداوند است ، و بعد از آن روز رستخیز فرامیرسد . «والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد النبی و آله الطیبین الطاهرین و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً» .

مؤلف : شیخ حسن بن سلیمان در کتاب «منتخب البصائر» روایت مزبور را اینطور ذکر کرده است : حدیث کرد برای من برادر رشید محمد بن ابراهیم بن محسن طار آبادی و گفت : که وی بخط پدرش ابراهیم بن محسن که مردی صالح بوده این حدیث را یافته است و او آن خط و نوشته را بمن نشان داد .

گفتاری از علامه مجلسی

در پیرامون حدیث مفضل بن عمر

مؤلف : بدانکه تاریخ ولادت مهدی علیه السلام که در این روایت ذکر شده با آنچه سابقاً گذشت (۲) مخالفت دارد دیگر اینکه مشهور اینست که شهر سامره را

(۱) و ۱۰۷ هود آیه ۱۰۷ - ۱۱۱

(۲) در پاورقی صفحه ۲۱۷ گفتیم که مشهور میان دانشمندان شیعه اینست که آنحضرت =

معنم عباسی ساخت . شاید متوکل بنای آنرا تمام کرده ، و بنام او معروف گشته است . فیروز آبادی در « قاموس » مینویسد : « سرمن رأی » که نام شهر سامره است ، یعنی هر کس آنرا دید مسرور شد . و علت این نام آن بود که وقتی معنم شروع بنای آن شهر کرد ، بر لشکروی دشوار آمد ، ولی وقتی منتقل بآنجا شد ، هر کس از سپاه او آنجا را دیده مسرور گشت لذا آن شهر را « سرمن رأی » و به تخفیف « سامره » خواندند . و اینکه مفضل پرسید : « آیا حسین بر خلاف سنت قائم عمل میکند » شاید معنی آن این باشد که (با تعجب می پرسد) چطور میشود حسین بر خلاف سنت قائم ، پیش از ظهور او رجعت می کند ؟ حضرت جواب داد که رجعت امام حسین بعد از قیام قائم است . زیرا پیش از قیام قائم هر بدعتی ضلالت بزرگ و گمراهی است .

و اینکه : امام زمان علیه السلام میفرماید : ... « بدانند که من آدم و نوح و ابراهیم . . . هستم ، یعنی علم و فضل و اخلاق آنها را که بخاطر آن شما از آنها پیروی میکردید ، و آنها را میداشتید ، من نیز همان علم و فضل و اخلاق را دارم .

و اینکه : فرمود : امام زمان تمام گناهان آینده مردم را بگردن دو خلیفه میاندازد ، علت آن روشن است . زیرا آنها امیر المؤمنین علیه السلام را از حق خودش منع کردند و از خلافتش دفع نمودند و این دو سبب شد که سایر امامان نیز کنار زده شوند و در صحنه اجتماع مغلوب گردند . و بعکس خلفای ظالم بر سر کار آیند و تا زمان ظهور قائم بر مردم چیره شوند ، و این جنایت و ظلم منشأ و علت کافر شدن هر کافری و گمراهی هر گمراهی و فسق هر فاسقی گردید .

زیرا اگر امام بخلافت می رسید بواسطه قدرت و اقتدارش و استیلاء و بسط پیدی که داشت میتوانست از هر گونه کفر و گمراهی و فسق و مناسد جلوگیری بعمل آورد . علت اینکه امیر المؤمنین علیه السلام در ایام خلافتش قدرت بر بعضی از امور پیدا

در روز جمعه نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامره متولد شده است . بنا بر این هنگام وفات پندبزرگوارش حضرت عسکری (ع) سنه ۲۶۰ پنجماله بود ؛ و این درست عکس این حدیث است که در صفحه ۱۱۵۱ گذشت . شاید او ای پاکان پاشته باشد .

نکرد این بود که آن دو نفر قبلا اساس ظلم و ستم را پایه گذاری کرده بودند ، و این موضوع در دل‌های مردم ریشه دو انیده بود .

واما علت اینکه گناهان گذشته بشر قبل رانیز بگردن آنها انداخت ، این است که آن دو نفر راضی بافعال مردم امثال خود بودند ، مانند ممانعت جانشینان پیغمبران از رسیدن بحقشان و هر فسادی که بر این نیت و عمل مترتب میشود . زیرا اگر آنها این افعال رازش میدانستند ، خودشان مرتکب آن نمیشدند؛ و هر کس راضی بفعل کسی باشد مانند این است که خود مرتکب آن شده است . چنانکه آیات بسیاری دلیل بر این مدعاست .

مانند اینکه خداوند کارهای زشت پدران یهود را نسبت بخود اینان داده و یهودان زمان پیغمبر را بواسطه آنچه پدرانشان در عهد حضرت موسی و سایر اعصار مرتکب میشدند ، نکوهش میکند . زیرا که خدا میدانست یهودان عصر پیغمبر از اعمال پدرانشان رضایت دارند ، و نیز روایات مستفیضه هم از طریق شیعه و سنی مؤید این مطلب است .

بعلاوه دور نیست که ارواح ناپاک آنها در صدور آن امور مفسدت انگیز از اشقیاء ، مدخلیت داشته است . همانطور که ارواح پاک اهل بیت پیغمبر مؤید و مدد کار کارهای خوبی بوده که پیغمبران انجام میداده‌اند . و در رفع گرفتاری‌ها واسطه بوده‌اند ، چنانکه در کتاب «امامت» گذشت از اینها گذشته ، ممکن است مطلب را اینطور تأویل کنیم که : امام زمان علیه السلام تمام کارهای آن دو نفر را تطبیق باعمال اشقیاء میکند و ثابت مینماید که آنها در شقاوت مانند همه اشقیای عالم بوده‌اند ، زیرا هر کار شقاوت آمیز اشقیای عالم ، از آنها نیز صادر شده است .

واینکه : خدا در آیه گذشته فرمود : اشقیاء در آتش دوزخ و سعادت‌مندان در بهشت هستند ، مگر اینکه خداوند تو بخواد - آنها را نجات دهد . الا ماشاء ربك

شاید حضرت خواسته است که در این آیه خواستن خدا را بزمان رجعت تفسیر کند باین معنی که در اینجا مقصود از بهشت جهنم ، عالم برزخ باشد ، چنانکه در روایت دیگر هم رسیده است و باین بیان حضرت استدلال کرده است که این زمان منوط به مشیت خداوند است که برای مردم روشن نیست ، و این معنی بهترین وجهی است که مفسرین در تفسیر این آیه ذکر کرده‌اند .



فضیلت انتظار فرج و مدح شیعیان در زمان غیبت

و آنچه که دایسته است در آن زمان انجام داده شود

شیخ صدوق (ره) در کتاب «خصال» در خبری که اعمش از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده نقل میکند که حضرت فرمود: دین امامان پرهیزکاری و عفت و صلاح، تا آنجا که فرمود: و انتظار فرج با صبر و بردباری است.

و هم صدوق در «عیون اخبار الرضا» با سه سند از امام رضا علیه السلام نقل میکند که گفت: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: افضل اعمال امت من انتظار فرج پروردگار است (که لطف نموده امام زمان را برای نجات مردم از چنگ ظلم و بدبختی آشکار گرداند).

شیخ الطائفه (ره) در کتاب «امالی» از سعید بن مسلم و او از امام زین العابدین علیه السلام از پدرش از امیر المؤمنین (ع) روایت نموده که پیغمبر فرمود: هر کس باندگی از روزی خدا از خداوند راضی باشد، خدا هم بعمل قلیلی از وی خوشنود است و انتظار فرج عبادت است.

مؤلف: در باب «مواعظ امیر المؤمنین» خواهد آمد (در جلد هفدهم بحار) که مردی از آن حضرت پرسید: کدام عمل نزد خدا محبوب تر است؟ فرمود انتظار فرج. احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی در کتاب احتجاج از ابو حمزه ثمالی و او

از ابو خالد کابلی روایت میکند که امام زین العابدین علیه السلام فرمود: غیبت بوسیله دوازدهمی از جانشینان رسول خدا و امامان بعد از او ممتد میشود. ای ابو خالد مردم زمان او که معتقد بامامت وی میباشند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمانها بهترند، زیرا خداوند عقل و فهمی بآنها داده که غیبت در نزد آنها حکم مشاهده را دارد!

خداوند آنها را در آن زمان مثل کسانی میداند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر (علیه دشمنان دین) پیکار کرده اند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را بطور آشکار و نهان بدین خدامیخوانند. وهم فرمود: انتظار فرج بزرگترین فرج است.

شیخ طوسی در کتاب «امالی» از جابر جعفی روایت میکند که گفت: بعد از خاتمه اعمال حج، باجمعی بخدمت امام محمد باقر (ع) رسیدیم و با حضرتش وداع نمودیم و عرض کردیم: یا بن رسول الله وصیتی بمانفرمائید! فرمود: اقویای شما بضعفا کمک کنند. واغنیای شما از فقرا دلجوئی نمایند، و هر مردی از شما برادر دینیش را مانند خود نصیحت کند (آنچه برای خود میخواهد برای اونیز بخواهد) و اسرار ما را از نااهلان مخفی دارید، و مردم را بر گردنهای ما مسلط نکنید، بگفته های ما و آنچه از ما بشما میرسانند توجه کنید، اگر دیدید موافق قرآن است، آنرا بپذیرید، و چنانچه آنرا موافق قرآن نیافتید، از نظر بیاندازید (یعنی اگر موافق قرآن بود کلام ماست و گرنه از ما نیست و مجعول است).

و اگر مطلب بر شما مشتبه گشت، در باره آن تصمیمی نگیرید و آنرا بماعرضه دارید تا همانطور که برای شما بیان کرده اند تشریح کنیم اگر شما چنین بودید که بشما سفارش کرده ایم و از این حدود تجاوز نکنید و پیش از ظهور قائم ما کسی از شما بمیرد شهید از دنیا رفته است. و هر کس قائم ما را در کنگر کند در کاب او کشته شود، ثواب دو شهید دارد، و هر کس در کاب او یکی از دشمنان ما را بقتل رساند ثواب بیست

شہید خواهد داشت .

در کمال الدین و معانی الاخبار از ابو بصیر روایت میکند کہ حضرت صادق (ع) فرمود : «طوبی لمن تمسک بامر نافی غیبة قائمنا فلم یزغ قلبه بعد الہدایة» طوبی برای کسی است کہ در غیبت قائم ما چنگ بگفتار ما زند و بعد از آنکہ ہدایت یافت دلش از دین حق برنگردد . من عرض کردم : فدایت شوم ! «طوبی» چیست ؟ فرمود : طوبی درختی است در بہشت کہ ریشہ آن در خانہ علی بن ابیطالب است و شاخہ اش در خانہ های مؤمنین می باشد . اینست معنی آیہ شریفہ طوبی لہم و حسن ما ب (۱) .

و ہم در خصال صدوق از اصول اربعہ ماہ ، (۲) روایت نمودہ کہ امیر المؤمنین علیہ السلام فرمود : منتظر فرج (آل محمد) باشید و از رحمت خداوند نومید مشوید . زیرا کہ بہترین اعمال در نزد خداوند انتظار فرج است . و ہم فرمود : طاقت کنندن کوهها آسان تر از انتظار دولتی است کہ ظہورش بتأخیر افتادہ است ! از خداوند مدد بخواہید و صبر پیشہ سازید کہ خداوند زمین خود را بہ بندہ شایستہ خود میسپارد و عاقبت نیک از آن پرهیز کاران است . پیش از رسیدن دولت حق ، شتاب مکنید کہ پشیمان بشوید و مدت آنرا دراز شمارید کہ باعث قساوت دلہاتان میگردد .

و فرمود : کسیکہ عشق بظہور دولت ما را بدل گرفتہ است ، در حظیرة القدس (۳) (مکان مقدس بہشت) با ما خواهد بود ، و کسیکہ منتظر امر ما ست ، همچون شہیدی است کہ در راہ خدا در خون خود غلطیدہ باشد .

صفا (۴) در کتاب «بصائر الدرجات» از ابو بصیر و او از امام محمد باقر علیہ السلام

(۱) سورہ رعد آیہ ۲۸

(۲) اصول اربعہ ماہ ؛ یعنی : اصل های چہار صدگانہ کہ اصحاب ائمہ تألیف کردند .

(۳) معلوم می شود حزب بہائی اسم «حظیرة القدس» خود را از کجا گرفتہ است !

(۴) محمد بن حسن صفا راز بزرگان دانشمندان قم و وثقات راویان شیعه است شیخ طوسی

در رجال خود او را از اصحاب امام حسن عسکری علیہ السلام بہ شمار آورده است . نجاشی در کتاب

رجال می نویسد : وی در میان علمای قم ؛ رئیس بزرگ و محدثی موثق و بلند قدر بود . صفا

روایت نموده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی در مجمعی از اصحاب ده بار فرمود :
اللهم لقنی اخوانی : خداوند! برادران مرا بمن بنمایان . اصحاب عرض کردند :
 یا رسول الله ! مگر ما برادران شما نیستیم ؟ **قَالَ لَا أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَأَخْوَانِي**
قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَلَمْ يَرُونِي . فرمود: نه! شما اصحاب (۱) من میباشید،
 برادران من مردمی در آخر الزمان هستند که بمن ایمان میآورند ، با اینکه
 مرا ندیده اند . خداوند آنها را بانام و نام پدرانشان ، پیش از آنکه از صلب پدران
 و رحم مادرانشان بیرون بیایند ، بمن شناسانده است .

ثابت ماندن یکی از آنها بردین خود ، از صاف کردن درخت خاردار (قناد) با
 دست در شب ظلمانی ، دشوارتر است . و یا مانند کسی است که پاره ای از آتش چوب
 درخت «غضا» (۲) را در دست نگاه دارد . آنها چراغهای شب تار میباشند ، پروردگار
 آنان را از هر فتنه تیره و تاری نجات میدهد .

صدوق در کمال الدین از داود بن کثیر و او از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند
 که : در تفسیر این آیه شریفه **هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغیب** فرمود : آنها

→ کتابهای بسیاری در فقه و حدیث تالیف کرده است . معروفترین آنها کتاب ذیقیمت
 «بصائر الدرجات» است . علامه مجلسی در مقدمه بحار مینویسد : این کتاب از اصول معتبره است
 که شیخ کلینی و دیگران از آن روایت نموده اند .

سفار در حدود یکصدوسی استاد دیده و از آنها روایت کرده و اجازه گرفته و هم جماعت
 بسیاری که از جمله سعد بن عبدالله اشعری ، ابن ولید قمی ، علی بن بابویه و محمد بن یحیی عطار
 میباشند از محضروی کسب فیض کرده اند .

این دانشمند عالیقدر بسال ۲۹۰ هجری در شهر مذهبی قم بدرود حیات گفت و همانجا مدفون
 گردید .

(۱) اصحاب بکسانی میگویند که پنجمبر را دیده و از محضرش استفاده کرده اند
 (۲) غضا - درختی است که چوب آن از سخت ترین چوبهاست و آتش آن مدت زمانی میماند
 و خاموش نمیشود (المنجد)

که ایمان به غیب میآورند کسانی هستند که اعتقاد بقیام قائم آل محمد دارند .
و نیز در آن کتاب از یحیی بن ابوالقاسم روایت نموده که گفت : از حضرت
صادق علیه السلام معنی این آیه شریفه « المذک الکتاب لاریب فیهدی للمتقین ، الذین
یؤمنون بالغیب ، راپرسیدم . فرمود : (متقین) شیعیان علی علیه السلام و (غیب) حجة غائب
است . آنگاه صدوق میگوید : دلیل آن ، این آیه است :

و یقولون لولا انزل علیه آیه من ربه فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم
من المنتظرین (۱) یعنی : میگویند چه میشد اگر آیه ای از خدایش بر او نازل
میگردید؟ بگو غیب از آن خداوند است . پس منتظر باشید که من نیز باشم منتظرم
زیرا خداوند در اینجا خبر میدهد که آن آیه (و علامت که مردم میخواستند) عبارت
از «غیب» است و غیب هم «حجت» میباشد . مصداق آن ، این آیه است : « وجعلنا ابن
مریم وامه آیه ، یعنی مایسر مریم (حضرت عیسی) و مادرش را آیتی قرار دادیم و آیه
در اینجا بمعنی «حجت» است .

هم در کتاب مزبور از صالح بن عقبه و او از پدرش از حضرت امام محمد باقر
و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود :
أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ یعنی : بهترین عبادتها انتظار فرج (آل محمد) است .

و نیز در آن کتاب از حضرت صادق و آن حضرت از پدرانش روایت نموده که
پیغمبر صلی الله علیه و آله با میرالمؤمنین علیه السلام فرمود : یا علی آنها که بیش از همه در امور دینی یقین
دارند ، مردمی در آخر الزمان می باشند که پیغمبر را ندیده اند و حجت خدا هم از
نظر آنها پنهان گردیده است ، معذرا بوسیله سیاهی که در سفیدی است (یعنی سطور
کتابهای دینی خواه قرآن و خواه اخبار) ایمان میآورند .

همچنین در کتاب یاد شده از عمرو ثابت نقل میکند که امامزین العابدین علیه السلام
فرمود : هر کس در غیبت قائم ما بردوستی ما ثابت بماند ، خداوند ثواب هزار شهید
امثال شهدای جنگ بدر و احد بوی عطا میفرماید . در «دعوات» راوندی هم این روایت

آمده است جز اینکه در آنجا میگوید: «هر کس بر دوستی ما بمیرد».

برقی در کتاب «محاسن» از سندی و او از جدش نقل میکند که بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: چه میفرمائید درباره کسیکه در حال انتظار ظهور قائم شما بمیرد؟ فرمود: او مثل کسی است که با قائم در خیمه اش باشد. سپس حضرت لحظه ای سکوت کرد. و آنگاه فرمود: او مانند کسی است که با پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده است.

و نیز در محاسن برقی است که علاء بن سیاب گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمود: کسیکه منتظر ظهور قائم باشد و بر این عقیده بمیرد مانند کسی است که در خیمه قائم می باشد. در کمال الدین و غیبت نعمانی هم این روایت با اسناد دیگر آمده است.

خبر عبد الحمید واسطی

نیز در محاسن از عبد الحمید واسطی روایت نموده که گفت: با امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: آقا! بخدا قسم دکانهای خود را با انتظار ظهور امام زمان رها کردیم تا جائیکه چـیزی نمانده که از فقر و بیچارگی دست تکدی پیش مردم دراز کنیم. فرمود: ای عبد الحمید! آیا گمان میکنی اگر کسی خود را وقف راه خدا کند خداوند راه روزی بروی او نمی گشاید؟ آری والله! خداوند حتماً در رحمت خود را بروی او خواهد گشود. خدا رحمت کند کسیکه خود را در اختیار ما گذاشته است. خدا رحمت کند آنکس که امر ما را زنده نگاه دارد.

عرض کردم: اگر من پیش از آنکه بشرف ملاقات قائم شما فائز گردم، بمیرم چگونه خواهم بود؟ فرمود: هر کدام از شما که میگوید: اگر قائم آل محمد را بینم بیازی او بر من خیزم، مانند کسی است که درر کاب او شمشیر بزند و کسیکه درر کاب وی شهید شود مثل اینست که دوبار شهید شده است. این روایت در کمال الدین بسند دیگر هم نقل شده، با این فرق که میگوید: مثل کسی است که درر کاب او شمشیر زند بلکه مثل کسی است که با وی شهید شود.

همچنین در محاسن برقی از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود:

اگر کسی از شما بر این عقیده (انتظار قیام امام زمان) بمیرد، مانند اینست که در راه خدا شمشیر زده است .

هم در آن کتاب از فیض بن مختار نقل شده که گفت : از حضرت صادق علیه السلام شنیدم میفرمود : هر کس از شما بمیرد در حالیکه منتظر ظهور قائم آل محمد باشد مثل کسی است که با قائم در خیمه اش باشد .

سپس لحظه ای سکوت نموده و آنگاه فرمود : نه ! بلکه مانند کسی است که در رکاب او شمشیر زده است . بعد از آن فرمود : نه بخدا . بدانید که او همچون کسی است که در رکاب پیغمبر صلی الله علیه و آله بعزت شهادت نائل گشته است .

شیخ طوسی در کتاب غیبت از ابو بصیر روایت میکند که حضرت صادق علیه السلام فرمود : موقعیکه سلمان رضی الله عنه وارد کوفه شد و با نشهر نظر افکند، مصیبت های کوفه را که بعدها میباید پدید آید برای مردم بیان کرد حتی (فجایع) سلطنت بنی امیه و خلفای بعد از آنها را نیز ذکر نمود و آنگاه گفت : چون کار باینجا کشید با گلیم های خانه خود بسر برید تا وقتیکه پاک نهاد پسر پاکزاد پاکیزه سرشت که غیبت میکند و از وطن و بستگانش دور میماند، آشکار شود .

خبر همار ساباطی

در کمال الدین از عمار ساباطی (۱) نقل میکند که گفت : بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم : ثواب عبادت پنهانی در دولت باطل با امامی از شما که مقام امامش از نظر مردم پوشیده است ، بیشتر است یا عبادتی که بطور آشکار در ظهور

(۱) عمار ساباطی - از شاگردان نامی و فقهای اصحاب حضرت صادق و حضرت موسی کاظم (ع) است . وی فطحنی مذهب بود . یعنی اعتقاد با امامت عبدالله افطح پسر امام جعفر صادق (ع) داشت ، با این وصف مورد وثوق با اعتماد علمای شیعه است . در کتب رجال او و برادرش قیس و صباح از راویان موثق بشمار آمده اند . از حضرت امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده که فرمود : من از خداوند خواستم که عمار ساباطی را بمن ببخشد ، و خدا هم او را بمن بخشید .

دولت حق و حکومت امام ظاهر میکنند؟ حضرت فرمود: ای عمار! بخشش پنهانی بهتر از بخشش آشکار است. همچنین عبادت پنهانی شما در دولت باطل با امامی که (از ترس دشمن) مخفی گردیده، ثوابش بیشتر از عبادتی است که در دولت حق با امام ظاهر کرده میشود. زیرا در دولت باطل شما از دشمنان خود بیمناک هستید. و مسلم است که عبادت با ترس و هراس در دولت باطل با عبادت مطمئن در دولت حق قابل مقایسه نیست.

بدانید! هر کس از شما که يك نماز واجب را از ترس دشمن در پنهانی و بطور تنهائی در اول وقت بگذارد و آنرا تمام کند، خداوند ثواب بیست و پنج نماز واجب متفرّد برای او مینویسد. و هر کس يك نماز مستحبی را در وقتش بخواند و آنرا تمام کند خداوند ثواب ده نماز مستحبی برای او خواهد نوشت.

و هر کس از شما يك کار نیک انجام دهد خداوند در عوض ثواب بیست کار نیک برای او بنویسد. هر وقت شخص با ایمانی از شما (شیعیان) حسن عمل داشته باشد و باتقیه نمودن از دشمنان بخدا نزدیک شود و دین و اعتقاد با امام خود و جان و زبانش را از هر گونه خطری و آلودگی حفظ کند خداوند بمیزان زیاد بر ثواب اعمال وی میافزاید. زیرا خداوند خوان کرم خود را گسترده است.

عرض کردم: قربانت کردم! شما با این بیان رغبت و میل مرا بعبادت افزون فرمودید ولی من میخواهم بدانم چطور ثواب اعمال ما از ثواب اعمال یاران امام ظاهر شما در دولت حق، بیشتر است یا اینکه ما و آنها يك دین داریم و آنها دین خداست؟ حضرت فرمود: شما در پذیرفتن دین خدا و نماز و روزه و حج و هر عمل و عبادتی بطور پنهانی بر آنها پیشی گرفتید، با امامی که امامتش بر مردم پوشیده است بر میبیرید و از وی پیروی میکنید و منتظر ظهور دولت حق هستید.

در حالیکه از سلاطین جور بر جان امام و خودتان یخائف میباشید.

نگاه میکنید بحق امام خود و حق خودتان که در دست ستمگران است و نگذاشته اند شما بآن برسید و شمارا در امر دنیا و کسب معیشت مستأصل کرده اند، معذا شما با صبر و عبادت و اطاعت پروردگار و ترس از دشمنان میگذرانید روی

باب بیست و هفتم - فضیلت انتظار فرج شیعیان در زمان غیبت

این جهات خداوند ثواب اعمال شما را افزون گردانیده است . پس خوش به حال شما !
عرض کردم : قربانت کردم ! بنا بر این آرزو نمی کنم که در ظهور دولت حق
 از اصحاب قائم علیه السلام باشم ، زیرا ما در روزگار امامت شما بسر میبریم و با پیروی
 از شما (که باتقیه زندگی می کنید) ثواب اعمال ما از ثواب اعمال آنها که در دولت
 حق می باشند بیشتر است . فرمود : آیا دوست نمی دارید حق آشکار شود و عدالت
 در دنیا گسترش یابد و حال عموم مردم نیکو گردد ، و خداوند هدفها را یکی کند
 و دلهای پراکنده را با هم پیوند دهد و کسی در زمین خدا معصیت نکند و حدود الهی
 در میان مردم جاری گردد ، و حق باهش منتقل شود ، و صاحب حق آنرا آشکار
 سازد تا آنکه از ترس کسی چیزی پوشیده نماند ؟

ای عمار ! بخدا قسم هر کس از شما با این عقیده که شما دارید بمیرد ، از
 بسیاری از آنها که در جنگ بدر واحد حاضر بودند ، افضل و بهتر است ، پس
 مرده باد !

و نیز در کمال الدین از حضرت موسی بن جعفر از پدران بزرگوارش روایت نموده
 که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود : بهترین عملهای امت من انتظار فرج از جانب خداست .
 نیز در کتاب مزبور از محمد بن فضیل نقل میکند که گفت : از حضرت رضا علیه السلام
 پرسیدم فرج ما کی فرا میرسد ؟ فرمود : آیا انتظار فرج کشیدن ؛ فرج نیست .
 خداوند میفرماید : « فانتظروا انی معکم من المنتظرین » (یعنی انتظار فرج با توجه
 بامر الهی در این آیه شریفه خودیکنوع فرج است) این روایت در تفسیر عیاشی هم
 آمده است .

خبر ابراهیم کوفی

همچنین صدوق در کمال الدین از ابواب ابراهیم کوفی روایت نموده که گفت :
 خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودم دیدم موسی بن جعفر که در آنوقت
 بیچه بود وارد گشت . من از جا برخاستم و سر مبارک او را بوسیدم و سپس نشستم

حضرت صادق علیه السلام فرمود : ای ابو ابراهیم ! این کودک بعد از من امام تو است . آگاه باش ! که قومی درباره او از دین خود منحرف میشوند و جمعی دیگر بسعادت میرسند . خداوند قاتل او را لعنت کند و عذاب او را افزون گرداند .

آگاه باش که خداوند بعد از کارهای عجیبی که از راه حسد بروی میگردد، کسی را که در زمان خود بهترین مردم روی زمین باشد از صلب وی پدید آورد . خداوند آنچه را خواسته است عملی میسازد ، هر چند اهل شرك ناخوش بدارند . خداوند بقیه دوازده امام مهدی را که بجز گواری ممتاز گردانیده و جایگاه مقدسی بآنها روزی نموده از وی بوجود آورد . کسیکه منتظر ظهور امام دوازدهم باشد ، مانند کسی است که با شمشیر برهنه در رکاب پیغمبر ، دشمن را از حضرتش دفع میکند .

در این وقت مردی از دوستان بنی امیه وارد گشت و حضرت هم سخن خود را قطع فرمود بعد از آن پانزده مرتبه خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم تا سخن آنروز را تکمیل فرماید ولی میسر نگردید .

چون سال بعد بخدمتش رسیدم ، دیدم حضرت نشسته است . در آن حال فرمود : ای ابو ابراهیم !... او کسی است که بعد از تنگی طاقت فرما و بلا و ظلم طولانی شیعیان خود را از غم نجات میدهد . پس خوش بحال آنها که آن زمان را درك کنند . ای ابو ابراهیم همینقدر بس است !! ابو ابراهیم گفت : چنان خوشحال شدم که هیچگاه بدانگونه از خدمتش برنگشته بودم .

شیخ الطایفه در غیبت از رفاعه بن موسی و معاویه بن وهب از حضرت صادق و آنحضرت از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود : خوش بحال کسی که قائم اهل بیت مراد درك میکند در حالیکه پیش از قیامش از وی پیروی مینموده ، دوست او را دوست میداشته و از دشمنش بیزاری می جسته و تمام ائمه قبل از او را دوست داشته است . آنها رفیقان و دوستان من و گرامی ترین امت من میباشند . رفاعه گفت : حضرت فرمود : آنها در نزد من گرامی ترین خلق خدا هستند .

و نیز در غیبت شیخ طوسی از عبدالله بن سنان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **سَيَأْتِي قَوْمٌ مِّنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مَنِّمٌ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مَنِّمٌ** یعنی: مردمی بعد از شما خواهند آمد که یک مرد آنها ثواب پنجاه نفر از شما دارند. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! ما در جنگ بدر واحد و حنین در رکاب شما پیکار کرده ایم و قرآن در میان ما نازل شده است (یعنی چطور میشود که مردمی بیایند که یک نفر آنها ثواب پنجاه نفر ما را داشته باشند؟) فرمود آنچه را آنها متحمل میگردند اگر شما ببینید، نمی توانید مانند آنها صبر کنید!

برقی در کتاب «محاسن» از ابوالجارود از «قنو» دختر رشید هجری (۱) روایت کرده که گفت: پدرم گفتم چقدر در امر دین جهد و کوشش داری! پدرم گفت: دختر جان بعد از ما مردمی می آیند که بصیرت آنها در امر دینشان بهتر از جهد و کوشش مردم قبل از آنهاست.

شیخ الطائفه در کتاب غیبت از خالد عاقولی در ضمن حدیثی منقول از حضرت صادق علیه السلام می فرماید: چرا چشم بآن دوخته اید و برای چه شتاب می کنید؟ مگر تأمین ندارید؟ آیا اینطور نیست که مردی از شما از خانه بیرون میرود و پس از انجام کارش دوباره بخانه برمیگردد، بدون اینکه خطری باو رسیده باشد؟ اگر آنها که پیش از شما بودند مانند شما (در رفاه بودند و امنیت داشتند) هر مردی از آنها

(۱) رشید هجری - از اصحاب خاص حضرت امیر مؤمنان علی (ع) است. بعد از رحلت آنحضرت او را بنزد زیاد بن ابیه حکمران کوفه آوردند. پرسید علی خبر داده که ما چگونه با تو رفتار می کنیم؟ رشید گفت او فرمود: دستها و پاها را قطع می کنید و مرا دار می زنید. زیاد گفت: بخدا کاری می کنم که وی دروغگو از کار درآید. سپس گفت: رهائش کنید همینکه رشید خواست از دارالاماره خارج شود؛ زیاد پشیمان شد و گفت: او را بر گردانید. کبفری بهتر از آنچه آفتاب گفته است برای تو سراغ نداریم؛ زیرا اگر تو بمانی دائماً رفتار بدی با ما خواهی داشت. آنگاه گفت: دست و پای او را قطع کنید؛ رشید در آن حال سخن می گفت. سپس بدش را دار زدند و هجره که رشید منسوب با نجات قریه ای از بحرین است (سفینه البحار)

رامی گرفتند و دست و پای او را قطع میکردند، سپس بر تنه‌های نخل بدار میزدند و باره بدونیم می کردند و او این بلاها را برای اصلاح نفس خود و کفاره گناهش بر خویشتن هموار مینمود . آنگاه این آیه شریفه را تلاوت فرمود : **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِبِينَ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ الْإِنِّ نَصْرُ اللَّهِ قَرِيبٌ** (۱) یعنی آیا گمان کرده‌اید داخل بهشت میشوید ، و حکایت مردمی که قبل از شما بودند بشما نرسیده است که بآنها سختی‌ها و رنجها رسید و چنان متزلزل شد ند که پیغمبر و آنها که باو ایمان آوردند ، گفتند چه وقت نصرت خداوند فرامیرسد ؟ بدانید که نصرت خداوند نزدیک است .

هم در آن کتاب از ابن فضال و او از ثعلبه بن میمون نقل کرده که گفت : امام خود را بشناس . زیرا شناختن او زیانی بتو نمیرساند ، خواه دولت حق قبلا پدید آید یا ظهور آن بتأخیر افتد . هر کس امام خود را بشناسد و پیش از اینکه ظهور دولت حق را ببیند جان دهد ، و سپس قائم آل محمد قیام کند ثواب او مانند کسی است که باقائم در خیمه‌اش باشد .

و نیز در کتاب مزبور از عبدالله بن عجلان از حضرت صادق روایت کرده که فرمود : کسی که عقیده بظهور دولت آل محمد داشته باشد و با این عقیده پیش از قائم **عجل** بمیرد ثواب او مثل کسی است که در رکاب وی کشته شود .

در معاصرین برقی از حکم بن عیینه روایت نموده که گفت : وقتی در جنگ نهر روان امیر المؤمنین خوارج را بقتل رسانید ، مردی بخدمت حضرت رسید حضرت فرمود : قسم بخداوندی که دانه را شکافت و آدمی را آفرید ، مردمی در اینجا با ما آمده‌اند که هنوز خداوند پدران و نیاکان آنها را خلق نکرده است ! آن مرد عرض کرد : مردمی که هنوز خلق نشده‌اند چگونه میتوانند با ما آمده باشند؟ فرمود : آری آنها مردمی هستند که در آخر الزمان میباشند و در این هدف که ما داریم آنها

نیز شريك هستند و تسليم ماه يباشند : پس آنها در آن راه كه ما گام برميداريم شر كاي حقيقي و واقعي ما ميباشند ! .

و نيز در محاسن از حضرت صادق از امير المؤمنين عليهما السلام روايت ميكند كه فرمود : بهترين عبادت شخص با ايمان انتظار فرج است .

عياشي در تفسير خود از فضل بن ابی قره روايت نموده كه گفت : از حضرت صادق عليه السلام شنيدم مي فرمود : خداوند وحی فرستاد بحضرت ابراهيم كه بزودی فرزندى براى تو متولد خواهد شد ! ابراهيم هم بساره (همسرش) خبر داد : ساره گفت : من پيرزن هستم ! با اين وصف خداوند وحی فرستاد بسوى ابراهيم كه ساره بزودی فرزندى مياورد و اولادش چهارصدسال گرفتار خواهند بود .

آنگاه حضرت فرمود : چون گرفتارى بنى اسرائيل بطول انجاميد چهل صبح رو بدر گاه الهى آورده بگريه و زارى پرداختند . خدا هم بموسى (و برادرش) هارون وحی فرستاد كه (با امداد غيبى) آنها را از شر فرعون نجات دهد و صد و هفتاد سال از چهار صد سال گرفتارى آنها را برداشت . سپس امام ششم فرمود : همچنين شما هم اگر مثل بنى اسرائيل در درگاه خداوند بگريه و زارى پردازيد ؛ خداوند فرج ما را نزديك خواهد كرد . اما اگر چنين نباشيد ، اين سختى تا پايان مدتش خواهد رسيد (۱)

همچنين در تفسير عياشى از محمد بن مسلم و او از امام محمد باقر عليه السلام روايت نموده كه در تفسير اين آيه شريفه **تَرَىٰ إِلَىٰ الذِّينِ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ** (۲) فرمود : مقصود پيروي امام است . مردم در خواست رفتن

(۱) منظور از گريه و زارى آمادگى افراد شيمه است براى پذيرفتن منويات حضرت هدى موعود عليه السلام ؛ كه البته نشانه اين علاقه شديد و عشق سرشار و پر شور ، در گريه و زارى از هجران وى بخوبى جلوه مى كند .

(۲) يعنى آيا نديدى كسانى را كه پاهاى گفتمند دستهاى خود را نگاهداريد و نماز بخوانيد و زكات ، پردازيد (آيه ۷۹ سوره نساء)

بجهد نمودند ، ولی وقتی جهاد در رکاب امام حسین علیه السلام بر آنها واجب گردید
قَالُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِيبُ دَعْوَتِكَ وَنَتَّبِعُ الرَّسُولَ یعنی گفتند : خدا یا
 ما را تا مدت نزدیکی بتأخیر بیا نداد تا دعوت تو را اجابت کنیم و از پیغمبرانت
 پیروی نمائیم .

شیخ مفید در «مجالس» از عوف بن مالک روایت نموده که گفت: روزی پیغمبر
 (ص) فرمود ای کاش من برادرانم را ملاقات میکردم . ابوبکر و عمر گفتند :
 مگر ما برادران شما نیستیم که بتو ایمان آورده و هم با تو مهاجرت نمودیم ؟
 باز فرمود: **يَا لَيْتَنِي قَد لَقَيْتُ اخْوَانِي** سپس فرمود: **انتم اصحابي ولكن اخواني**
الذين يأتون من بعدكم يؤمنون بي ويحبوني وينصرونني ويصدقوني وماراوني
فيا ليتني قد لقيت اخواني یعنی: ای کاش من برادران خود را میدیدم ، آنها هم گفتار
 خود را تکرار کردند :

حضرت فرمود: شما اصحاب من هستید (۱) ولی برادران من کسانی میباشند
 که بعد از شما میآیند و بمن ایمان می آورند و مرا دوست دارند و یاری میکنند و تصدیق
 مینمایند و مرا هم ندیده اند ای کاش من برادران خود را میدیدم !

نعمانی در کتاب غیبت از علی بن حرث بن مغیره روایت میکند که پدرش
 گفت : بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم : آیا فترتی در پیش است که مسلمانان در آن
 فترت امام خود را نمیشناسند ؟ حضرت فرمود: اینطور گفته میشود. عرض کردم: پس
 ما چکنیم؟ فرمود: هر وقت در آن فترت قرار گرفتید، بهمان طریقه ای که دارید (دین
 اسلام) چنگ زنید تا وضع بعدی برای شما روشن گردد .

هم در آن کتاب از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: من و پدرم بن خدمت
 حضرت صادق علیه السلام رسیدیم، حضرت فرمود: چه حالی خواهید داشت هنگامیکه در
 وضعی قرار می گیرید که نه امامی باشد که مردم را راهنمایی کند و نه نشانه ای از

(۱) پیشتر گفتیم: اصحاب بکسی می گویند که از نزدیک پیغمبر را دیده باشد ، و این دلیل
 بر نیکی و سعادت وی نیست. چه بسا که اصحاب مردمی فاسد و فاسق و گمراه باشند .

دیانت خدا دیده شود بطوریکه جز کسیکه بادعای حریق خدا را میخواند از آن سرگردانی رهائی نمی یابد، پدرم گفت: بخدا قسم این بلاست قربانت شوم پس من در آنموقع چکنم؟ فرمود: اگر این روز پدید آید و امام زمان راهم درك نکردی چنگ زنید بآنچه در دست دارید تا موقعیکه حقیقت آشکار شود.

وهم در کتاب مذکور بسند مزبور از حرث بن مغیره بصری روایت میکند که بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: برای ما روایت شده که صاحب الامر مدتی ناپدید میگردد، پس ما در آنموقع چکنیم؟ فرمود: بهمان طریقه که دارید (یعنی مذهب تشیع و عقیده بدو ازده امام) ثابت بمانید تا واقع برای شما روشن گردد.

مؤلف: مقصود از این اخبار اینست که شیعیان در غیبت امام زمان علیه السلام در امر دین و عمل با احکام اسلام متزلزل و پریشان نشوند، و بعبارت روشنتر بما دستور داده اند که در آنموقع اصول و فروع دین خود را همانطور که از ائمه اطهار بشما رسیده است محکم گرفته و از دست ندهید؛ و از دین اسلام برنگردید تا آنکه امام شما ظاهر شود.

وا احتمال دارد که معنی روایات مزبور این باشد که هر کس مدعی شد که قائم آل محمد است، بوی ایمان نیاورید تا آنکه بامعجزات ادعای خود را ثابت کند. پیشتر هم در ادله ای که شیخ طوسی آورده بود نیز در این باره از سعد بن عبدالله سخن رفت.

در غیبت نعمانی ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که گفت: موقعیکه فترتی بین دو مسجد روی داد، علم و دانش در آن فترت پوشیده گردد، چنانکه مار در سوراخ خود پنهان میشود و در میان شیعیان اختلاف پدید آید و یکدیگر را دروغگو بنامند و آب دهان بروی هم بیاندازند. عرض کردم: پس در آنروز خیری نیست. فرمود: تمام خیر و خوبی در آنروز است. این را سه بار تکرار نمود، سپس فرمود: فرج و گشایش کار شما نزدیک است.

وهم در آن کتاب این حدیث را بسند دیگر از ابان بن تغلب از آنحضرت روایت

کرده است .

و نیز در کتاب یاد شده از ابان بن تغلب از آنحضرت نقل کرده که بوی فرمود: ای ابان! عالم دچار سبطه ای میشود که علم در بین دو مسجد پنهان میگردد، چنانکه مار در سوراخ خود پنهان میشود. عرض کردم: سبطه چیست؟ فرمود: پائین تر از فترت است. در آنموقع که مردم در آن حیرت و فترت بسر میبرند ناگاه ستاره برای آنها طلوع میکند عرض کردم: فدایت شوم در آن فترت حال ما چگونه خواهد بود؟ فرمود: بر همین طریقه که هم اکنون دارید بمانید تا خداوند صاحب آنرا برای شما بیاورد.

مؤلف: در کتاب «کافی» بجای سبطه در بین دو مسجد «بطشه» آمد، است که اشاره ببلشکر سفیانی و استیلاء آنها در بین مکه و مدینه است. (بطشه بمعنی حمله و هجوم ناگهانی است) و اصل روایت شاید باین معنی باشد که بواسطه حوادثی که در بین مسجد الحرام و مسجد پیغمبر (مکه و مدینه) روی میدهد علم پنهان میگردد، یا اینکه بعلت سلطه ستمگران در اینمخل بیشتر علم پنهان میشود.

ابن اثیر جزری میگوید: معنی روایت اینست که: در آنموقع اسلام در مدینه پوشیده میشود، چنانکه مار در سوراخ پنهان میگردد. یعنی خود را جمع می کند و پنهان میگردد.

نیز در غیبت نعمانی از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: صاحب الامر را غیبتی است که هر کس در غیبت وی بنخواهد دین خود را حفظ کند، مثل اینست که درخت خاردار قنادر با دست خود از خار صاف کند. سپس حضرت با دست اشاره کرد و فرمود: اینطور! و فرمود: کدام يك از شما با دست خار درخت قنادر چنگ زده است؟! آنگاه لحظه ای سکوت نمود و سپس فرمود: صاحب این امر (قائم آل محمد) غائب میشود پس بهنگام غیبت او باید بتدیمان خدا از خدا بترسند و دین خود را از دست ندهند!

و هم در غیبت نعمانی از صالح بن خالد روایت نموده که گفت: در خدمت

حضرت صادق نشسته بودیم حضرت فرمود: صاحب این امر غیبتی دارد که بهنگام غیبت او باید بنده خدا پناه بخدا ببرد و چنگ بدین خود بزند. هم در آن کتاب بسند دیگر این روایت آمده است.

نیز در غیبت نعمانی از ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که گفت: پدرم فرمود: ناچار برای ما است آذر بایجان. هیچ چیز نمیتواند با آن برابری کند (۱) وقتی چنین شد، همچون گلیم پاره های خانه های خود باشید و مانند مادر جای خود آرام گیرید، تا موقعی که شخص متحرکی حرکت کند آنگاه بسوی او بشتابید هر چند مانند کودکان بادست و شکم راه بروید. بخدا قسم گویا او را در بین رکن و مقام می بینم که از مردم بشرط عمل کردن بکتاب جدیدی (۲) که بر عرب دشوار است؛ بیعت می گیرد سپس حضرت فرمود: **وَيَلُّ لَطْفَاةَ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ**

(۱) متن عربی این جمله اینست: «لابد لنا آذر بایجان لایقوم لهاشیء» عالم خبیر متببع مرحوم حاج میرزا محمد قمی که مصحح بحار چاپ امین الضرب بوده در حاشیه این روایت مینویسد: نسخه هاییکه نزد ما موجود است عبارت همینطور نوشته شده و شك نیست که تغییری در عبارت روی داده است. آنچه بنظر میرسد اینستکه عبارت در اصل چنین بوده: «لابد لنا امتحان لایقوم لهاشیء» (یعنی ناچار باید آتش امتحانی در گیرد که هیچ چیز با آن برابری نکند) و هم اکنون غیبت نعمانی زده من موجود نیست که ببینم در آنجا چه نوشته است؟

مترجم می گوید: ما غیبت نعمانی مطبوع را دیدیم در آنجا نیز همینطور نوشته بود. با این فرق که اولاً قبل از «آذر بایجان» لفظ «من» بود و ثانیاً در یک چاپ آن روی کلمه آذر بایجان نوشته است «نسخه» که میرساند اصلاً کلمه «آذر بایجان» در بعضی از نسخه ها نیست. این جمله از این روایت نیز وسیله خوبی برای سران حزب بهائی شده است.

چون این قسمتی از روایتی است که در اواخر «باب سی و یکم» خواهد آمد، برای اطلاع از چگونگی امر و معنی حدیث، پاورقی ما را در آنجا بخوانید.

(۲) کتاب حدید همان قرآن جمع آوری شده علی (ع) است که با ترتیب قرآن کنونی فرق دارد، از این نظر عرب مکه که سنتی مذهب هستند، از پذیرش آن سرباز میزنند، و عمل بر وفق آن که همراه با تأویل آن توسط علی (ع) میباشد، برای آنان شدید دشوار است.

وای بر سرکشان عرب از شری که نزدیک است !

همچنین در آن کتاب از ابوالجارود روایت میکند که گفت : بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم : وصیتی برای من بیان فرمائید ! فرمود: تورا وصیت میکنم که پرهیزکاری پیشه سازی و بهنگام هجوم و تسلط اینمردم در خانه خود قرارگیری و از قیام کنندگان طایفه ما (مثل زبدین علی و اولاد امام حسن که بدون کسب اجازه از امام، علیه بنی امیه قیام میکردند و بدون اخذ نتیجه کشته می شدند) دوری گزین ، زیرا قیام آنها نه اساسی دارد و نه بطرف هدف روشنی میروند . بدانکه بنی امیه را سلطنتی است که مردم نمیتوانند از آنها بگیرند ولی ما را دولتی است که وقتی بیاید خداوند بهر یک از ما اهل بیت بخواهد واگذار می کند ، هر یک از شما آن دولت را درک کند در نزد ما مقامی عالی خواهد داشت و اگر خداوند پیش از آنروز او را قبض روح کند ، در سرای دیگر کار او را اصلاح گرداند .

بدانکه هیچ قومی برای دفع ظلم و عزت دینی قیام نکردند ، مگر اینکه بلا آنها را کشت . تا آن که مردمی دیگر قیام کنند که در جنگ بدر با رسول خدا حاضر بودند . کشته آنها دفن نمیشود و مرده آنها از روی زمین برداشته نمیشود ، و مجروح آنها مداوا نمیگردد . عرض کردم : آنها کیستند ؟ فرمود فرشتگانند .

مؤلف: «دکشته آنها دفن نمیشود .» یا باین معنی است که هر کس را فرشتگان بقدر رسانند کشته آنها دفن نمیشود... و یا اینکه آنها (فرشتگان) کسانی هستند که کشته میشوند مگر اینکه کشته آنها را دفن کنند ، و بروی زمین نمی افتند مگر اینکه مرده خود را از روی زمین بردارند . چنانکه روایت آینده معنی : اخیر را تأیید میکند .

و نیز در کتاب نامبرده از حارث همدانی نقل کرده که امیر مؤمنان علیه السلام دو منبر میفرمود : هنگامیکه خاطب (خطیب) بهلاکت افتد و صاحب عصر از مردم روی بگرداند و دل‌های مردم منقلب شود بطوریکه بعضی متوجه بحق و برخی بی نصیب

باشند آنها که آرزوی ظهور را دارند (بر اثر شتاب در این کار) بهلاکت افتند و از میان بروند و آنان که ایمان بآمدن صاحب عصر دارند (و بدون شتاب تسلیم پیشآمدها هستند) باقی و ثابت میمانند. ولی اینان اندکی بیش نیستند، نزدیک به سیصد نفر یا بیشتر میباشند جماعتی که با پیغمبر در جنگ بدر (علیه کفار) جنگیدند و کشته شدند و نمردند، (مقصود فرشتگان است) با آنها (اصحاب امام زمان - همان سیصد و چند نفر) در رکاب آنحضرت جهاد خواهند کرد.

مؤلف: شاید مقصود از «هنگامی که خاطب بهلاکت افتد» طالب و خواستار خلافت باشد، و یا خطیبی است که اقدام بکار خلاف حق میکند. اگر «حاطب» خوانده شود، بمعنی «هیزم کش» جهنم است و مقصود کسی است که در خطبه ذکر شده. زیرا بخاطر دارم که این خطبه طولانی را دیده‌ام و بسیاری از حوادث آینده را حضرت در آن خبر داده است.

و نیز در غیبت نعمانی از ابوالمرفف از حضرت صادق علیه السلام روایت مینماید که فرمود: محاضیر بهلاکت می‌افتند... عرض کردم: محاضیر چیست؟ فرمود: آنها که «در باره ظهور» شتاب دارند. و مقر بون نجات می‌یابند، و سنگر بر شالوده خود ثابت میمانند؛ شما همچون گلیم پاره‌های خانه خود باشید. که فتنه و آشوب بضرر عاملین آن تمام میشود، هر گاه آنها قصد آزار شما نمایند خداوند آنها را بکاری مشغول می‌سازد تا از آن فکر درگذرند.

مؤلف: «محاضیر» جمع محضیر است و محضیر بمعنی اسب بسیار تندرو است (و شاید مقصود جماعت بسیاری باشد که همه شتاب دارند که حضرت زود قیام کند) و «مقر بون» اگر بکسر راء باشد، یعنی کسانی که می‌گویند فرج امام زمان نزدیک است و آرزوی نزدیک شدن وقت آنرا دارند، یا دعای کنند که خدا تعجیل در فرج آنحضرت کند.

و چنانچه بفتح راء باشد بمعنی سماران و بردبارانی است که بواسطه صبر در انتظار ظهور آنحضرت نزد خداوند مقرب گشته‌اند جمله «سنگر بر شالوده خود ثابت

میماند ، به معنی استقرار سنگر دولت مخالفین بر اساس خود است ، که روز بروز کار آنها بالامی گیرد . جمله « زیرا فتنه بضرر عاملین آن تمام میشود ، باین معنی است که ضرر فتنه و آشوب دامن برانگیزنده آنها پیش از دیگران می گیرد ، چنانکه غبار بیشتر بحلق پدید آورنده خود فرو میرود .

و هم در غیبت نعمانی از ابوبکر حضرمی روایت میکند که گفت : من و ابان بن تغلب خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدیم و این در وقتی بود که پرچم های سیاه در خراسان برافراشته شده بود (۱) ما عرض کردیم : آقا ! اوضاع را چگونه می بینید فرمود : بنشینید در خانه های خود ، هر وقت دیدید مادور مردی گرد آمده ایم با سلاح بسوی ما بشتابید .

هم در آن کتاب از آن حضرت نقل کرده است که فرمود : زبانهای خود را نگاهدارید و از خانه های خود بیرون نیائید زیرا آنچه بشما اختصاص دارد (منظور خلافت و دولت حق است) باین زودی بشما نمیرسد و بسایرین هم نخواهد رسید و پیوسته فرقه «زیدیه» جلودار شما هستند .

و نیز در کتاب مزبور از عبدالرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که : در تفسیر این آیه شریفه **اتی امر الله فلا تستعجلوه** (۲) فرمود « امر الله »

(۱) منظور قیام ابو مسلم خراسانی است چنانکه در پاورقی صفحات ۲۹۶ و ۲۹۸ و ۳۰۵ گفتم اخباری که از آمدن پرچم های سیاه (رایات سود) از جانب مشرق سخن گفته است ، نوعاً با قیام ابو مسلم تطبیق می کند و اینکه در حدیث می گوید : « در خانه های خود بنشینید ، و گلیم پاره های خانه خود باشید ، اشاره به همین روایت دارد که در اینجا ذکر شده است . ائمه ما خواسته اند بفرمایند : شیعه در قیام ابو مسلم سودی نمی برد ، و مهدی قیام نمی کند ، بلکه سلطنت را مخالفین مامی برند ، و اینکه در بعضی از اینگونه روایات فرموده اند ، بكمك آنها بشتابید ، چنانچه تطبیق به قیام بنی عباس شود ؛ فقط بمنظور برانداختن حکومت ظالمانه بنی امیه بوده که خودمژده ای برای شیمیان و تسکین خاطر و تسلیت دل آنها بوده است .

(۲) در باب علائم ظهور ، توضیح خواهیم داد که این آیه نیز مورد استفاده کامل فرقه بهائی واقع شده است .

قیام قائم ما است که نباید برای آن شتاب نمود ، خداوند قیام او را با سه لشکر .
فرشتگان و مؤمنین و رعب، که در دل‌های بیدینان قرار می‌گیرد، تأییدی کند. قیام
او مانند قیام پیغمبر (ص) است که خداوند فرموده: **كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ**
یعنی چنانکه خداوند تو را از خانه‌ات با نیروی حق بیرون آورد .

همچنین در غیبت نعمانی سماعه از صالح بن نبط و بکر مثنی از امام محمد باقر علیه السلام
روایت می‌کند که فرمود : آنها که در این باره (ظهور امام زمان) شتاب میکنند
هلاک میشوند ؛ و آنانکه با ایمان ثابت (و بدون تزلزل و شتاب) انتظار آن روز
میکشند نجات می‌یابند و اینان همچون سنگری بر جای خود استوارند **وَأَنْ بَعْدَ الْفِجْمِ**
فَتَحَا عَجِيبًا یعنی : مسلماً بعد از این اندوه ، پیروزی عجیبی است .

و نیز در کتاب نامبرده از جابر جعفی از آنحضرت روایت نموده که فرمود
کسانیکه از ما اهل بیت پیش از قیام قائم علیه السلام قیام میکنند ، مانند جوجه‌هایی هستند
که پیرند و بسوراخ دیواری درافتند ، و بچه‌ها با آنها بازی کنند (۱)

و هم در آن کتاب از جابر جعفی و او از آنحضرت روایت کرده که فرمود:
همانطور که آسمان و زمین آرام است ، شما نیز آرام بگیرید ، یعنی علیه کسی بتقع
ما قیام نکنید . زیرا امر شما (اعتقاد باینکه دولت حق از آن آل محمد است) چیزی
نیست که بر کسی پوشیده باشد ولی بدانید که آن از کارهای خداوند است (و او
باید دولت ما را ظاهر گرداند) و بدست مردم نیست (که آنها قیام کنند و آنرا برای
ما بگیرند) بدانید که حق از آفتاب روشنتر است ، و بر مؤمن و فاسق پوشیده نیست
صبح را می‌بینید ؟ حق ما هم چون صبح روشن است که بر کسی پوشیده نیست !

(۱) این معنی هم تا کنون مطابق گفته حضرت باقر (ع) تحقق یافته است . زیرا میدانیم
که تمام قیامهای سادات و علویان برای بدست گرفتن دولت حق و خلافت اسلامی و حکومت
عادلانه‌جوانی بی نتیجه مانده است برای اطلاع بیشتر فارسی زبانان کتاب « قیام سادات
علوی برای خلافت » را بخوانند .

وظیفه شیعیان در زمان غیبت

مؤلف: نعمانی رحمه الله علیه در اینجا میگوید: «نگاه کنید بشیوه ائمه و دستوری که بما داده اند و رسمی که داشته اند، و ببینید چگونه در پیش آمدها صبر میکردند و خود شیعیان را از خطرها حفظ مینمودند! و منتظر فرج بودند و میگفتند آنها که در این خصوص شتاب میکنند بهلاکت میرسند و گمراه میگردند و آنها که آرزوی (توأم با شتاب) دارند دروغ میگویند.»

و به بینید که چطور از کسانی که تسلیم حوادث و گوش بفرمان ائمه هستند و منتظر فرج آل محمد میباشند (که هر وقت خدامصلحت دید آشکار شود) و بردبار و ثابت میمانند، تمجید نموده و فرموده: آنها رستگارند، و چگونه اینان را تشبیه کرده به سنگری که بر شالوده های خود پایدار باشد!

پس ای خوانندگان! شما هم از آنها پیروی کنید و تسلیم فرمان آنها شوید و از شیوه آنها قدم بیرون ننهید...»

و نیز نعمانی در کتاب «غیبت» از ابو بصیر و او از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند که روزی فرمود: آیا شما را از چیزی مطلع نگردانم که خداوند عمل بندگانش را جز بوسیله آن؛ نمیپذیرد؟ من گفتم: بفرمائید بدانیم آن چیست؟ فرمود: آن گواهی دادن بیگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و اعتقاد بآنچه خدا فرموده و دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما ائمه و تسلیم در برابر آنها و پارسائی و کوشش در امر دین و صبر و انتظار برای ظهور قائم ماست.

آنگاه فرمود: ما را دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد آنرا میآورد. سپس افزود: هر کس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد، باید منتظر ظهور او باشد و پرهیز کاری پیشه سازد و دارای اخلاق نیکو باشد و بدینگونه انتظار آن روز کشد. اگر در این حالت بمیرد و بعد از مرگ او قائم قیام نماید، ثواب کسی دارد که آنحضرت را درک کرده است. پس سعی کنید و منتظر باشید، خوش بحال شما ای مردمی که

خداوند شمارا مشمول رحمت خود گردانیده است (۱)!

عقیده ثابت شیعیان

فیز در آن کتاب از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از امام محمد باقر

(۱) انتظار فرج که اخبار آنرا در این باب می خوانید، یکی از موضوعات بسیار جالب و حساس زندگی حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف است؛ که باید مورد مطالعه دقیق قرار گیرد. ممکن است بعضی از خوانندگان سؤال کنند چرا پیشوایان ما تا این اندازه اهمیت با انتظار فرج داده اند و آنرا بما سفارش کرده اند؟ می گوئیم: انتظار فرج یعنی آماده بودن برای ظهور امام زمان و تشکیل دولت حقه آل محمد و حکومت جهانی آخرین سفیر الهی. انتظار فرج یعنی مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که با طلوع پیشوای غائب جهان، گشایشی در کلیه شئون زندگی بشریت پدید می آید. روزی که تمام بدبختیها، ناکامیها، نابسامانیها، پیداد گریها، از میان بیرون رود؛ و فقر و تنگدستی، بیکاری و بیماری، و بالاخره تمام مصائب و ناراحتیها یکباره و برای همیشه رخت از جهان برمی بندد، روزی که بر اثر اجرای صحیح دستورات دین جاویدان اسلام و احکام حیات بخش و تعالیم خرد پسند قرآن مجید توسط امام زمان حجت بن الحسن السکری ارواح نافع و دیگر کسی برای مال و جاه دنیا برادر کشی نمی کند، و خونریزی برآه نمی اندازد. کینه یکدیگر را بدل نمی گیرند؛ و برای زندگی بهتر اجتماعی را بخاک و خون نمی کشند، همه با هم متحد، برادر، برابر خواهند بود. مرزها برداشته می شود، و بوسیله خود آنحضرت حکومت واحد جهانی در سراسر گیتی برقرار می گردد. آری برای چنین روزی از حالا و خیلی پیشتر باید انتظار کشید و امیدوار بود. امید برای پیروزی حتمی و کامل حق بر باطل؛ انتظار برای اجرای حق و عدالت؛ امید برای از میان رفتن ظلم و زور.

امید است که انسان را در زندگی فردی و اجتماعی در برابر ناملایمات و ناراحتیها و محرومیت، بیمه می کند، و دلگرم و بانشاط نگاه میدارد. امید مشمل فروزانی که همیشه در کانون وجود آدمی روشن است، و خانه وجود انسان را گرم میکند. امید و انتظار روح یأس و بدبینی و حالت شکست و ناکامی را از انسان بر طرف می سازد، و دائماً آماده کوشش و فعالیت برای نیل به هدف عالی زندگی میکند. پس باید تا آنروز پیوسته منتظر بود، و امیدوار باشیم که مصلح حقیقی جهان خواهد آمد.

ﷺ شنیدم میفرمود: پرهیز کاری پیشه سازید، و با تقوی و کوشش در اطاعت خداوند بر این عقیده که دارید؛ کمک بجوئید. وقتی یکی از شما بسر ای دیگر شناخت و درهای دنیا بروی او بسته شد دین و پرهیز کاری او سخت تر بن چیزی است که مورد غبطه و رشک دیگران (که از آن بی نصیب هستند) واقع میشود. وقتی آدم قدم بسر ای دیگر گذاشت میداند که با استقبال نعمتها و وعده های الهی و مزده رفتن به بهشت، میرود و از کسی که میترسیده ایمن است.

و یقین میکند که در دنیا بر حق بوده، و کسی که در جهت خلاف دین میرفته بر طریقه باطل و گمراه است پس شمارا (بر این عقیده) مزده میدهم، باز هم مزده میدهم. شما چه می خواهید؟ آیا نمی بینید که دشمنان شما در ارتکاب گناهان الهی کشته میشوند و برای رسیدن بدنای فانی یکدیگر را بقتل میرسانند ولی شما چنین نیستید و از آنها دوری جسته در خانه های خود با طیب خاطر آسوده اید؟ بلای سفیانی که از دشمنان شماست برای شما کافی است. خروج او برای شما از علامات ظهور است، مع الوصف آن فاسق وقتی خروج میکند شما یکی دو ماه آسوده می مانید و خطری از وی نمی بینید او مردم بسیاری را بقتل میرساند ولی شما جزو آنها نیستید.

در این موقع یکی از اصحاب حضرت پرسید: در آن موقع زنان و فرزندان خود را چکنیم؟ فرمود: مردان شما باید پنهان شوند، زیرا خطر او فقط متوجه (مردان) شیعیان مامی شود. ولی بخواست خدا زنان شما در معرض آسیب وی نخواهند بود. از حضرت پرسیده شد: دجال بکجا روی می آورد و آنها که از وی می گریزند بکجا میروند؟ فرمود: هر کس می خواهد از او فرار کند بمدینه و یا بمکه و یا بعضی از شهرها میرود. آنگاه فرمود: چگونه در مدینه میتوانید بسر برید؟ زیرا آنجا مقصد لشکر این فاسق (سفیانی) است. بنابراین بمکه بروید. زیرا شما همه در آنجا گرد می آئید که فتنه او نه ماه باندازه مدت حاملگی زنان است و از این مدت تجاوز نمی کند انشاء الله.

نیز در آن کتاب از زراره روایت میکند که حضرت صادق ﷺ بوی فرمود: امام

خود را بشناس زیر شناختن او ضرری بتو نمیرساند ، خواه ظهور صاحب الامر زود واقع شود و خواه بتأخیر بیافتد .

وهم در غیبت نعمانی از فضیل بن یسار روایت کرده که از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم مقصود از آیه **يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ** (۱) چیست ؟ فرمود : ای فضیل ! امام خود را بشناس که شناختن او ضرری بتو نمیرساند خواه این امر زود واقع شود و خواه بتأخیر بیافتد . کسیکه امام خود را بشناسد ، و سپس پیش از قیام صاحب الامر بمیرد ، مثل کسی است که در لشکر او نشسته است ، نه ! بلکه مانند کسی است که در زیر پرچم او نشسته باشد ! بعضی از اصحاب اینطور روایت کرده اند : مثل کسی است که در کتاب پیغمبر صلی الله علیه و آله شهید شده باشد .

هم در آن کتاب از ابو بصیر نقل کرده که گفت : بآنحضرت گفتم : قربانت کردم ، فرج و گشایش کار شما اهل بیت کی خواهد بود ؟ فرمود : ای ابو بصیر ! تو از کسانی هستی که چشم بدنیادارند . هر کس صاحب الامر را بشناسد ، انتظار ظهور او ، برای وی گشایش و فرج است !

همچنین در کتاب یاد شده از اسمعیل بن محمد خزاعی روایت نموده که گفت : ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام سؤالی کرد که من هم می شنیدم . وی گفت : آیا من قائم (ع) را درک می کنم ؟ فرمود : ای ابو بصیر ! مگر تو امام خود را نمی شناسی ؟ عرض کرد : بلی والله ، شما امام من هستید . حضرت دست او را گرفت و فرمود : ای ابو بصیر بخدا قسم تو از اینک در سایه ایوان قائم شمشیرت را بدست گیری بلكنداری .

مؤلف : یعنی تو هر گونه آمادگی برای ظهور و جان بازی در راه قائم ماداری و نیز در غیبت نعمانی از فضیل بن یسار نقل میکند که گفت از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم میفرمود : کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد (امام خود را نشناسد) همچون مردم عهد جاهلیت مرده است . و کسیکه بمیرد در حالیکه امام خود را میشناخته زیانی نبرده ، خواه ظهور امام زمان زود واقع شود و یا بتأخیر بیافتد ، و

هر کس بمیرد و امام خود را بشناسد مانند کسی است که بامهدی منتظر در خیمه اش بوده است .

نیز در آن کتاب از عمرو بن ابان روایت کرده که گفت : شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: علامت (ظهور قائم آل محمد) را بشناس که اگر آنرا بشناسی ضرری بتو نمیرساند خواه این امر زود واقع شود یا بتأخیر بیافتد. خداوند عالم میفرماید: **یوم ندعو کل اناس بامامهم یعنی :** روز قیامت هر دسته‌ای را با امام خودشان میخوانیم . پس هر کس امام خود را بشناسد، مانند کسی است که در خیمه منتظر بوده است .

و نیز در آن کتاب از حمران بن اعین از آنحضرت این روایت را نقل کرده با این تفاوت که در این روایت میفرماید : «امام خود را بشناس» و بجای خیمه منتظر «خیمه قائم» دارد .

کلینی در کافی از ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود : هر پرچمی پیش از قیام قائم برافراشته شود صاحب آن پرچم بستی است و غیر خدا را اطاعت کرده‌اند .

حدیث لوح فاطمه (ع)

مؤلف : سابقاً (در جلد دهم بحار الانوار) حدیث لوح که با سلسله خودم نقل کردم گذشت که از جمله این جملات بود: «... آنگاه رسالت خود را بوسیله فرزند او (محمّد) که رحمت عالمیان، و دارای کمال موسی و نورانیت عیسی و صبر ایوب است کامل میگردانم .

دوستان من در زمان (غیبت) او خوار میگردند، و سرهای آنها را مانند سرهای ترك و دیلم به ارمغان میبرند ، آنها بقتل میرسند و سوخته میشوند و بیمناك و مرعوب و هراسان میباشند ، و زمین از خون آنها رنگین میشود ، و صدای زنان آنها بآه و ناله بلند میگردد. آنها دوستان حقیقی من هستند . آشوبهای سهمگین را بوسیله آنها از

میان بر میدارم، و بوسیله آنها زلزله‌ها و سختیها و گرفتاریها را بر طرف میسازم .
اولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة واولئك هم المهتدون . یعنی: آنها کسانی
 هستند که از جانب خدا بآنها درود میرسد، و آنها راه یافتگانند (۱)

(۱) منظور از حدیث لوح ، حدیثی است که کلینی در کافی جلد اول طبع جدید صفحه
 ۵۲۸ از جابر بن عبدالله انصاری از حضرت فاطمه زهرا دخت والا گهر پنجمبر (ص) نقل می کند .
 در این حدیث حضرت صادق (ع) می فرماید: پدرم (امام باقر) از جابر خواست لوحی را
 که در دست جدش حضرت زهرا (ع) دیده و آنچه در آن نوشته بود و بوی فرموده است، برای
 آنحضرت نقل کند .

جابر گفت : موقع ولادت امام حسن آمدم که بان بانوی عالمقام تبریک بگویم لوحی
 از زمره دیدم . حضرت زهرا فرمود این را پدرم بمن داده و اسامی پدرم و شوهر و فرزندانم و
 جانشینان آنها در آن مسطور است . من خواهش کردم آنرا مرحمت کند تا من هم بخوانم . سپس
 جابر لوح را از حضرت زهرا گرفته ؛ و می بیند اسامی پینمبر و يك يك ائمه مسمومین با مقام و
 موقعیت و سرانجام کار هر يك نوشته شده تا آنجا که خداوند در باره امام حسن عسکری (ع)
 می فرماید :

«وَأُخْرِجُ مِنْهُ الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِي وَالْخَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ وَأُكْمِلُ ذَلِكَ بِإِنِّيهِ . . .
 رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ . عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ - فَتَذِلُّ أَوْلِيَاءِي فِي
 زَمَانِهِ . . . یعنی : از علی هادی (ع) بیرون می آورم حسن (عسکری) دعوت کننده بر احم
 و خازن علم خود را و کامل می گردانم آنرا بفرزندش دم حم ده که رحمت عالمیان است . . .
 حدیث لوح نیز مورد دستبرد حسینعلی مازندرانی واقع شده و در کتاب فارسی خود «ایقان»
 در صفحه ۲۰۳ می نویسد : «در کافی در حدیث جابر در لوح فاطمه در وصف قائم می فرماید :
 عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ فَيَذِلُّ أَوْلِيَاءَهُ فِي زَمَانِهِ . . .»

یعنی : بر اوست کمال موسی و روشنی عیسی و صبر ایوب و دوستان او ، در زمان وی خوار
 می شوند !

پس تا آخر حدیث را نقل کرده و آنرا تطبیق به میرزا علی محمد باب و اصحاب و یاران او یعنی
 بایبهای زمان ناصرالدین شاه نموده است !

عزاز قمی در کفایة الاثر با اسناد سابق در باب روایاتی که در خصوص امام دوازدهم رسیده است از جابر بن عبدالله انصاری از پیغمبر (ص) روایت میکند که فرمود: حجت خدا از نظر آنها غائب میگردد و نام برده نمیشود، تا آنکه خداوند او را ظاهر گرداند. پس وقتیکه خداوند او را آشکار ساخت، زمین را پراز عدل و داد میکند، چنانکه پراز ظلم و ستم شده باشد. سپس فرمود: خوش بحال آنها که در غیبت وی پایدارند. خوش بحال کسانی که در راه روشن خود ثابت قدم میمانند. اینانند که خداوند در باره شان فرموده است: **والذین یؤمنون بالغیب (۱)** و فرموده:

= میرزا بهاء قسمت اول حدیث که از امام حسن عسکری شروع می شود و فرزندش قائم را با اسم (م ح م د) نام برده است بکلی انداخته و سپس کلمه «او ایامی» را که بمعنی دوستان من است؛ تغییر داده و «اولیاء» نوشته و در حقیقت این پیغمبر راستگوی قرن نوزدهم میلادی در این حدیث هم يك خیانت فاحش و يك دروغ شاخدار گفته است.

خوشبختانه در حدیث لوح ضمن اوصاف قائم از «سجن یوسف» که در بعضی از روایات باب هیجدهم بود؛ سخنی بیان نیامده و اگر بود میرزا بهاء موضوع زندان رفتن سید علی محمد را هم بمیان میکشید، و آنوقت دیگر غوغا میکرد.

بهر حال حدیث لوح نه تنها کوچکترین تناسبی با دعوی سید باب و ادعای میرزا بهاء ندارد، بلکه درست بعکس نتیجه میدهد. زیرا با صراحت می گوید: قائم م ح م د فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب است، که اولیاء خدا یعنی شیعیان وی از زمان غیبتش تا کنون همواره مورد قتل و حرق و اسارت و شکنجه بوده اند؛ و بسیار اتفاق افتاده که سرهای آنها را مانند اسرای ترک که و دیلم بارمغان برده و زنانشان صدا بناله و فریاد برداشته اند و همرا تاریخ از زمان بنی عباس تا کنون ثبت کرده است ولی میرزا بهاء حدیث را از کلمه «علیه کمال موسی» شروع کرده بدون این که بگوید مرجع ضمیر «علیه» کیست و راستی که رسوائی بیار آورده؛ زیرا این «علیه» بخوبی میرساند که نام طرف در حدیث بوده است، حال چرا میرزا بهاء ذکر نکرده لابد میدیده که در آن صورت نتیجه

فنی گیرد ۱۱

أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱) یعنی: اینان طرفداران خدا هستند، بدانید که طرفداران خداوند رستگارانند.

نعمانی در تفسیر خود باسند خود (که در کتاب «قرآن» بحار نقل خواهیم کرد) روایت کرده که: امیر المؤمنین علیه السلام گفت: پیغمبر بمن فرمود: یا ابا الحسن شایسته است که خداوند گم شدگان را وارد بهشت کند. سپس امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مقصود پیغمبر مؤمنینی هستند که در زمان غیبت بسر میبرند و از امامی که جایش نامعلوم و خودش از نظرها غائب است، پیروی مینمایند. آنها عقیده بامامت اودارند. و بذیل عنایتش چنگ میزنند، و منتظر آمدن او هستند و یقین بوجود اودارند. و شکایتی ندارند، و بردبار و تسلیم خواسته حقدند. و از این جهت گم شده هستند که از یافتن مکان امام خود و از شناختن شخص او گم شده‌اند.

دلیل بر این مطلب اینست که وقتی خداوند خورشید را که راهنمای اوقات نماز است، از نظر بندگانش بپوشاند، آنها میتوانند وقت نماز را بتأخیر بیاندازند تا موقعیکه آشکار میشود، وقت برای آنها روشن گردد و یقین کنند که ظهر شده است. همینطور کسیکه منتظر آمدن امام است و چنگ بدامان امامت اوزده، هم تمام واجبات و فرایض الهی را بعهده دارد که انجام دهد و وقتی انجام داد از او پذیرفته است و (باغیبت امام) از معنی واجب بودن، بیرون نمیرود. و این بنده هم صبر میکند و نظر بر رحمت حق دارد و غیبت امامش ضرری بعقیده او نمیرساند.

شیخ مفید در کتاب «اختصاص» روایت میکند که راوی گفت: بامام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: ما بهتر هستیم یا اصحاب قائم؟ فرمود: شما بهتر از اصحاب قائم هستید، زیرا شما از دولتهای ظالم شب و روز بر جان امام خود و خودتان هراسان میباشید. اگر نماز میخوانید، باحالت تقیه است و اگر روزه میگیرید، باز در تقیه است و اگر حج میکنید آنها در تقیه است و اگر (در محکمه شرع و حضور قاضی) گواهی بدهید (بجرم تشیع) گواهی شما پذیرفته نیست، و از این قبیل چند چیز

دیگر شمرد . سپس عرض کردم : وقتی اینطور باشد چه آرزوئی بدیدن قائم داریم؟
فرمود : سبحان الله نمبخـواهی عدالت آشکار گردد و راهها امن شود ، و مظلوم
مورد ترحم قرار گیرد ؟ (۱)

و نیز امیر المؤمنین علیه السلام «در نهج البلاغه» میفرماید : در جای خود قرار
گیرید ، و بر بلائی که واقع میشود صبر کنید ، و بادست و شمشیر و زبان خود .
جرکتی نکنید ، و در باره چیزی که خداوند شتاب در آنرا برای شما نخواسته
است ، عجله نکنید . زیرا هر کس از شما در بستر خود بمیرد و خدا و پیغمبر و اهلبیت
اورا شناخته باشد ، شهید مرده و ثواب او با خداست که پاداش نیت و اعمال نیک او
را بدهد ، و نیت او (برای درک امام زمان) مثل اینست که شمشیر خود را (برای
آنحضرت) آماده ساخته است . زیرا هر چیز مدت و زمانی دارد .

شیخ طوسی در امالی از یحیی بن علاز امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده
که فرمود : هر مؤمنی شهید است . و اگر در رختخواب بمیرد شهید است و مانند
کسی است که در لشکر امام علیه السلام جان بدهد آنگاه فرمود : آیا سزاوار است که
او خود را وقف خدا کند و داخل بهشت نشود؟! .

و در دعوت راوندی روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود : **انتظار الفرج**

بالصبر عبادة یعنی : انتظار فرج با صبر و بردباری عبادت است .

صدوق در کمال الدین از جابر جعفی از امام ششم روایت نموده که فرمود :
زمانی بر مردم خواهد گذشت که امام آنها از نظرشان غائب گردد . خوش بحال
آنها که در آن زمان بر عقیده خود نسبت بما ثابت میمانند . کمترین ثوابی که
آنها دارند اینست که خداوند متعال آنها را با این کلام صدازند : بندگان من !
که ایمان بمن آوردید و غیب مرا تصدیق کردید ، شمارا بثواب نیکوی خود مرده

(۱) اصحاب قائم علیه السلام از پر تو حکومت واحد جهانی آنحضرت در امن و آرامش بسر

میبرند و از آزادی مطلق آنطور که دین اسلام میخواهد برخوردارند ، و آرزوی مردم نیز برای
تحقق یافتن آن زمان و زندگی در آن عصر طلایی می باشد .

میدهم شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید عبادت شمارا میپذیرم و از تقصیرات شما میگذرم و شمارا می آمرزم و بخاطر شما بندگانم را از باران سیراب میکنم، و بلارا از مردم بر طرف میسازم، اگر برای خاطر شما نبود عذاب خود را بر آنان (که در بیدینی و غفلت و معصیت بسر میبرند) فرو میفرستادم. جابر گفت: عرض کردم یا بن رسول الله! بهترین کاری که شخص با ایمان در آن زمان میتواند انجام دهد چیست؟ فرمود: حفظ زبان خود و ماندن در خانه!

روایت زرارة بن اہن

هم در آن کتاب از زراره (۱) روایت نموده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: قائم پیش از قیامت غیبتی دارد. عرض کردم: برای چه غائب میشود؟ فرمود: میترسد؛ در این وقت بادست اشاره بشکم خود فرمود (یعنی میترسد شکمش را پاره کنند).

(۱) زرارة بن اہن شیعیانی از مردم کوفه و شاگردان عالیمقام حضرت باقر و صادق علیہما السلام است. در فقاہت و دیانت و وراثت و علم و فضل در میان انبوه شاگردان ائمه اطهار علیہم السلام نظیر نداشته است. روایت شده که امام صادق (ع) به فیض بن مختار فرمود: هر وقت طالب حدیث ماشدی از این شخص نغسته اخذ کن و اشاره بزواره فرمود. و هم فرمود: **قَوْلًا زَرَّارَةً لَقَلَّتْ أَنْ أَحَادِيثَ أَبِي سَتْدَهَبٍ** یعنی: اگر زراره نبود میگویم احادیث پدرم منقریب از میان میرود! روایت شده که یونس بن عمار راوی جلیل القدر؛ حدیثی از زراره را جمع به دارت، از امام باقر برای حضرت صادق علیہما السلام نقل کرد؛ حضرت فرمود: آنچه زراره از پدرم نقل کرده روانیست که ما آنرا رد کنیم!!

ابو غالب زراری که در پاورقی صفحه ۷۰۰ شناساندیم در رساله‌ای که در شرح حال زراره و رجال خاندان خود نوشته؛ و در کفکول، شیخ یوسف بحرانی تمام آن آمده است؛ درباره زراره هموی جد خویش می نویسد: روایت شده که زراره مردی خوش‌سینما و تنومند و سفید پوست بود؛ وقتی به نماز جمعه میرفت، عرقچینی بر سر می گذاشت و عصائی بدست میگرفت؛ مردم پاس احترام و احتعام او را می داشتند؛ وصف کعبه، هیئت نیکو و جمال او را مینگریستند. زراره در مناظره و سخنوری بسیار ممتاز بود هیچکس قادر نبود در مناظره او را مغلوب =

سپس فرمود: ای زراره! او همان منتظر است و همان است که مردم درباره ولادتش تردید میکنند! بعضی می گویند او هنوز در شکم مادر است. و برخی می گویند: او غائب است، وعده ای هم می گویند او هنوز متولد نشده است، و جمعی می گویند دو سال پیش از وفات پدرش متولد شده است. اوست که مردم همه در انتظار وی میباشند ولی خداوند دوست دارد شیعیان را بدینوسیله امتحان کند. در آن موقع است که اهل باطل دچار شک میشوند.

زراره میگوید: عرض کردم: قربانت کردم! اگر من آن زمان را درک نمایم چه کار کنم؟ فرمود: ای زراره! اگر آن روز را درک کردی پیوسته این دعا را بخوان:

اللهم عرفني نفسك فانك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف نبيك اللهم عرفني نبيك فانك ان لم تعرفني نبيك لم اعرف حجبتك اللهم عرفني حجبتك فانك ان لم تعرفني حجبتك ضللت عن ديني، یعنی پروردگارا! خود را بمن بشناسان که اگر خود را بمن

نشناسانی نمیتوانم پیغمبرت را بشناسم، پروردگارا! پیغمبرت را بمن بشناسان که اگر پیغمبرت را بمن نشناسانی نمیتوانم حجت تورا بشناسم. پروردگارا! حجت سازد. ولی کثرت عبادت او را از سخن گفتن باز داشته بود. متکلمین شیعه در سلك شاگردان او بودند.

وی هفتاد و یک سال (سبعین و تسعين سنة) در جهان زیست. اولاد او بسیار دارند آنچه درباره آنان گفته شده: پیش از اینست که بتوانم برای تو خواننده بنویسم.

زراره با این مقام عالی که او را از او تاد زمین و اعلام دین و سرآمد اصحاب اجماع (یعنی کسانی که هر حدیثی با سند صحیح روایت کنند، علمای شیعه اجماع بر قبول آن نموده اند) بشمار آورده اند، می گوید: با هر حرفی که از امام جعفر صادق میشنوم ایمانم افزون میگردد!

برادران زراره: بکیر، حمران، عبدالرحمن و عبدالملك بن اعبن و فرزند وی ضریس بن عبدالملك همه از بزرگان اصحاب ائمه اطهار می باشند. فرزندان زراره: رومی، عبدالله، حسن و حسین نیز از او یان موثق و جلیل القدر بوده اند.

خود را بمن بشناسان، که اگر حجت خود را بمن نشناسانی دین خود را از دست میدهم! **آنگاه** فرمود ای زراره! جوانی را در مدینه خواهند کشت. عرض کردم: این همان نیست که لشکر سفیانی او را میکشند؟ فرمود: نه بلکه لشکر ادراد فلان او را بقتل میرسانند، این لشکر حرکت نموده بمدینه میآیند بطوریکه مردم نمیدانند آنها در چه وضعی وارد مدینه شدند. آنگاه آن جوان را گرفته و با بیدادگری و ظلم و ستم بقتل میرسانند (۱) بعد از آن خداوند دیگر با آنها مهلت نمیدهد و در آن موقع منتظر فرج و گشایش باشید.

این روایت را صدوق در کمال الدین بدوسند دیگر و نیز در غیبت شیخ و نعمانی بدو طریق دیگر و هم کلینی در کافی بدو طریق دیگر، همه از زراره و او از آنحضرت روایت کرده اند.

و هم در کمال الدین از عمر بن عبدالعزیز از امام صادق علیه السلام روایت نموده که بوی فرمود: هنگامیکه صبح و شام امامی ندیدی که از وی پیروی کنی، هر کس را دوست میداری دوست و کسانی را که دشمن میداری دشمن بدار تا آنکه خداوند آن امام را ظاهر گرداند (۲)

هم در آن کتاب از عیسی بن عبدالله بن عمر بن علی بن ابیطالب علیه السلام و او از دائش حضرت صادق علیه السلام روایت میکند که گفت: عرض کردم: اگر حادثه ای پدید آمد (یعنی شما بمیرید) که خدا آن روز را برای من پیش نیاورد: از کی پیروی کنم؟ حضرت اشاره به موسی کاظم علیه السلام نمود. عرض کردم: اگر او هم در گذشت از کی پیروی نمایم؟ فرمود: از فرزندش پیروی کن. عرض کردم: اگر فرزند او هم

(۱) ابن جوان (نفس الزکیه) و جوان هاشمی نیست که قبل از ظهور حضرت صاحب

الزمان (ع) در مکه، بشرحی که در باب ملامت ظهور می خوانید بقتل میرسد.

(۲) منظور اینست که با اعتقاد مذهبی و تشیع سابق خود ثابت باش و با شناب و بدون تحقیق و بررسی

هر کسی را دوست مدار و امام زمان ندان، تا آنگاه که امام زمان واقعی با تمام ملامت و نهانها آشکار گردد.

در گذشت و برادر بزرگ و پسر کوچکی بجای گذاشت از کدام يك پیروی نمایم؟ فرمود از پسرش و بعد از او نیز همینطور است .

عرض کردم : اگر او را نشناسم و جای او را هم ندانم کجاست چه کنم؟ فرمود: میگوئی : خدا یا ! من بازمانده حجت های تو را که از اولاد امام گذشته است دوست میدارم همین جمله عذر تو را بر طرف میسازد . این حدیث بسند دیگر هم در کمال الدین آمده است .

همچنین صدوق در کمال الدین از عبدالله بن سنان روایت می کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود : عنقریب شبهای برای شما پدید میآید که نه علامتی برای یافتن راه (حق) هست و نه امامی که (شمارا) راهنمائی کند . کسی جز آنها که دعای غریق میخوانند از آن ورطه نجات نمی یابد . عرض کردم : دعای غریق چگونه است؟ فرمود : میگوئی : **يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ ثَبِّتْ قَلْبِيْ عَلٰى دِيْنِكَ** عرض کردم : **يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ وَالْاَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِيْ عَلٰى دِيْنِكَ** فرمود : خداوند مقلب القلوب والابصار است ، ولی اینطور که من میگویم بگو : **يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ ثَبِّتْ قَلْبِيْ عَلٰى دِيْنِكَ** .

بر هفیده خود ثابت بمانید

و نیز در کتاب مزبور ، از یونس بن یعقوب و او از کسی که روایت را نوشته از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود : چه حالی خواهید داشت زمانی که مدتی از عمرتان بگذرد و امام خود را نشناسید؟ عرض شد اگر آن روز فرا رسد چکنیم؟ فرمود : چنگ زنیده به همین طریقه ای که دارید تا حقیقت امر روشن شود . نیز در آن کتاب است که حضرت صادق علیه السلام به زراره فرمود : زمانی خواهد آمد که امام از نظر مردم پنهان شود ، زراره میگوید : عرض کردم : در آن زمان مردم چه میکنند؟ فرمود : طریقه ای که دارند از دست ندهند تا آنکه

مطلب بر آنها روشن گردد.

وهم در کمال الدین از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که در تفسیر آیه **دیوم یاتی بعض آیات ربك لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنتم من قبل او کسبت فی ایمانها عیرا** فرمود: آن روز، روز قیام منتظر ماست! خوش بحال شیعیان قائم ما که در غیبت او منتظر ظهور او میباشند و اطاعت او را گردن مینهند. آنها دوستان خدایند و کسانی میباشند که از کسی جز خدا ترس ندارند و غمگین نمیباشند.

استظهار
 در وفاداری
 و کداری
 پادشاهی

از غایب
 از راه
 کفر
 پادشاهی

چهارمین
 ۲۲۲۵۰

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ
 أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ
 تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ جَنَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي
 جَنَّكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي جَنَّكَ ضَلَلْتُ عِزِّي
 اللَّهُمَّ لَا تُمَيِّزْ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ زَهْلَتِي

دعا در غیبت امام زمانه.

خدایا، تو خود خودت را این شناسان که اگر تو خودت را این شناسان
 پیامبرت را نیز شناخته ام. خدایا، تو خود پیامبرت را این شناسان
 که اگر تو پیامبرت را این شناسانی نخواستی این نیز شناخته ام.
 خدایا نخواست خود را این شناسان که اگر نخواست خود را این شناسان
 مرا از راه رانده ای. خدایا، مرا چونان مردگان دره جاہلیت میران
 و دل مرا بعد از آن که ره نموده ای به گمراهی گرفتار مساز.

قَالَ لَيْسَ لِي مَوْلَى وَلَا مَوْلِيَّةٌ وَلَا آلٌ لِي فِي دِينِي
وَالْأَلْبَانِيَّةُ مَوْلَى دِينِي وَالْأَلْبَانِيَّةُ

اسمعی نیست با عدلاً و قسطاً کما طهرت و جوراً

بیرضیعی ۱۳۹۷

نقد مراد شاد و نسیب

اگر از عمر دنیا پیش از یکت و ز باقی نماند باشت فدای جهان آنروز را چنان طولانی خواهد نمود تا سر بخایم مروی از خاندانم
برخیزد و پهنه جهان را انسان که مال مال از ظلم و ستم شده گسترده داد و عدل نماید

منتخب الاثر ص ۱۹۱

يَا اَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ

شماي از وظايف ما بفرموده رسر كسر العلام

اينجا مملكت امام عصر سلام الله عليه است... بايد كسانيكه پويده با امام عصر سلام الله عليه نماندند
بروند... در مملكتي كه تعلق به امام زمان عليه السلام دارد، ما همه سر بازان ولي عصر يم :

بايد كه همه به آن وطن يعني كه اسلام و قرآن تحت لوای حضرت امام زمان سلام الله عليه براي اين
فرموده، عمل كنيم .

... ما بايد خودمان را مهيا كنيم از براي اينكه اگر چنانچه موفق شديم انشاء الله به زيارت ايشان بطور
باشد كه روغيد با شيم مش ايشان .

... تمام دستگاهايكه الان بجا گرفته شده اند در كشور ما، واميد داريم كه در ساير كشورها هم بويده
بايد توجه به اين معناداشته باشنده كه خودشان را مهيا كنند براي وفات حضرت محمد سلام الله عليه

خداوند ما را موفق كند به بديدار ايشان كه چشمي ما روشن شود به زيارت آن وجود مبارك كه ان شاء الله

كه نميشو انم كوچوم شخص اول دنيا و نميشو انم كوچوم رهبر كه بالاتر از اين سائل است .

خدا همه ما را موفق كند بخدمت ايشان خدمت به اسلام و خدمت به كشور خودمان .

دعای حضرت صاحب الامر قائم آل محمد صلوات الله وسلامه علیه برای نجات از
جس و رفع گرفتاریها بسیار مجرب است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهِيَ عَظْمُ الْبَلَاءِ وَبَرِيحُ الْخَفَاءِ وَانْكَشَفَ الْغَطَاءِ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ
ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَوُمِعَتِ السَّمَاءُ وَأَنْتَ الْمُتَعَانُ وَإِلَيْكَ الْمُنْتَهَى
وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ
الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَعَرَّفْنَا بِذَلِكَ نَزَرْتَهُمْ فَخَرَجَ عَنَّا بِحَقِّهِمْ
فَرَجًا حَاجِلًا وَسَهْرًا كَلِجَ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ
أَكْفِيَانِي فَإِنَّمَا كَافِيَانِ وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا
صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي
أَتَاةَ السَّاعَةِ أَتَاةَ الْعَجَلِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ يَا رَحِمَ الرَّحِيمِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خاتمه